

رویان در پرتو تاریخ

(روزشمار تغییر نام رویان)

www.fabaresmi.ir



به کوشش : حمزه علی بازیار

www.tabarestan.info

تبرستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سروشنامه:	بازیار، حمزه علی، ۱۳۳۵
عنوان و پدیدآور:	روزشمار تغییر نام رویان "ناگفته‌های تغییر نام شهره علمده = المده به رویان همراه با رویان در پرتو تاریخ و مستندات/به اهتمام: حمزه علی بازیار.
مشخصات نشر:	تهران: سیب سرخ، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری:	۲۳۲ ص. مصور.
شابک:	۹۶۴-۷۳۴۸-۰۹-۶
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۲۳ - ۲۲۷.
یادداشت:	نمایه.
عنوان دیگر:	رویان در پرتو تاریخ و مستندات
موضوع:	رویان -- نام.
موضوع:	رویان -- جغرافیایی تاریخی.
رده‌بندی کنگره:	۲ ب ۹ و / ۲۰۸۹ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۲۲۶۵
شماره کتابخانه ملی:	۱۰۲۹۸۹۵

رویان در پرتو تاریخ

(روز شمار تغییر نام رویان)

مؤلف و گردآورنده: حمزه علی بازیار

ناشر: سیب سرخ

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۸۷

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

ویراستار: سیمین قناتی

ناظر فنی چاپ: مجید دادگر شه میرزادی

شابک: ۹۶۴-۷۳۴۸-۰۹-۶

حق چاپ برای مؤلف محفوظ می‌باشد.

رویان در بر تو تاریخ

www.tabarestan.net
(روز شمار تغییر نام رویان)

مؤلف و گردآورنده:

حمزه علی بازاریار

انتشارات سیب سرخ

تبرستان
www.tabarestan.info

تقدیم به:

مردم خوب رویان که گرمای محبتشان چتر

حمایت ما بود،

و

روح پدر و مادر عزیزم

و همچنین

همسر مهربانم که من را در جمع آوری این اثر

یار و همراه بودند.

فهرست مطالب

تبرستان

www.tabarestan.info

صفحه	عنوان
۶	آغاز کتاب
۹	مقدمه
۱۱	رویان در پرتو تاریخ
۲۳	روز شمار تغییر نام
۶۷	آنچه پس از تغییر نام گذشت
۸۹	تکمله
۹۳	محلله‌های قدیمی شهر رویان
۱۱۳	مستندات و تصاویر
۲۲۳	فهرست منابع و مأخذ

آغاز کتاب

یادداشتی که پیش رو دارید روز شمار تغییر نام شهر ساحلی رویان همراه با گذری در جغرافیای تاریخی منطقه است که از سال‌های پیش در ذهنم بود و مجالی انسان بدست نمی‌آمد تا به عمل نزدیک شود. اما تشویقات دوستان ثابت قدم و صاحب‌هدفم با وجود بضاعت اندک من را بر آن داشت، به ادای وظیفه که نسبت به شهر و مردمانش که از مناعت طبع و قناعت ذاتی برخوردارند این مجموعه نگاشته شود تا شاید توانسته باشم از این راه امکان وظیفه وجدانی‌ام را به انجام برسانم.

در دوره‌های مختلف تاریخ چه بسیار حوادث گوناگون که باعث تغییر رفتار و یا تحول زندگی مردم این شهر کهن شده که امروز از آنها اطلاعی نداریم. اما تغییر نام نقطه عطفی شده تا جمع کثیری از دانشجویان و دانش‌پژوهان علاقمند به تاریخ و جغرافیای تاریخی منطقه را به تحریک و ادارد که تحقیقات و پایان‌نامه‌های خود را در مقاطع مختلف تحصیل دانشگاهی در این خصوص به نگارش درآورند. لذا محققین جوان، هم باید از روند تغییر نام باخبر می‌شدند، و هم باید جهت تحقیق و نگارش، چندین مجلد کتاب را در اختیار داشته باشند تا بتوانند به مقصود خود نایل آیند. گذشته از اینها بعضی از کتابها به دلیل نثر سنگین قدیمی که لغاتی دشوار و

عباراتی زاید بر مقدار داشته خواننده جوان را کسل خواهد کرد. پس اگر از مجموع روند تغییر نام به همراه مستندات و کتابها یادداشتی به زبان ساده تر و کوتاه به نگارش در می آمد مسلماً کمک شایانی به دانش پژوه جوان خواهد نمود. لذا تصمیم به نگارش چنین یادداشتی گرفتیم. هر چند تالیف این یادداشت نمی تواند گرهی در خور باز کند، ولی شاید فتح بابی مختصر باشد تا جوانان در زمینه نگارش تاریخ و جغرافیای تاریخی شهر و منطقه خود قدم های موثر بدارند که خود به پیشرفت و توسعه شهرشان کمک بزرگی خواهد کرد.

شهر رویان، باینکه در بهترین نقطه ایران و حتی جهان در ساحل زیبای دریای مازندران و در کنار رشته کوه البرز که مملو از درخت و بیشه زار است قرار دارد. ولی متأسفانه به جهات مختلف از ترقی و تعالی چشمگیر با همه قدمت و دیرینگی اش که در اکثر سفرنامه ها و متون جغرافیایی ذکری از آن رفت برخوردار نبوده، بر نسل جوان این وظیفه مسلم است تا با نگاهی به متون تاریخی و جغرافیایی لحظه ای از تلاش در جهت پیشرفت شهرشان کوتاهی نکنند چون رویان شایسته ارتقا به بخش ... را دارد. در پایان مؤلف بدون شک مدیون همکاری های بی دریغ دوستان فرهنگی و مردم فهیم رویان خصوصاً اعضای شورای اسلامی آقایان: احمد ابراهیمی، کامران قائمی، کامبخش سالاریان، سید مصطفی حسینی و سرکار خانم فخری مازندرانی و شهردار شهر آقای حسین رجب نژاد که با متانت مرا در این راه رهنمون بودند و با سپاس از آقایان ارجمند محمد قلی درویش و سهراب درویش که با حوصله تصحیحات فنی را متقبل گردیدند. از همراهی و مساعدت مالی دوستان ارجمند آقایان سهراب حمیدی مشاور محترم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت و معاونت اداری مالی وزارت ارشاد، حاج محمد ابراهیمی، محمدرضا گائینی و مجید دادگر که در چاپ این اثر یار بودند نهایت

سپاسگزاری را به عمل می‌آورم و همچنین از مجموعه انتشاراتی سفیر ارده‌ها که زحمت تایپ را کشیدند کمال تشکر را دارم. و در نهایت از همه دوستان و پژوهشگران انتظار می‌رود تا در رفع کاستی‌ها با راهنمایی خویش اینجانب را یاری دهند.

تبرستان
زمستان ۸۵ حمزه علی بازاریار
www.tabarestan.info

مقدمه

پس از تغییر نام شهر علمده = المده به شهر رویان و بویژه پس از چاپ خبرنامه‌ای که از جانب شهرداری رویان توسط جمعی از فرزندان این شهر^(۱) به قصد یادآوری آنچه که گذشته بود با ذکر سوابق لغوی رویان و جغرافیای تاریخی آن، واکنش‌های متفاوت و گاه متضاد را از جانب شهروندان رویانی، مقامات دانشگاهی، نویسندگان و از همه مهمتر ساکنین شهرهای همجوار و شهرهایی که این نام را مربوط به خودشان می‌دانستند برانگیخته است. نویسندگان آن خبرنامه همواره با این پرسش اساسی روبرو بوده‌اند که آیا شهر علمده = المده در گذشته همان رویان بوده است؟ و پاسخ می‌شنیدند که هرگز قصد آن نبوده است که بگوئیم «رویان» فقط محدوده‌ی همین شهر بوده است. بلکه این نام فراموش شده بر جایی گذاشته شد که در گذشته «جزیی از خاک پهناور رویان بوده است». اینک و در همه حال زبان حال ما این است که ما فقط خواسته‌ایم یک اسم تاریخی زیبا که روزگاری خاستگاه قیام علویان و فرمانروایان مستقل پادوسبانی بوده است و در درازنای تاریخ حوادث بی‌شماری بر آن گذشته، و اینک چند صد سالی است که دیگر این

اسم تاریخی فراموش شده و استعمال نمی‌گردد، زنده کنیم که کردیم. «راوی» در نقل پیشینه روند تغییر نام خود رابه کلی امانت‌دار دانسته و با خود و خدای خود عهد بسته که همه جزئیات حتی با ذکر نام افراد یادآوری گردد و اینک اگر در بازخوانی آن روایت نام و جزئیاتی مغفول مانده از سر سهو بوده است ولاغیر.

«راوی» در روایت واقعه هرگز به دنبال استفاده از بیان مضامین ادبی نبوده و به همین خاطر شما روایت را بسیار «خودمانی» می‌بینید.

و در پایان هیچ‌کس حق ندارد این کار خودجوش و خواسته مردمی که به همت عده‌ای از فرزندان این شهر و شما مردم با صفای شهر رویان به بارنشسته مصادره به مطلوب کند و اینک نیز فرزندان شما بی هیچ‌گونه چشم داشتی فقط و فقط به اعتلا و ارتقاء این شهر می‌اندیشند.

«راوی» کلیه مستندات خود را برای پی‌جویی علاقمندان در پایان روایت عیناً منعکس می‌نماید.

رویان در پرتو تاریخ

رویان شهری زیبا، توریستی و تاریخی با گستره‌ای از «کوه و دشت و دریا» با پیشینه‌ای کهن و آینده‌ای پر امید با تاریخی درخشان و فرهنگی غنی و دریایی موج با بیشه‌زارهایی مملو از درخت و دشت و صحرایی پر از گل و گیاه همراه با مزارع سبز برنج کاری منتهی به سلسله جبال البرز و آبشار دلفریب آب پری، در شمالی‌ترین نقطه کشور عزیزمان ایران جاخوش کرده است. تا جایی که هر مسافری به خطه سر سبز مازندران سفر کند حتماً توقفی در شهر رویان خواهد داشت. اگر رویان نامی آشنا برای متأخرین نباشد برای آنان که با شاهکارهای ادبیات کهن ایران مؤانستی داشته و دارند این نام یادآور جغرافیای حماسی ییلان‌ایران در خطه افسانه‌ای تبرستان قدیم است. این سرزمین با پیشینه‌ای کهن بر اساس کتب و متون تاریخی از جمله تقویم البلدان تألیف ابوالفداء (۷۲۱ ه.ق) نشر بنیاد فرهنگ ۱۳۴۹ ذکر تبرستان و مازندران در بخش اوصاف و اخبار عامه صفحه ۵۰۳ پاراگراف ۲ سطر ۳ چنین بیان می‌دارد.

...ازآمل تا هم بر ساحل دریای خزر چهار فرسخ و از هم تا سالوس (چالوس

فعلی) بر ساحل دریا پنج فرسخ و آن آخر حد تبرستان است از مغرب.

در بخش شاهراه‌های تبرستان اثر شادروان دکتر محمد جواد مشکور در گذشته‌های دور رویان فعلی به نام بندر الهم^(۱) برکنار دریا جای بازرگانان و کشتی‌بانان بوده (حدودالعالم) و به عنوان بندر مواصلاتی و تنها راه ارتباطی به مناطق بیلاقی کجور و نور عمل می‌نموده است. که عین این مطلب در تاریخ بیهقی چنین نقل شده است. (۲)...

و اما امیر رضی الله عنه، پیوسته اینجا به نشاط و شراب مشغول می‌بوده و روز آدینه دو روز مانده از جمادی الاولی تا به الهم رفت. کرانه دریای آبسکون، و آنجا خیمه‌ها و شرعها زدند و شراب خوردند و ماهی گرفتند و کشتیهای روس دیدند. ... و این الهم شهرکی خرد است،...

بعدها نام المده (علمده) جایگزین نام الهم گردید و این نام بعدها چیز دیگری را به ذهن متبادر می‌کرد (ده درد) نظر به اینکه این منطقه جزئی از خاک پهناور رویان فراموش شده و زمانی مرکز قشلاقی آن بوده است^(۳) بنا به تقاضای مردم نام تاریخی رویان پس از طی مراحل مختلف با تصویب هیئت دولت در اردیبهشت ۱۳۷۵ بر آن نهاده شده است.

جغرافیای تاریخی رویان بیانگر کهنسالی آن است. رویان در زامیادیشت راوی دیتا Raoidhita یعنی کوهی که رنگ آن به سرخی می‌زند و در بندھشن روئیشن مند Royishnmand به معنی دامنه‌های کوه گرفته شده است که در آن گیاهان فراوان

۱. مشکور محمد جواد. جغرافیای ایران باستان نشر دنیای کتاب ۱۳۷۱ صفحه ۳۳۰
 سطر ۱۲... از آمل روی به شمال به بندر تاریخی «الهم» که در رویان قرار داشته و امروز آن را اهل‌مده (المده، علمده) بندر گویند. مسعودی گوید که بین آن و آمل یک ساعت است. اصطخری بین آن و آمل را چهار ساعت نوشته که درست‌تر است.

۲. تاریخ بیهقی. مجلد ۸ صفحه ۴۲۶ پاراگراف ۱

۳. از آستارانا آستارآباد، دکتر منوچهر ستوده، جلد ۳ صفحه ۲۳۹

می‌روید.^(۱) رویان را در نوشته‌های پیشینیان به صورت‌های گوناگون می‌یابیم. رویان در حدود العالم در گویش فصیح (رودان) و (روذان) است. تغییر حرف یا به جای دال و ذال در گویش تبری امری رایج است. به سبب کثرت رود که در ناحیه جاری است منطقه به رویان نام گرفت.^(۲) در کتاب جغرافیای ایران شهر اثر موسی خورنی «روان» و در دیگر کتاب‌های اسلامی رویانج و زویون و روبنج دیده شده و در نامه تنسر که از اسناد معتبر تاریخ است «رویان» آورده شده، با این مقدمه می‌توان گفت که: رویان سرزمینی است پر از رودها و روئیدنی‌ها و در دوران ما اغلب نواحی آن از جنگل و بیشه پوشیده می‌باشد.

منطقه رویان در زمان‌های گذشته بسیار پهناورتر از حدود کنونی رویان فعلی بوده است. چنانچه اگر تبرستان قدیم را با کشیدن خطی در امتداد طول جغرافیایی از لب دریا تا حدود ری در حوالی رود هراز به دو بخش تقسیم کنیم. بخش غربی، خاک پهناور رویان است.^(۳)

بنیاد رویان و اینکه در چه دوره‌ای و بوسیله چه کسان بود افسانه‌ای تاریخی که عمدتاً سخت کوشی و مقاومت و دلیری و از خودگذشتگی نیاکان ایرانی را در برمی‌گیرد و ابن اسفندیار از افسانه‌های ایرانی و اولیاء‌آملی از ابن اسفندیار و ظهیرالدین مرعشی نیز از پیشینیان خود به توالی چنین نقل کرده‌اند.^(۴) در افسانه‌های ایرانی آمده است پس از آنکه منوچهر به ترغیب جدش فریدون به

۱. اوستا Raodita پهلوی royinmand - بند هنش فرنیغ دادگی - گزارنده مهرداد بهار

۲. نامه‌های باستانی مازندران به کوشش دکتر سیدحسن حجازی کناری، و فرهنگ نامها و نام‌آوران مازندران غربی علی اصغریوسف نیا

۳. دکتر منوچهر ستوده مقدمه تاریخ رویان اولیاء‌الله آملی

۴. خواننده این یادداشت به کتاب شاهنامه کتاب صفر مصطفی جیحونی چاپ شاهنامه پژوهی اصفهان ۱۳۷۹ صفحه ۲۵۹ ذیل آرش توجه نمایند.

خونخواهی ایرج به پاخاست و سلم و تور راکشت، افراسیاب بالشکرگران به ایران حمله ور شد. سپاه منوچهر به منطقه رویان فرود آمد و خندق عظیم حفر کرد و آن جاپناه گرفت. ۱۲ سال بین آنها مقابله بود. چون افراسیاب از یافتن منوچهر عاجز شد. بین آنها صلح افتاد مشروط به انداختن تیری جهت مشخص کردن مرز بین ایران و توران که آرش کمانگیر از کوههای رویان جهت این صلح تیری را پرتاب کرد.^(۱) تیر بر تناور درخت گردویی در سرزمینی میان فرغانه و تبرستان که در جهان مانند نداشت فرود آمد. پیمانی میان افراسیاب و منوچهر بسته شد و مردم این روز راجشن گرفتند و طی این مدت منوچهر به بنیاد رویان همت گماشت. و این روز در میان کوه نشینان رویان و همه مردم تبرستان (مازندران فعلی) به تیرماه ۱۳ (تیرجشن) معروف و خانواده‌های قدیمی در غروب روز ۱۲ تیرماه به گورستان‌ها و زیارتگاه‌ها رفته و شب آن به بازی‌هایی مانند لالک‌کا و لال زن شیش و دستمال زنک کامی پردازند که البته به غیر از بعضی از نقاط تبرستان در بقیه جاها منسوخ گردیده است.^(۲)

۱. اوستاپژوهش جلیل دوستخواه انتشارات مروارید ۱۳۷۵ دفتر سوم یسننها (تیریش) کرده چهارم تشر، ستاره رایومند فره‌مند رامی ستاییم که شتابان به سوی دریای «فراخ‌کرت» بتازد، چون آن تیر دره‌وایران که «آرش» تیرانداز - بهترین تیرانداز ایرانی - ازکوه «آیروخشوت» (کوه رویان) بسوی کوه «خوانوت» (فرغانه) بینداخت. تندیس آرش کمانگیر در یکی از شهرهای استان لرستان موجود که چندبار به شهرداری رویان پیشنهاد دادم با توجه به افسانه آرش کمانگیر که در تمامی متون مربوط به رویان است تندیس او را در مدخل ورودی شهر قرار دهید!
 ۲. تیرماه تبری برابر با آخرین روز از مهرماه شمسی هجری می‌باشد. سیزدهمین روز از تیرماه تبری تیر روز نام دارد. (رجوع به کتاب گاهشماری باستانی اثر نصرالله هومند).
- بیرونی در آثار الباقیه صفحه ۲۲۰ درباره جشن تیرگان که در تیر روز از ماه تیر برگزار می‌شود چنین می‌نگارد: «پس از آنکه افراسیاب بر منوچهر چیره شد، او را در تبرستان محاصره کرد و قرار بر این نهادند که مرز ایران و توران با پرتاب تیری معین شود. در این هنگام فرشته اسفندار آمد حاضر شد و فرمان داد تا تیر و کمانی چنان که در اوستا بیان شده است برگزینند. آنگاه آرش را که مرد شریف و حکیم و دینداری بود برای انداختن تیر بیاورند. آرش برهنه شد و بدن خویش را بر حاضران بنمود و گفت: ای پادشاه‌وای مردم! به»

نکته جالب اینکه مورخین متقدم به اهمیت منطقه تاریخی رویان بارها اشاره کرده‌اند، از جمله در اوستا دریشتها بنام راوی دیتا شناخته شده است. ابن خردادبه در مسالک الممالک (۲۳۲-۲۷۲ ه.ق)، ابن فقیه همدانی در البلدان (۲۹۰ - ۵ ه.ق)، ابن رسته همدانی در اعلاق النسیسه (۲۹۰ - ۳۰۰ ه.ق)، اصطخری در مسالک الممالک (۳۱۸ - ۳۳۲ ه.ق)، ابن حوقل در صورة الارض (۳۶۷ ه.ق)، حدود العالم من المشرق الى المغرب (۳۷۲ ه.ق)، یاقوت حموی در معجم البلدان (۶۲۳ ه.ق)، دمشقی در نخبه الدهر (۶۵۴ - ۷۲۷ ه.ق)، عبدالمؤمن در مراصد الاطلاع (۷۰۰ ه.ق)، ابن اسفندیار در تاریخ تبرستان (۶۱۳ ه.ق)، اولیاء آملی در تاریخ رویان (۷۶۴ ه.ق) و نهایتاً میر ظهیرالدین مرعشی در تاریخ تبرستان رویان و مازندران به سال (۸۸۱ ه.ق) بارها از شهر تاریخی و منطقه فراگیر رویان و اهمیت منطقه صحبت به میان آورده‌اند که مورخین و پژوهشگران متأخر دریافته‌اند که کوره رویان خاکی است شامل کوه و دشت و دریا در مغرب خاک تبرستان و از قرن هفتم هجری به دلیل حمله مغول‌ها این لغت زیبای کهنسال کم کم رو به فراموشی نهاده و واژه رستمدر به این ناحیه قدیمی اطلاق گردیده. بنابراین رویان و رستمدر نام یک سرزمین و یک بخش جغرافیایی است. دومی به دنبال اولی به ناحیه‌ای با حدود سابق اطلاق شده است. رستمدر لغت تحریف شده استندار نام حاکمان رویان می‌باشد. تا سال (۸۵۷ ه.ق) منطقه به نام رستمدر بوده که پس از مرگ ملک

→ تنم بنگرید. مرا زخم و بیماری نیست! اما یقین دارم که پس از انداختن تیر، پاره پاره شوم و فدای شما گردم. پس از آن، دست به چله‌ی کمان برد و به نیروی خداداد تیر از شست رها کرد و خود جان داد. خداوند به باد فرمان داد تا تیر را نگهداری کند. آن تیر از کوه رویان به دورترین نقطه خاور، به فرغانه رسید و به ریشه درخت گردکانی که درجهان بزرگتر از آن درختی نبود، نشست. آن جا را مرز ایران و توران شناختند. گویند از آنجا که تیر پرتاب شد تا آنجا که تیر فرونشست ۶۰ هزار فرسنگ فاصله است جشن تیرگان به مناسبت آشتی میان ایران و توران برپای می‌شود.»

کیومرث بن ملک بیستون^(۱) رستم‌دار به دو قسمت نور به حکمرانی ملک کاووس و کجور به حکمرانی ملک اسکندر تقسیم گردید.^(۲)

در سفرنامه‌های مختلف از جمله سفرنامه فریزر (۱۸۲۲ م) رابینو (۱۳۳۶ ه.ش) ملکونف روسی، مکنزی (۱۸۵۸ م) روزنامه سفر مازندران اثر ناصرالدین شاه (۱۲۹۲ ه.ق) ایت (۱۲۵۹ ه.ش) می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویان فعلی نقش یک بندر را برای منطقه ایفا می‌کرد و به عنوان مرکز قشلاقی حکومت پادوسبانان بوده است. به علت وضع جغرافیایی، قراردادستن رویان در پهن جبال البرز و وجود جنگل‌های انبوه تا زمان ساسانیان حکومتی مستقل در رویان وجود نداشت تا اینکه اولین حکومت در رویان در زمان قباد ساسانی به نام سوخرانیان یا قارنیان که در سال (۲۲۴ ه.ق) در تبرستان حکومت آنها به پایان رسید. پس از آن پادوسبانان از (۲۲ تا ۱۰۰۶ ه.ق) در رویان حکومت کردند. پیروز ساسانی را سه پسر بود. قباد، بلاش و جاماسب. پس از مرگ پیروز، بلاش به کمک جاماسب به حکومت رسید و قباد ناراضی به کمک هپتالیان (خاقان) حکومت را از آن خود کرد. تا اینکه بلاش مرد و جاماسب به ارمنستان فرار کرد. در آنجا قدرتی بهم زد. جاماسب را دو پسر بود.

نرسی و بهواط. نرسی را فیروز و فیروز را گیلانشاه پسر آمد. منجمان اتفاق کردند بر رویان و تبرستان فرمانروا خواهد شد. این دعوی در دماغ او جای گرفت. به آیین آوارگان بار و بنه برداشت و با چند گاو گیلی به رویان و تبرستان آمد. در جنگ‌ها آذرولاش حاکم تبرستان را کمک کرد. بعدها وقتی آذرولاش متوجه نسب او شد

۱. ملک کیومرث از حکمرانان پادوسبانان احداث کننده بقعه باستانی جمشید کیا سلطان شهر رویان (ملاحظه به سنگ نبشه بقعه در صفحات بعد)
 ۲. رجوع به کتاب پادوسبانان رویان - نوشته چراغعلی اعظمی سنگسری

حکومت رویان را در اختیار او گذاشت. زیرا که دریافته بود وی از نوادگان جاماسب ساسانی است. او را دو پسر بود. دابویه و پادوسبان. دابویه که سلوکی ناهموار داشت حاکم گیلان شد. و پادوسبان که مردی خوش خلق و خوی بود حاکم رویان گردید. فرزندان وی بنام پادوسبانان تحت عناوین اسپهبدان (اصفهبدان) استانداران و ملکان در رویان فرمانروایی داشتند (۲۲ تا ۰۶ ه.ق) (۱) در زمان حکومت پادوسبانان در رویان در سال (۲۵۰ ه.ق) قیام علویان در رویان اتفاق افتاد و در زمان حکومت ملک کیومرث بن ملک بیستون سی و ششمین پادوسبان تشیع در رویان به عنوان مذهب رسمی اعلام شد و این حاکم دستور داد در منطقه هر کجا که نشان مزار بزرگان دین باشد. عمارت مرغوب بر آن بسازند از جمله این عمارت، بقعه امام زاده جمشید کیاسلطان بن عون بن امام موسی کاظم (ع) در محوطه قبرستان و مسجد جامع شهر رویان است که بر فراز تپه‌ای به طرز باشکوهی ساخته شد که قدمت تاریخی شهر را بازگو می‌کند. سنگ کتیبه موجود در ضلع شمال شرقی همین بقعه که از آسیب زمان و طمع انسان‌های بداندیش زمان مصون مانده. عبارت ذیل با خط شکسته عربی بر آن نقش بسته است:

(امر بعمار هذالمزار السلطان ملک کیومرث بن ملک بیستون فی محرم سنه احدی خمسين ثمانمئه)

عمارت این مزار به امر ملک کیومرث پسر ملک بیستون در ماه محرم سال (۸۵۱ ه.ق) ساخته شد. دکتر منوچهر ستوده در کتاب با ارزش خود بنام از آستارا تا آستارا آباد جلد ۳ شهر رویان فعلی را مرکز قشلاق کجور می‌داند و اشاره خاصی به بقعه امام زاده جمشید کیا سلطان و سنگ نبشته آن بدین شرح نموده است: (۲)

۱. رجوع به کتاب‌های تاریخی ابن اسفندیار و چراغعلی اعظمی سنگسری شود.
 ۲. منوچهر ستوده از آستارا تا آستارا آباد جلد ۳ ص ۲۳۹ درمات بررسی بناها و آثار تاریخی منطقه رویان

بنای اصلی بقعه هشت ترک و بام آن کلاه درویشی است. درازای هر ضلع آن از داخل ۱۸۰ سانتی متر و در جدار هر ضلع طاق نمایی به بلندی ۱۹۰ سانتی متر و پهنای یک متر تمام است. بالای طاق نماها رف مانندی است و بالای رف‌ها پیش آمدگی‌های مثلثی شکل است که طاق عرقچینی داخل بر آنها متکی است. در ورودی بقعه شرقی و بلندی آن ۱۵۰ و پهنای آن ۹۰ سانتی متر است. در طاقنمای ضلع جنوبی دو نورگیر در بالا و دیگری در پائین است. صندوقی ساده و بدون کنده کاری از چوب آزاد در وسط بنای اصلی، مرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۰۰ و پهنایش ۱۰۵ و بلندی آن ۱۲۰ سانتی متر است. کفش کن بقعه شامل یک اطاق باطاق ضربی است. ابعاد آن در حدود چهار متر است. در بدنه‌های جنوبی و شمالی این کفش کن دو طاقچه است. طاقچه شمالی که طاق آن افقی است به ابعاد ۷۵ سانتی متر است. طاقچه جنوبی که طاق آن هلالی است در دو طرف درازای کفش کن دو تخت زده‌اند که پهنای هر یک ۹۵ سانتی متر است. مصالح بنا آجر و ملاط گل آهک و روکشهای متعدد از گچ و فرش (ماسه نرم) و آهک در این بنا دیده می‌شود. اطراف بقعه درختان آزاد و چنار است. (هم اکنون میراث فرهنگی مازندران جهت حفظ این اثر باستانی در حال مرمت بنا می‌باشد)

موقعیت جغرافیایی:

رویان در ساحل دریای مازندران در غرب این استان (و در شهرستان نور) قرار گرفته است. تا سال ۱۳۷۰ جزء حوزه استحفاظی شهرستان نوشهر بوده است. این شهر با شهر نور (مرکز شهرستان) از سمت خاور حدود ۵ کیلومتر فاصله دارد. از

سمت باختر حدود ۴۵ کیلومتری رویان شهر نوشهر (مرکز شهرستان نوشهر) قرار دارد رویان با تهران از طریق شهر آمل و جاده هراز حدوداً ۲۳۰ کیلومتر و با شهر ساری مرکز استان حدوداً ۱۱۹ کیلومتر فاصله دارد. رویان از نظر موقعیت ریاضی در ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است. دارای ۸۰۰۰ نفر جمعیت ثابت که در تابستان‌ها به ۱/۵ برابر می‌رسد. حدوداً ناحیه رویان ۱۶۱۹ کیلومتر مربع وسعت دارد. (۱)

شهر رویان که در بخش جلگه‌ای قرار دارد می‌توان آن را به دو ناحیه نوار ساحلی و ناحیه رسوبی سیلابی تقسیم کرد رویان دارای آب و هوایی مرطوب و معتدل می‌باشد. برخورداری این منطقه از وزش بادهای منطقه‌ای بویژه از جهات شمال و شمال باختری در چگونگی آب و هوا ناحیه تأثیر بسزایی دارد.

رطوبت نسبی منطقه بندرت از ۷۰ درصد پایین‌تر می‌رود. منطقه از بارش خوبی در جلگه برخوردار است و به همین دلیل از آب و هوایی نسبتاً غنی برخوردار است. رودخانه‌های جاری در شهر رویان بترتیب رودخانه گلندرود (کچرود) که از دامنه کوه سیاه سنگ به ارتفاع ۳۴۳۵ متر در ۳۷ کیلومتری جنوب شهر رویان سرچشمه می‌گیرد و در جهت شمال جریان دارد. طول رودخانه ۵۴ کیلومتر و شاخه‌ای از این رود از مرکز شهر رویان به دریای مازندران می‌ریزد که به آفاکیله معروف است (این رود چون از کنار امام زاده می‌گذرد به این نام معروف است).

رودخانه بعدی سبزه رود که در منطقه خاورشهر رویان قرار دارد. در حقیقت پس مانده‌های آب مزارع و در زمانی که منطقه از بارش تند برخوردار است تمامی آب‌ها را در خود جامیدهد و این رودخانه باعث آن شده که در زمان طوفان و سیل، شهر

۱. پارسایی جابر. امکان‌سنجی حوزه نفوذ، جهت تجدید سازمان تقسیمات کشوری مورد: شهر رویان

دچار حادثه‌ای نگردد.

رودخانه بعدی بره که در سرحد نور و رویان قرار دارد که آب‌های اضافی آب بندان‌های نور و رویان از طریق مصب این رودخانه به دریا می‌ریزد. از این رود در بسیاری از سفرنامه‌ها به عنوان مرز نور و کجور (ناتل رستاق و کجور رستاق) یاد شده است.

منطقه کوهپایه‌ای رویان از جنگل‌های انبوه پوشیده شده است. پوشش گیاهی جنگل‌ها شامل ممرز، افرا، تسکا و ملج می‌باشد.

از نظر اقتصادی بیشتر مردم شهر به کار کشاورزی خصوصاً برنجکاری مشغول هستند و عده کمی هم به طور فصلی به صید ماهیگیری مشغول و اخیراً بازارچه معروفی بنام بازار روسی که از طرف شهرداری احداث شده پوشاک و وسایل و لوازم خانگی در آن بفروش می‌رسد. جمعیت کثیری را جهت خرید خصوصاً در ایام تعطیل پذیرا است ضمن ایجاد اشتغال تأثیر بسزایی در اقتصاد شهر دارد.

بازار ماهی فروشان رویان هم در کنار بازار روسی به فروش ماهیان دریای خزر خصوصاً ماهی سفید و کفال می‌پردازد.

اولین مرکز آموزشی رویان دبستان مولوی که همزمان با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ در این شهر تأسیس شده است.^(۱) و شهرداری شهر هم به سال ۱۳۳۲ تأسیس گردیده است.

شهر رویان همان طور که بیان گردید تنها راه ارتباطی ساحلی منطقه به مناطق بیلاقی نور و کجور می‌باشد. و این خود اثر مهمی در اقتصاد شهر ایفای کند. در شهر رویان پارک‌های مختلف در جای جای شهر چهره شهر را دگرگون کرده از جمله

۱. متأسفانه مسئولین آموزش و پرورش هیچ توجهی به سال تأسیس دبستان مولوی نمی‌کنند و هر سال از یک مکانی به مکان دیگر دبستان راجابجا می‌کنند.

پارک کوثر، پارک شهدا، پارک آزادگان، پارک ورزش و اخیراً پارک جنگلی رویان که در فاصله ۷ کیلومتری جنوب نرسیده به آبشار آب پری به همت شورای اسلامی و شهرداری در حال احداث است جمعیت و توریست‌های زیادی را جهت تفریح و تفرج در ایام تعطیل به سوی خود کشانده.

در شهر رویان چندین آموزشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی فعالیت دارند که حداقل ۴۰ روستای منطقه را از نظر فرهنگی تحت پوشش قرار می‌دهد. اخیراً مؤسسه غیرانتفاعی آموزش عالی مازیار در مقطع کارشناسی در رشته گرافیک و نقاشی در رویان تأسیس شده است. رویان از نظر جغرافیایی از یک موقعیت ممتاز برخوردار است با توجه به شهرک‌های متعدد اگر حوزه نفوذ (حریم شهر) گسترش یابد و در آن بخش‌داری تأسیس گردد شاهد شهری زیبا در آینده خواهیم بود.

تبرستان

www.tabarestan.info

روز شمار تغییر نام رویان

عصر یکی از روزهای آذر ماه سال ۱۳۷۳ ه.ش جهت اقامه نماز مغرب و عشاء به مسجد جامع رویان (المده = علمده) رفته بودم. پس از اقامه نماز، در کنار درب خروجی مسجد از پشت کسی به اسم مرا صدا زد.

- آقای بازیار

با نگاهی به پشت سر، آقای رضا مشایخی مشهور به رضا علی مشایخی یکی از اعضای هیئت امناء مسجد جامع رویان (المده = علمده) را مشاهده کردم. پس از سلام و احوالپرسی و عرض ارادت نسبت به هم، از سیمایش متوجه شدم، انگار حرفی برای گفتن دارد. گفتم آقای مشایخی فرمایشی است؟ در خدمتیم. فرمودند: آری، و بدون مقدمه ادامه دادند: «طوماری که تهیه شده و به امضای شهروندان (المده = علمده) جهت تغییر نام رسیده بود به استانداری بردم و پس از به رویت رساندن طومار بنظر شخص استاندار، موافقت اولیه را از استان گرفته و عین طومار

۱. همان طور که قبلاً بیان شد راوی در روایت واقعه هرگز به دنبال استفاده از مضامین ادبی نبوده به همین خاطر شما روایت را بسیار «خودمانی» می بینید.

پارچه‌ای همراه با یک نامه به فرمانداری نور و مطرح شدن در شورای نامگذاری به من برگشت داده شد تا به فرمانداری نور تحویل دهم. در نامه ارسالی به فرمانداری نور اعضای کمیسیون نامگذاری قید شده بود. از جمله حضور دو دبیر تاریخ و ادبیات، آگاه به پیشینه تاریخی منطقه که من شما را به عنوان یک فرد آگاه و مطلع که قبلاً در این زمینه فعالیتی داشتید معرفی کردم. عنایت بفرمایید یکنفر را که خود می‌شناسید با خود جهت دفاع از این موضوع (تغییر نام المده = علمده به رویان) در جلسه‌ای که بعداً دعوت خواهید شد معرفی کنید. بسیار خوشحال شدم و ضمن تشکر از آقای مشایخی گفتم: حتماً اینکار را خواهم کرد.

(جا دارد در این یادداشت چگونگی به جا انداختن نام رویان و مطالعات مردم و اولین حرکت در این خصوص به اطلاع خوانندگان محترم و نسل آینده برسد .

پس از شهادت یکی از ورزشکاران شهر رویان، شهید داوود غلامی به تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۹ در جنگ ایران و عراق در پایان مراسم هفت این شهید ورزشکار اینجانب با اتفاق آقایان سیف ... محمود زاده، حبیب ... راجی و لطف ... محمودزاده در ضلع غربی امامزاده جمشید کیا سلطان رویان که در قبرستان شهر برفراز تپه‌ای نماد تاریخی شهر رویان را به وضوح مشخص می‌کند و از مسجد چند متری بیشتر فاصله ندارد نشست کوتاهی با هم داشتیم، تا ما پیشکسوتان ورزشی هم جهت ارج نهادن به مقام والای شهید داود غلامی و یاد و خاطره آن ورزشکار قدیمی کاری کرده باشیم. در این نشست خودمانی تصمیم گرفته شد به همین منظور با پیشکسوتان شهر نشستی داشته باشیم تا هم جلوی رکود چند ساله ورزشی گرفته شود و هم یاد و خاطره شهید غلامی گرامی داشته شود. و همچنین اقدامات عاجلی جهت دایر کردن اداره تربیت بدنی، تسطیح زمین فوتبال و در نهایت ایجاد انگیزه در جوانان به عمل آوریم. بلافاصله اسامی پیشکسوتان و

صاحب نظران ورزش نوشته شد و برای هر یک دعوتنامه‌ای فرستاده و آنها را به تاریخ ۱۷/۱۰/۶۵ به منزل آقای حبیب اله راجی در خیابان شهید کریمی دعوت نمودیم. تمامی مدعوین در جلسه آن شب حاضر شدند و در حقیقت نقطه عطف در تغییر نام شهر المده = علمده به شهر رویان بود.

در این جلسه پس از خوش آمدگویی توسط یکی از آقایان، تداعی خاطرات گذشته ورزش شهر و روزهای به یاد ماندنی و اوج شکوفایی فوتبال شهر که در منطقه از اعتباری برخوردار بود بین حاضرین رد و بدل شد. ابتدا تصمیم گرفته شد تا با برگزاری یادواره‌ای در رشته فوتبال، یاد شهید داود غلامی را دوباره زنده کنیم، چون شهید غلامی فوتبالیست بودند. اعلام شد که تیم فوتبالی همانند گذشته‌های نه چندان دور با تدارکات وسیع و پشتیبانی مردم شهر بوجود آید. حاضرین متفق‌القول با عزمی راسخ به پیشنهادات لیبک گفتند. وقتی مسئله نامگذاری تیم فوتبال مطرح گردید هرکسی نامی پیشنهاد کرد. از جمله ساحل، دریا، البرز و... پیشنهاد اینجانب و آقای سیف‌اله محمودزاده رویان بود در این جلسه به طور مختصر خلاصه‌ای از تاریخ رویان را ذکر کردیم که حاضرین لذت بردند. ضمن رأی‌گیری صورت جلسه‌ای به خط و قلم آقای عارف رضایی تنظیم، که با ۱۷ رأی نام باشگاه رویان گذاشته شد. (تصویر شماره ۱)

فردای آن روز بانصب اطلاعیه‌ای به نام حرکت جدید ورزشی در شهر و به عنوان تیم فوتبال رویان، والیبال رویان و... نهایتاً تأسیس «باشگاه ورزشی رویان علمده». (تصویر شماره ۲) این نامگذاری انعکاس وسیعی داشت مردم نسبت به این نام تاریخی سوال می‌کردند و آگاهان به تاریخ و جغرافیای تاریخی منطقه جواب قانع کننده‌ای می‌دادند. تیم فوتبال رویان در منطقه جا افتاد و یادواره شهید غلامی با حضور تیم‌های منطقه و تیم فوتبال رویان «المده = علمده» به نحو شایسته‌ای

برگزار گردید. تیم فوتبال رویان در این یادواره به مقام سوم رسید (تصویر شماره ۳) این یادواره ضمن گرامیداشت یاد شهید غلامی، بر سر زبان افتادن نام رویان بود. به هرحال پس از آن که این نام در ذهن‌ها جا افتاد بسیاری از صاحبان حرف و پیشه نام محل کار و کسب خود را رویان نهادند، و هرکس در پی رضای حس کنجکاو به دنبال خرید کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ظهیرالدین مرعشی که اتفاقاً در کتابفروشی آقای سیروس کمالی چندتایی از آن موجود بود برآمد. تا اطلاعاتی در خصوص کلمه رویان بدست آورد غافل از آنکه در هیچ کتاب تاریخی مربوط به مازندران نیست که ذکری از «رویان» نکرده باشد. بدلیل آنکه اینجانب با اتفاق آقای محمود زاده پیشنهاد این نام را در جلسه پیشکسوتان ورزشی داده بودیم جهت افزایش اطلاعات خود در زمینه رویان به جمع آوری بسیاری از کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها اقدام کردیم تا جواب قانع‌کننده نسبت به این نام (رویان) به مردم بدهیم، در خلال یادداشت سعی خواهم کرد مختصری از تاریخ رویان را هم جهت اطلاع نسل جوان ذکر کنم. نکته بسیار مهم آنکه از سال ۶۵ تا ۶۹ یعنی حدود ۴ سال چنان نام رویان در دل مردم شهر جا خوش کرده بود که مردم از ما خواستند با تهیه طوماری نام شهر از المده = علمده به رویان تغییر یابد. در پاسخ به این درخواست شهروندان متنی در تاریخ ۶۹/۱۱/۲۲ تهیه و خواستار تغییر نام المده = علمده به شهر رویان شدند. متن به انشای بنده و آقای محمود زاده و خط آقای ابراهیم احمدی در مجلس عروسی آقای عبدالغنی حسین زاده نوشته شده است (تصویر شماره ۴) طومار به امضاء اهالی و مهور به مهر چندین هیأت مذهبی و هیأت امناء مسجد جامع شهر گردید. اصل متن بنام وزیر کشور بود و رونوشت به استانداری مازندران، فرمانداری شهرستان نوشهر و شهرداری المده = علمده، که ارسال گردید (لازم به ذکر است شهر رویان تا تنظیم این طومار یعنی سال ۱۳۶۹ جزء حوزه

استحفاظی شهرستان نوشهر بوده که از اسفند همین سال بطور غیر رسمی و بهار ۱۳۷۰ ه.ش بطور رسمی جزء حوزه شهرستان نور گردید. تا این زمان در کلیه متون تاریخی و سفرنامه‌ها المده = علمده (رویان فعلی) مرکز کج‌رستاق و جزء حوزه استحفاظی نوشهر و آخرین سرحدات کجور در شرق آن محسوب می‌شده. در پی ارسال اولین طومار در سال ۷۰ پس از طی مراحل قانونی به دستور استانداری مازندران شورایی در فرمانداری شهرستان نور تشکیل گردید بدون آنکه مطلعی از شهر ما وجود داشته باشد. جلسه تغییر نام شهر المده = علمده به رویان تشکیل شد بنا به گفته حاضرین در جلسه، پس از صحبت و گفتگو، بدون ذکر پیشینه تاریخی و مستندات آن، رأی به تغییر نام المده = علمده به رویان دادند. که متأسفانه پس از تنظیم صورت جلسه و ارسال آن به استانداری و نهایتاً اداره کل تقسیمات کشوری وزارت کشور، بدلیل عدم ارائه مستندات تاریخی تغییر نام انجام نگرفت و مصوبه شورای نامگذاری نور لغو گردید. پس از آنکه این موضوع را شنیدم بسیار ناراحت شدم و حتی به یکی از حاضرین در جلسه اعتراض کردم که ایکاش یکی از مطلعین شهر حضور می‌داشت. بهر حال روزها گذشت و نظر مردم این بود که تا شهر به رویان یا رویان شهر تغییر نام یابد به همین منظور طومار پارچه‌ای به طول ۳ متر تهیه و به امضای مردم شریف و فهیم رویان رسید. این بار جدی و خستگی‌ناپذیر، کار پیگیری شد و «اینک دنباله ملاقات با آقای مشایخی»:

پس از خداحافظی از آقای مشایخی موضوع را جدی گرفته، دو روز بعد شخصاً به فرمانداری نور مراجعه کردم. مسئول پی‌گیری آقای یوسفی کارمند امور اجتماعی فرمانداری نور بود. موضوع را با نامبرده در میان گذاشتم و ایشان عین طومار و نامه استانداری را به من نشان داد و خواستار آن شدم تا نسبت به دعوت مجدد مدعوین اقدام نمایند. از آنجایی که آقای حسین زاده فرماندار وقت شهرستان نور در جریان

احداث سالن ورزشی مساعدت و آشنایی لازم را با ما اعضای شورای ورزشی (آقایان احمد ابراهیمی، سیف... محمود زاده، کامران قائمی، حبیب اله راجی و اینجانب) داشتند و صمیمیتی بین ما و ایشان وجود داشت ۲ روز بعد با اتمام از فرصت در زمان نصب سوله سالن ورزشی شهدای رویان مطلب فوق را جهت تسریع در روند کار خدمتشان عرض نمودم و ایشان خیلی خوشحال شدند تأکید فرمودند پیگیری لازم را بنمایید و من هم در تمامی مراحل شما را کمک خواهم کرد.» روز بعد به فرمانداری رفتم و با تأکید به آقای یوسفی دعوت مجدد مدعوین را خواستار شدم که هر چه زودتر دعوتنامه ها ارسال گردد. به اتفاق آقای یوسفی خدمت آقای فرماندار رسیده و با نگاهی به تقویم رومیزی روز چهارشنبه مورخه ۷/۱۰/۷۳ جهت جلسه نامگذاری در نظر گرفته شد.

مدعوین در جلسه آقای عباسی مدیرکل وقت ارشاد اسلامی مازندران به عنوان نماینده استاندار، آقای احمدی معاونت امور اجتماعی استانداری مازندران و شهرداران و مسئولین شهرهای نور و رویان و به اضافه اینجانب و آقای محمودزاده بودند.

در پی این دعوت به دلیل حساسیت موضوع به جهت آنکه مدعوین در جلسه حضور ذهن داشته باشند با اتفاق آقای احمد ابراهیمی نزد آقای خواجه‌وند که در شهر رویان کاسب بوده رفته تا از طریق ایشان با هم‌ولایتی مان آقای تیمسار رویانیان فرماندهی انتظامی استان مازندران تماس گرفته و خواستار آن شدیم که از آقای عباسی مدیرکل ارشاد بخواهند در جلسه مذکور نسبت به تغییر نام المده = علمده به رویان نظر موافق داشته باشند تیمسار رویانیان نیز قول مساعد دادند. و اتفاقاً عمل هم کردند. دقیقاً یاد می‌آید دوبار موضوع را تلفنی با تیمسار رویانیان در میان گذاشتم بدون اینکه نامبرده را از نزدیک دیده باشم. از فرصت بدست آمده تا

تشکیل جلسه، کتابهای مختلفی در رابطه با رویان جمع آوری کرده، اولین کتاب همانطور که قبلاً یاد آوری کردم تاریخ طبرستان و رویان و مازندران میر ظهیرالدین مرعشی و دیگری کتاب تاریخ رویان نوشته اولیاء الله آملی بود. کتاب دوم را در یکی از کتاب فروشی های قدیمی تهران که در ضلع جنوب غربی میدان انقلاب واقع بود بدست آوردم. کم کم منابع دیگر از جمله تقویم البلدان ابوالفداء، سفرنامه رابینو، تاریخ جهان آراء قاضی احمد غفاری و نیز کتاب گرانسنگ از آستارا تا استارآباد نوشته دکتر منوچهر ستوده جلد ۳ و کتاب گاوبارگان پادوسبانی نوشته چراغعلی اعظمی سنگسری را از افراد و کتابخانه های شهرهای همجوار تهیه کردم. جالب توجه اینکه کتاب گاوبارگان پادوسبانی از حسن تصادف در کتابخانه آقای احمد ابراهیمی موجود بود با مطالعه این کتب و منابع دیگر هر روز بر معلوماتمان افزوده می شد به نحوی که شب و روز به مطالعه متون تاریخی پرداخته تا توانسته باشیم حداقل در جلسه با دلیل و برهان نسبت به این مهم عمل کنیم. یادم می آید در پی این تحقیق و کنجکاوی سنگ نبشته ای که در ضلع شمال شرقی امام زاده شهرمان به خط عربی شکسته حک شده بود و مدتها در حسرت خواندن آن بودم توانسته از کتاب از آستارا تا استارآباد دکتر ستوده، جلد ۳ بسیار روان آن را خوانده و به عنوان یک نماد تاریخی در شهر و قدمت آن توانستیم از وجود این بنا و سنگ نبشته در تغییر نام کمک بگیریم که متعاقباً توضیح خواهیم داد.

در نشستهای مختلفی که داشتیم متوجه این موضوع شدیم که (المده = علمده) در گذشته جزیی از خاک پهناور رویان قدیم بوده است. به نحوی که به استناد نوشته دکتر منوچهر ستوده المده (رویان فعلی) «مرکز قشلاقی کجور» (رویان) بوده است.^(۱) با توجه به تهیه منابع و آماده بودن ما، در روز شنبه ۳/۱۰/۷۳ دعوتنامه ای

بدستمان رسیده که جلسه نام گذاری در روز چهارشنبه ۷/۱۰/۷۳ خواهد بود که قبلاً آقای فرماندار زمانش را مشخص کرده بودیم (تصویر شماره ۵).

روز بعد به اتفاق برادرم مهر علی بازیار مسئول وقت امور مالی دادگستری نور خدمت آقای رضائی رئیس پست نور رسیده و با گذری به تاریخ رویان از ایشان خواستم تا در جلسه تغییر نام موافقت خود را اعلام و حمایت نمایند. لازم به یادآوری است روز اولی که من به آقای یوسفی مراجعه کردم ایشان فرمودند دونفر دبیر حاضر در جلسه را ما خود مشخص می‌کنیم که من بسی ناراحت شدم و گفتم که شما می‌خواهید حکایت دفعه قبل را تکرار کنید، هر چند که دفعه قبل همه موافق تغییر نام شهر (المده = علمده) به شهر رویان بودند ولی به دلیل عدم ارائه مطالب مستند و ادله کافی موضوع تغییر نام در مراحل پایانی (اداره کل تقسیمات کشوری) منتفی شده بود. با سماجت و اصرار بنده، اینجانب و آقای محمودزاده دعوت شدیم. در پی جمع‌آوری اطلاعات از بقعه امامزاده جمشید کیاسلطان و کتیبه موجود عکسبرداری کردم که زحمت این کار را آقای حسن کاویانپور عکاس قدیمی شهر کشیدند. حتی یادم می‌آید بدلیل عجله عکس فوری از کتیبه برداشتند. (تصویر شماره ۶) متأسفانه سنگ‌نبشته از آفت زمان به سلامت بیرون نرفته و گوشه آن توسط سارقان میراث فرهنگی خدشه دیده. در پی آن بودم که اگر شهروندی عکس قدیمی تر از سنگ نبشته دارد در اختیارم قرار دهد، اتفاقاً همکارم آقای ارسطو محمودزاده که دبیر عربی بودند عکسی به یادگار از سنگ نبشته دست نخورده داشتند که در اختیارم گذاشتند (تصویر شماره ۷).

مستندات تا حد امکان آماده بود یک روز قبل از جلسه مجدداً بدون آشنایی قبلی با تیمسار رویانیان از مغازه آقای احمد ابراهیمی با نامبرده تماس گرفتم که اتفاقاً آقای سهراب درویش هم حضور داشتند. ضمن تشریح مطلب فوق از ایشان

خواستم که آقای عباسی مدیر کل ارشاد را مجدداً یادآوری نمایند. ایشان هم قول مساعد دادند که حتماً پی‌گیری خواهم کرد، و حتی اعلام کردند که ایشان را حضوراً دیدم خیلی خوشحال شدم. این خبر انگیزه را جهت جمع‌آوری مستندات تاریخی در ما تجدید کرد. تا اینکه از آقای حاج رضارضایی شهروند در خصوص امام زاده و شجره‌نامه آن و از آقای ربیع بابایی شهروند در خصوص اطلاعات قبلی در این مورد سئوالاتی داشتم، متوجه شدم پدر خانم حاج عباس سالاریان بنام آقای محمد جعفر رضایی اطلاعات موثقی دارند. در منزل ایشان حضور یافتیم با اینکه سنی از ایشان گذشته بود اطلاعاتی به ما دادند که مورد استفاده قرار گرفت و بعدها نیز کتابی بنام روح و ریحان به من هدیه دادند که در باب امام زادگان منطقه خصوصاً امام زاده عبدالعظیم حسنی و نوادگان او بود. ترتیب نشست با آقای رضایی را نوه دختریش آقای سیامک سالاریان داده بود. (تصویر شماره ۸ روی جلد کتاب روح و ریحان) به هر حال منتظر روز موعود بودیم. با کوله باری از یادداشت‌های تاریخی و اسناد در رابطه با رویان و منطقه، تا اینکه غروب روز یکشنبه مورخه ۷۳/۱۰/۴ یکی از کارکنان فرمانداری نور بنام آقای نقی غلامی شهروند رویانی به من اطلاع دادند جلسه مذکور بدلیل آنکه آقای عباسی مدیر کل ارشاد نتوانسته حضور یابند به وقت دیگری موکول گردیده است. در این گیر و دار سری به شهرداری شهر زدیم. آقای رجب‌نژاد شهردار وقت مطالب خاصی در خصوص تاریخچه شهر در اختیارم قرار داده است. ناگفته نماند مطالب ارائه شده را در دفتر فنی استانداری تهیه کرده بود. بیشتر مطالب از کتاب دکتر ستوده از آستارا تا آستارآباد بوده. (تصویر شماره ۹) موضوع تغییر جلسه را به دوست همراهم خبر دادم از این که فرصت بیشتری به وجود می‌آمد خوشحال شدیم تا نسبت به جمع‌آوری اطلاعات فعالیت بیشتری بکنیم.

دوباره شروع به جمع آوری اطلاعات تاریخی و تهیه کتب تاریخی و جغرافیایی نمودیم. عصر همین روزها برای بار سوم از مغازه آقای ابراهیمی مجدداً باتیمسار رویانیان که در ساری حضور داشتند تماس تلفنی داشتم و ایشان را در جریان تأخیر جلسه قراردادام. تیمسار هم از عدم برگزاری جلسه مطلع بودند و قول دادند مجدداً از آقای عباسی مدیرکل ارشاد می خواهم تانسیست به تغییر نام نظر موافق داشته باشند.

موضوع تغییر نام در بین مردم شهر در نشست و برخاست های شبانه و میهمانی ها و هیأت های مذهبی مطرح و همه مردم نسبت به این امر بسیار خوشحال بودند و آرزو داشتند که نام شهر یک روز به رویان تغییر کند تا چهره شهر با ۴۰ سال سابقه شهرداری (سابقه در زمان تغییر نام محاسبه گردید. تأسیس شهرداری رویان ۱۳۳۲ می باشد) و قدمت ۷۰۰ ساله تاریخی همانند دیگر شهرها متحول گردد. بیشتر به خداتوکل داشتیم. در زمان بررسی و استخراج مطالب از کتاب های تاریخی و جغرافیایی اشاره ای به سفرنامه رابینو شده بود. که این موضوع سبب شد تا به کتابخانه ارشاد اسلامی چالوس مراجعه کرده و سفرنامه رابینو را دریافت کنم. پس از دریافت کتاب مطالب کافی و موثقی درباره شهر ما تا ۱۵۰ سال جلوتر، منطقه کجریستاق، کجور، نور و مازندران و رویان نصیب شد غافل از آن که یک نسخه از کتاب نزد آقای محمود زاده هم هست که از نظر ایشان دور مانده است. درگیر و دار جمع آوری اطلاعات از یکی از دبیران تاریخ دبیرستان های نور بنام آقای قوام الدین بینایی که اهل ایزده (ایزد شهر فعلی) بودند تقاضا کردم کتاب مذکور را برای مدتی به من به رسم امانت داده تا استفاده نمایم. ظهر روز شنبه ۷۳/۱۰/۳ جلوی دبیرستان شهید بهشتی شهر نور کتاب را به من تحویل دادند و حتی بیاد دارم از من پرسیدند که برای چه کاری می خواهید؟ گفتم: جهت تحقیق موضوعی

تاریخی و خلاصه اینکه از هرکس درخصوص داشتن کتب تاریخی و جغرافیایی منطقه سؤال می‌کردم کتاب تاریخ تبرستان ابن اسفندیار را توسط آقای عبدالله صادقی دبیر تاریخ اهل شهر نور از خواهر زاده‌اش بنام علیرضا اسدیان که او هم دبیر تاریخ در دبیرستان‌های چمستان بودند دریافت داشتم. اطلاعات جامعی درخصوص رویان قدیم، نوع حکومت و... به ما داد و بعداً متوجه شدم که اولین کتاب تاریخی درخصوص رویان و تبرستان می‌باشد که توسط ابن اسفندیار آملی بسال (۱۳۰۶ ه.ق) بنگارش در آمد که از روی این کتاب، بعدها اولیاء... آملی تاریخ رویان رادرسال (۱۳۶۴ ه.ق) بنگارش در آورده و از روی تاریخ رویان اولیاء... آملی، ظهیر الدین مرعشی کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران را به سال (۱۳۹۲ ه.ق) نوشته است. کتاب تاریخ مازندران اثر عباس شایان انتشارات علمی تهران را از آقای علی محسنی معاون دبیرستان شهید بهشتی نور دریافت کرده‌ام که اطلاعات جامع درخصوص تاریخ مازندران و رویان می‌داد. کتاب بسیار غنی و ارزشمندی را که آقای احمد ابراهیمی در اختیارم گذاشته بود بنام «گاو بارگان پادوسبانی» آخرین بازماندگان ساسانی در رویان اثر چراغعلی اعظمی سنگسری که حکومت پادوسبانان از (۲۲ تا ۱۶۰۰ ه.ق) را در منطقه ذکر می‌کرد. استفاده شایانی از این کتاب در تغییر نام برده شد.

کماکان مردم فهیم شهر سوالاتی از تغییر نام میکردند و ما هم ضمن روحیه گرفتن با روحیه شاداب پاسخ می‌دادیم و به جمع‌آوری اطلاعات تلاش می‌کردیم. در پی تلاش تا حضور پر بار در شورای نامگذاری غروب روز شنبه مورخه ۱۰/۱۰/۷۳ که از محل کار به منزل آدمم دعوتنامه‌ای مبنی بر شرکت مجدد در جلسه نامگذاری به دستم رسید (تصویر شماره ۱۰) (قبلاً بیان کرده بودم جلسه اول لغو شد). در پایان دعوتنامه که رونوشت ذکر شده بود غیر از ما دو نفر دبیر، رونوشتی را به آقای بینایی

دبیر تاریخ اهل ایزد شهر که فوق لیسانس تاریخ بودند به چشم خورد (قبلاً از نامبرده یاد کردم که کتاب سفرنامه رابینو را از ایشان گرفتم).

پس از رویت دعوتنامه اندکی تأمل کردم که به چه طریقی با آقای بینایی ارتباط برقرار کنم. در اندیشه بودم که یکدفعه در ذهنم آقای محمد قلی درویش خطور کرد، چون نامبرده مدیر دبیرستانی بود که آقای بینایی در آن تدریس می کرد. فوراً بدون درنگ با آقای درویش ارتباط تلفنی برقرار کردم و جریان مافوق را برایش تعریف کردم و از ایشان خواستم بطریقی که خود صلاح می داند با آقای بینایی ارتباط برقرار کنیم ایشان که مدیری کار بلد بودند با کمال میل تقبل این موضوع کرده «که من خودم با وی تماس خواهم گرفت که چگونه و کجا با هم نشستی داشته باشید.» اتفاقاً همان شب با آقای بینایی تماس گرفتند.

در تماس تلفنی ایشان گفتند: «در پی تقاضای مردم شهر المده = علمده (رویان فعلی) جهت تغییر نام دو تن از دبیران در جلسه حضور دارند اگر امکان دارد عصر فردا با هم ملاقاتی داشته باشیم تا نحوه دفاع را در جلسه، تبادل نظر کنید. آقای بینایی که انسان متواضع و متینی بودند قبول کردند. ولی از دریافت دعوتنامه اظهار بی اطلاعی می کردند. پس از هماهنگی با آقای بینایی که از طریق آقای محمد قلی درویش انجام پذیرفت فوراً دوست همراه را در جریان گذاشتم و ساعت ۵ بعد از ظهر با آقای نقی غلامی که اهل رویان و مسئول روابط عمومی فرمانداری نور بود تماس گرفتم و از او خواستم تا دعوتنامه ای مجدد برای آقای بینایی صادر و حتماً دعوتنامه قبلی توسط پست به دست نامبرده نرسیده. آقای غلامی زحمت دعوتنامه مجدد را کشیدند. رونوشتی هم در رابطه با تغییر نام ضمیمه دعوتنامه بود که تأکید داشته در خصوص تغییر نام بدقت عمل بنمایید. که بعداً دچار مشکل در سطح وزارت کشور نگردید. با در دست داشتن دعوتنامه، با همه درگیری و مشغله

زندگی فردا رأس ساعت ۵ غروب باتفاق آقایان سهراب درویش و سیف اله محمود زاده و محمد قلی درویش با وسیله نقلیه در جلوی آموزش و پرورش منتظر آقای بینایی شدیم. ساعت ۵/۱۵ دقیقه با سوار کردن نامبرده به طرف محل سکونت آقای بینایی (ایزدشهر) حرکت کردیم و به تبادل نظر پرداختیم. در خصوص رویان از او سوالاتی کرده ضمن بیان مطالب دقیق بدلیل مطالعه موردی در خصوص تاریخ منطقه که شهر المده = علمده (رویان فعلی) در گذشته بخشی از خاک پهناور رویان قدیم بوده و با بیان اطلاعات کامل و مستند اخذ شده از کتاب‌ها، ایشان با اینکه قبلاً در خصوص پادوسبانان در روزنامه کیهان یا اطلاعات مقاله‌ای به نگارش درآورده اما بعضی از مطالب را از قلم انداخته بودند. وقتی مسائل را بیان می‌نمودیم ایشان با وقاری که داشته قانع می‌شدند صحبت‌ها ادامه داشت که به ایزدشهر محل سکونت آقای بینایی رسیدیم. قرار گذاشتیم غروب روز بعد با همه اطلاعات و کتاب‌هایی که در دسترس داریم در منزل نامبرده نشستی با هم داشته باشیم. بهر حال با جمع و جور کردن مستندات و کتاب‌های در دست مطالعه طبق قرار قبلی فردا به منزل نامبرده رفتیم پس از شور و مشورت و ارائه مستندات تاریخی و کتاب‌های موجود اول آنکه المده = علمده (رویان فعلی) با توجه به اسناد تاریخی خصوصاً از کتاب تاریخ رویان تألیف اولیاء... آملی به تصحیح دکتر منوچهر ستوده مرکز کجریستاق و کجریستاق منطقه جلگه‌ای رویان قدیم و پهناور بوده و ملک کیومرث بن ملک بیستون از پادوسبانان منطقه در سال (۸۵۱ هـ.ق) دستور احداث بقعه امام زاده جمشید کیا سلطان را در شهر المده = علمده (رویان فعلی) داده است و ملک کیومرث در منطقه رویان و رستم‌دار حدود ۵۰ سال حکومت کرده بود و المده = علمده (رویان فعلی) با توجه به اینکه محل تلاقی جاده کوهستانی رویان (کجور فعلی) به دریا و منطقه جلگه‌ای است مرکز قشلاقی کجور «رویان» بوده است (این

مطلب را دکتر منوچهر ستوده در کتاب گرانسنگ خود از آستارا تا آستار آباد جلد ۳ صریحاً اشاره کرده بود که بعداً متوجه شدیم) با توجه به این موضوع در شهر دفینه‌های زیادی بدست آمده که مردم دهان به دهان نقل می‌کنند که ناشی از زیستن مردم در گذشته‌های دور بوده است و قدمت امام زاده که حدود ۶۰۰ سال فقط از احداث بنای تاریخی آن می‌گذرد گویای این امر است. برای آقای بینایی بیان داشته و همچنین رویان دیار فراموش شده در تاریخ است. دو استناد تاریخی مهم پرداختیم؛ این دو تحول مذهبی و تاریخی بار دیگر باید در ذهن‌ها زنده گردد: اول آنکه قیام علویان زیدی مذهب در سال (۲۵۰ هـ) از رویان به پاخواست به این مفهوم که محمد ابن اوس بلخی که یکی از کارگزاران طاهریان در منطقه بود هر سال ۳ بار از مردم مالیات می‌گرفت. مردم رویان و دیلمان از این موضوع سخت ناراحت و در رنج بودند نزد شخصی بزرگوار بنام سید محمد کیا دبیر صالحانی که در صالحان کجور از توابع رویان قدیم بود رفتند (ناگفته نماند این سید بزرگوار بدلیل ظلم و جور عباسیان به منطقه رویان پناه آورده بود) و از او طلب کمک خواستند و او فرمود: «مرا اهلیت این کارنیست دامادی در ری دارم که خواهرم زن اوست. چند تن به سرداری عبدالله بن، و ندا امید که از پادوسبانان منطقه بود و حکومت رویان را در اختیار داشت به ری رفتند و نامه سید محمد کیا دبیر صالحانی را به حسن بن زید علوی دادند. او هم منتظر چنین فرصتی بود در روز پنجشنبه رمضان سال (۲۵۰ هـ) به گواه تاریخ به کجور آمد و در روز عید فطر خطبه علویانه‌ای خواند و محمد بن اوس بلخی را شکست داده و در آمل اقامت گزید. حسن بن زید در تاریخ به داعی کبیر مشهور است بنابراین بنیاد این قیام در رویان بود...»

دومین قیام مذهبی از این قرار بود که یکصد و اندی سال قبل از آنکه صفویان تشیع را به عنوان مذهب رسمی در ایران اعلام کنند سازنده مقبره (بقعه) جمشید

کیا سلطان شهر رویان شخص ملک کیومرث بن ملک بیستون که سی و ششمین پادوسبان بود تشیع را به عنوان مذهب رسمی در رویان اعلام کرد. (۸۰۸ ه.ق) شرحش بدین شکل بود که وقتی امیر تیمور گورکانی برای بار دوم به منطقه غرب ایران لشکرکشی کرد حاکم وقت رویان ملک کیومرث بنا به اتفاقاتی به شیراز تبعید گردید (خواننده گرامی این یادداشت می تواند شرح کامل ماقوع را در کتاب های تاریخ تبرستان ابن اسفندیار، تاریخ رویان اولیاء اله آملی، تاریخ طبرستان و مازندران و رویان ظهیر الدین مرعشی و گاوبارگان پادوسبانی چراغعلی اعظمی سنگسری و... مطالعه نمایند) در زندان شیراز نذر کرد اگر بار دیگر به حکومت رویان برسد تشیع را به عنوان مذهب رسمی اعلام خواهد کرد. اتفاقاً نذرش به اجابت رسید و در سال (۸۰۸ ه.ق) از زندان شیراز فرار کرد. پس از آنکه به رویان آمد و در قلعه پولاد یا قلعه نور واقع در شهر بلده امروزی جای گرفت نگهبان قلعه و زنش را که خواهر ملک کیومرث بود کشت و تشیع را به عنوان مذهب رسمی اعلام کرد این یکی از افتخارات مردم این منطقه است.

مطلب مهمتر اینکه به گفته اولیاء الله آملی نویسنده کتاب تاریخ رویان (شهر رویان یا منطقه رویان زمانی پناهگاه مردم و محل امنی بوده جهت رفع نزاعها و حل و فصل مشکلات مردم) صفحه ۱۱۹ کتاب فوق الاشاره چنین آمده است.

چه رویان همیشه مقام حصین بوده است و اصحاب وقایع را که خوف حاصل می شد از هر جانبی روی بدیشان می نهادند چه ایشان اصحاب تمکین بودند و به اعتماد و امانت موصوف و بیگانگان دست تَعَلَّب بر ایشان نتوانستند دراز کردن. از این جهت پناهگاه مردم بوده اند.

... و آستانه ایشان ملجاء اکابر و مامن اصاغر بود و با اجانب غدر و ناجوانمردی نکردند هم اصاغر از صلابت ایشان محظوظ بودند و هم اکابر به مدد ایشان از کید

اعداء محفوظ...] در میان مردم قدیم و مسن شهر رویان فعلی چنین سخن به میان می‌آمد که المده = علمده (رویان فعلی) محل برآوردن درد مردم و محل خون بست بوده است. اگر کسی گرفتاری داشته درد خود را در شهر المده = علمده (رویان فعلی) اعلام یا اگر در جایی ظلمی یا قتلی صورت می‌گرفت المده = علمده (رویان فعلی) پناهگاه آن انسان بود و یا اگر کسی از دیگری یا جایی زور و ستمی می‌دید به شهر المده = علمده (رویان فعلی) پناه می‌آورد و این بود که شهر المده = علمده (رویان فعلی) تا ۳۰ سال پیش با الف و لام کتابت می‌شد. این موضوع بی ارتباط با رویان پناهگاه مردم و سادات نیست ولی در زمان این یادداشت المده با عین به شکل «علمده» نوشته می‌شود که با گذشت زمان چیز دیگری را به ذهن متبادر می‌کرد اتفاقاً در این ارتباط بنده با آقای صدراله محمودی که چند سالی به عنوان شهردار و سرپرست شهرداری المده = علمده (رویان فعلی) بودند در جلوی مسجد جامع شهر غروب روزی با ایشان ملاقات و مذاکره کرده و از ایشان خواستم در این مورد برایم توضیح کامل دهم که از چه زمانی المده با ع کتابت شده (در این زمان یعنی سال ۷۳ نامبرده به افتخار بازنشستگی نایل شدند) و چنین بیان داشت که المده تا سال ۱۳۴۵ یا کمتر و بیشتر در کلیه مکاتبات اداری با الف و لام کتابت می‌شد تا اینکه وقتی وزارت کشور متوجه شد المده با الف و لام به ده درد معنی می‌دهد. لذا دستور داد که آن را به ع (علمده) تبدیل کنیم (تصویر شماره ۱۱ نمونه سربرگ شهرداری المده همراه با آرم مخصوص جهت مزید اطلاع خوانندگان گرامی آورده می‌شود) پس از ۲ ساعت شور و مشورت و تبادل افکار با آقای بینایی که آقای سهراب درویش نیز حضور داشتند تصمیم گرفتیم که کتاب‌ها را نزد آقای بینایی به رسم امانت بگذاریم و ایشان مطلبی را جمع‌آوری تا در روز جلسه نامگذاری به ترتیب در این خصوص صحبت بنمایند. و قرار شد صبح روز چهارشنبه مورخ

۱۴/۷/۷۳ دو ساعت قبل از آغاز جلسه، به منزل آقای بینایی برویم و برای آخرین بار مطالب گرد آوری شده را مرور بکنیم. اتفاقاً چنین شد صبح روز موعود به اتفاق آقای سهراب درویش در منزل آقای بینایی حضور پیدا کرده، (ناگفته نماند آقای محمود زاده به دلیل کار تدریس نتوانستند حضور پیدا کنند) در نگارش و جمع آوری مطالب متوجه موضوعاتی شدیم که باید حذف گردد و خلاصه با مشورت و همفکری بعضی قسمت‌ها حذف و اندکی به نوشته افزوده گردید. ضمن برطرف کردن ابهامات پس از ۲ ساعت نشست راهی نور شدیم. در فرصت کوتاهی که تا ساعت ۱۰ صبح داشتیم آقای بینایی به کتابخانه عمومی نور رفت و من هم به اتفاق آقای درویش به کتابفروشی آقای اسدپور در خیابان شهید ناطق نوری شهر نور رفتیم. کتاب بسیار ذی‌قیمتی بدست آوردم که نوشته آقای دکتر محمد جواد مشکور تحت عنوان «جغرافیای تاریخی ایران باستان» بود در این کتاب در ذکر شاهراه‌های تبرستان از المده = علمده (رویان فعلی) به عنوان یک بندر قدیمی نام برده شده بود (صفحه ۳۲۹ و ۳۳۰) که چنین بیان داشته جغرافیدانان قدیم از جمله اصطخری در کتاب مسالک الممالک در قرن ۳ یادی از این بندر بنام چشمه الهم کرده و چنین آورده شد [... از آمل روی به شمال بندر تاریخی «الهم» که در رویان قرار داشته و امروز آن را اهل‌مده (المده = علمده) بندر گویند. مسعودی گوید که بین آن و آمل یک ساعت است. اصطخری بین آن و آمل را چهار ساعت نوشته که درست‌تر است.]^(۱)*

(نکته جالب توجه اینکه در طومار ارسالی از سوی مردم شهر تغییر نام (المده = علمده) به اشتباه رویانشهر نوشته شده بود با توجه به تاریخ پر بار و نام پر معنای

۱. محمد جواد مشکور، جغرافیای تاریخی ایران باستان - دنیای کتاب ۱۳۷۱ (ص ۳۲۹ و ۳۳۰)
 *خواننده گرامی این یادداشت می‌تواند در کتابخانه عمومی رویان به این اثر دست یابد)

رویان اینجانب با همفکری آقای سهراب درویش کلمه رویان را جایگزین رویانشهر کردیم. اگر کلمه رویانشهر جایگزین المده = علمده می شد در حقیقت تاریخی زنده نمی گردید و یک کلمه ساختگی از آب در می آمد. امروز کلمه فراموش شده رویان زنده گردید که پر نغز و تاریخی است) ●

پس از فراغت از کتابفروشی آقای اسد پور ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۷۳/۱۰/۱۴ در جلسه حضور پیدا کرده دلهره و استرس عجیبی داشتیم از خدا می خواستیم که با دست پر از جلسه خارج گردیم. چون نگاه یک شهر به ما بود تا شاید با تغییر نام همانند سایر شهرها تحولی بنیادی در آن ایجاد گردد. مدعوین حاضر شدند از جمله ۱- آقای احمدی معاونت اداره کل امور اجتماعی استانداری مازندران ۲- آقای رضائی رئیس وقت اداره پست نور ۳- حجة الاسلام والمسلمین اسلامی سرپرست وقت سازمان تبلیغات ۴- آقای حسینی نماینده وقت اداره ارشاد اسلامی نور ۵- نماینده محترم بنیاد شهید ۶- آقای عبدالکریم فیاضی بخشدار وقت مرکزی نور ۷- مرحوم ناصحی شهردار وقت نور که زمانی شهردار شهر رویان بود ۸- آقای حسین رجب نژاد شهردار وقت و فعلی رویان ۹- قوام الدین بینایی فوق لیسانس تاریخ استاد دانشگاه و دبیر آموزش و پرورش ۱۰- آقای سیف اله محمودزاده دبیر آموزش و پرورش به عنوان دبیر جغرافیا معرفی شد ۱۱- اینجانب دبیر ادبیات ۱۲- آقای یوسفی مسئول امور اجتماعی فرمانداری نور. باز متأسفانه آقای عباسی مدیرکل وقت ارشاد اسلامی مازندران به عنوان نماینده استاندار حضور بهم نرسانده و به آقای احمدی تفویض اختیار کرده بودند (ناگفته نماند آقای محمودزاده بدلیل شرکت در جلسه هماهنگی گروههای آموزشی ۴۵ دقیقه پس از شروع جلسه آمدند. قبل از شروع جلسه ذهن مدعوین را در خصوص رویان و منطقه روشن و آماده کردم به عنوان نمونه بخشدار وقت مرکزی نور جناب

آقای عبدالکریم فیاضی که از همکاران فرهنگی مامور در بخش‌داری بودند به دلیل آشنایی و صمیمیت به شوخی به من گفت: آقای حمزه علی خان، جناب بازیار! اینقدر رویان رویان می‌کنی؟! رویان به منطقه کجور و آن بالا بالا اطلاق می‌شده. من هم فوراً با مطالعاتی که داشتم حاضر به جواب در مقابل به ایشان گفتم: نام قبلی شهر نور چه بوده؟ گفتند: سولده. گفتم: کلمه نور را از کجا آورده‌اند و برای این شهر و شهرستان انتخاب کردند؟ آیا نور پیشینه تاریخی دارد یا خودسر نام نور را بدان گذاشتند؟ اندکی تأمل به خرج داد و من فوراً بیان داشتم وقتی این شهر تبدیل به شهرستان شد جهت آنکه نام قبلی یعنی سولده با پسوند ده خوشایند این شهر نبود لذا دست اندرکاران و مطلعین وقت این شهر را از سولده به نور تغییر نام دادند که نور نام یک رودخانه‌ای در شهر بلده است که از منطقه یالرود و سراسب و بطاهر کلا سرچشمه می‌گیرد و به هراز می‌پیوندد (از بس که این رودخانه زلال است به رود نور معروف است) و یا نور قلعه‌ای است که در ابتدای مدخل ورودی شهر بلده بنام قلعه نور یا قلعه پولاد معروف است بهر حال این نام از آن بالا بالاها گرفته شد و هرکس این نام را جایگزین نام سولده کرد کار بسیار عالی و قابل تحسین انجام داد. از حرف‌های من بسیار خوشش آمده و با چهره همیشه خندان گفت: بسیار عالی المده = علمده انشاءالله به رویان که یک نام تاریخی است تغییر نام یابد. به هر صورت جلسه با تلاوت آیاتی از کلام خدا شروع و در پی آن ابتدا آقای حسین زاده فرماندار وقت نور که بیش از این گفته بودم به دلیل صمیمیتی که بین ما وجود داشت مشتاقانه ما را حمایت می‌کرد ضمن خوشامدگویی به حاضرین و بیان موضوع جلسه و دستور کار سخنانی را ایراد فرمودند. در پی آن آقای احمدی معاونت امور اجتماعی استانداری آغاز سخن کرده و با درخواست از فرماندار جهت معرفی افراد حاضر در جلسه به سخنانش در مورد تغییر نام شهری به اسم دیگر براساس مصوبه

وزارت کشور که بدون دلیل و بدون استناد این عمل انجام نشود سخن گفتند و با خواندن بخشنامه وزارت کشور به سخنان خود پایان دادند. آقای حسین زاده فرماندار وقت ضمن معرفی افراد حاضر در جلسه از من خواستند با استنادات تاریخی از این قضیه دفاع کنم و حتی طومار پارچه‌ای شهروندان رویانی به همراه تعدادی عکس که صاحبان حرف نام خود را رویان گذاشتند نمای خاصی به جلسه می‌داد با توجه به هماهنگی قبلی با آقای بینایی بدلیل اینکه حاضرین در جلسه نگویند شما اهل همان شهری هستید که باید تغییر نام یابد و دفاع شما قابل قبول نیست من از آقای بینایی خواستم از این قضیه دفاع جامع و کامل بنمایند و با شروع صحبت آقای بینایی، آقای محمودزاده هم رسیدند. جناب بینایی صحبت خود را با تفکیک رویان قدیم و رویان جدید شروع کردند ابتدا رویان را در اساطیر شرح دادند. رویان قدیم را از کتاب‌های ابن اسفندیار، اولیاءالله‌آملی، ظهیرالدین مرعشی و... و چگونگی گرایش مردم به مذهب تشیع، قیام علویان و پناهگاه مردم و... و حتی معنای لغوی رویان که به معنی رویش گیاه و سرسبزی است و بی‌ارتباط با منطقه ما نیست و تمامی مواردی که قبلاً ذکرش رفته بود و هماهنگ شده بود بیان فرمودند. هرکجا که مطلبی جا می‌افتاد ما فوراً پوشش میدادیم. آن‌گاه رویان را در سفرنامه‌ها و این که از قرن هفتم به رستم‌دار تغییر اسم داد و از سال ۸۵۷ ه. ق پس از مرگ ملک کیومرث پادوسبانی به نور و کجور تقسیم گردید بیاناتی ایراد کرد. آقای احمدی گفتند: رویان با توجه به تاریخ و مستندات تاریخی و با معنی بسیار زیبا که بی‌ارتباط با منطقه نیست قبول ولی علت تغییر نام المده = علمده چیست؟ المده = علمده چه عیبی دارد که باید این تغییر صورت پذیرد؟ من شروع به صحبت کردم و گفتم: المده = علمده (رویان فعلی) با ۴۲ سال سابقه شهرداری و حداقل ۷۰۰ سال سابقه تاریخی زنده که مقبره باستانی جمشید کیا سلطان با سنگ

نیشته زیبایش دلیل بر این مدعاست. شهری که با همه سوابقش پسوند ده را به یدک می‌کشد درخور توجه نیست و اگر با توجه به شهر بودنش المده = علمده را به الم شهر تغییر دهیم با توجه به اینکه تا سال‌های نه چندان دور علمده با الف و لام نگارش می‌شد معنی نام‌انوسی تلقی می‌شود و امروز چیز دیگری به ذهن متبادر می‌گردد. ضمناً المده = علمده بین شهر و ده مانده (تصویر شماره ۱۲ روزنامه کیهان) و ما همانند دیگر شهرهای استان مازندران که تغییر نام یافتند بطور نمونه سولده به نور، حبیب آباد = ده نوبه نوشهر، سخت سر به رامسر، بار فروش به بابل، مشهد سر به بابلسر، علی آباد = شاهی به قائم شهر، اشرف به بهشهر و... خواهان تغییر نام شهرمان هستیم از رویان بهتر و زیباتر که به معنی سرسبزی و رویش گیاه است و بی‌ارتباط با منطقه ما نیست و روزی المده = علمده مرکز قشلاقی رویان قدیم و پهناور بوده است که یکی از حاکمان رویان بنام ملک کیومرث بن ملک بیستون در اینجا به احداث بنایی تاریخی همت گماشته که به همان شکل باقی است چه اشکالی دارد شهر ما هم تغییر نام یابد تا شاید با این تغییر نام تحول بنیادی در آن به وجود آید. ضمن اینکه لغت زیبای رویان از قرن هفتم به باد فراموشی رفت.

آقای احمدی از علاقمندی مردم شهر سوال کردند که فوراً به اتفاق آقای محمودزاده طومار ۵ متری که حاکی از حمایت مردم از این تغییر نام بود روی میز باز کردیم. علاقه به این نام باعث شد که صاحبان حرف مختلف نام محل کار خود را رویان بنامند. مانند سوپر رویان، مبل رویان و... (تصویر شماره ۱۳، عکس از حرف مختلف).

آقای احمدی دیگر حرفی برای گفتن نداشت و از حاضرین سوال کردند نظر آقایان شرط است که همگی بر تغییر نام المده = علمده به رویان مهر تأیید زدند.

جلسه با تأیید و تصویب و ذکر صلوات به پایان رسید. و اشاره شد پس از تکمیل صورت جلسه جهت امضاء ابتدا نزد آقای احمدی و آقای عباسی برده شود و سپس به رویت استاندار مازندران رسانده شود. من اعلام کردم در صورت امکان ما خود نامه استانداری و عین صورتجلسه را به تهران، وزارت کشور خواهیم برد. فرماندار از ما درخواست کرد صورتجلسه هر چه زودتر تنظیم گردد. (از اینکه صورتجلسه باید در وقت دیگر تنظیم می‌گردید به دلیل آنکه میبایست در آن مستندات تاریخی و... گنجانده شود پس نیاز به آن بود که در نشست با حوصله نوشته شود) یک هفته از این موضوع گذشت، صورتجلسه هنوز تنظیم نشده بود. آنهم به دلیل مشغله کاری دوستان که فرماندار برایم تلفن زد و علت تعلل را پرسید. بیان داشتم صورتجلسه آماده است. فردا جهت تایپ خدمتان خواهم آورد. با تماس تلفنی متعدد که با آقای بینایی داشتم قرار شد موارد اضافی را حذف کنند و صورتجلسه را تنظیم که به دلیل مشکل شغلی انجام ندادند. ترتیب شامی را در منزل خود دادم آقای بینایی به اتفاق دوستان همراه را دعوت کردم تا هر چه سریعتر صورتجلسه را تنظیم بنمایم اتفاقاً در آن جلسه آقای فتح الله محمودزاده کارمند شهرداری رویان فعلی هم حضور داشتند دقیقاً به خاطر دارم تا نیمه شب صورتجلسه تنظیم و قرار شد جهت تایپ به فرمانداری ببرم. روز بعد به فرمانداری رفته با نشان دادن صورتجلسه به شخص فرماندار پس از پاراف دستور تایپ را داد. جهت تایپ بنده نزد خانم اسدی که از شهروندان رویانی بود رفته ایشان فرمودند: اینجا باشد تا ظهر آماده خواهم کرد. من رفتم و حدود ساعت ۱۱ صبح به فرمانداری مراجعه کردم بعضی از جاها اشتباه تایپ شده بود تصحیح کردم. صورتجلسه چون نامنظم تایپ شده بود. و در صفحه ۵ آن اسامی مدعوین و حاضرین نوشته شده بود از خانم اسدی خواستم که طوری تایپ شود که اسامی

حاضر در جلسه در پایان صفحه چهارم و پس از متن قرار گیرد. البته این خواهش را در بعد از ظهر همان روز در منزل ایشان واقع در خیابان شهید احمدی کوی شهید بهشتی از نامبرده کرده و ایشان با کمال میل تقبل آن را کردند. روز بعد من به فرمانداری رفتم و پس از پاراف مجدد صورتجلسه را به امضاء فرماندار و دیگر مسئولین حاضر در جلسه رسانده، پس از نشان دادن به آقای یوسفی بیان داشتند با توجه به بخشنامه اخیر در جلسه مذکور نباید شهردار، بخشدار، رئیس بنیاد شهید حضور داشته باشند. اگر نام ایشان قید گردد شاید با توجه به بخشنامه صادره اداره کل تقسیمات کشوری ایراد بگیرد. مجدداً برای تایپ مزاحم خانم اسدی شدم با دنیایی شرمندگی، ولی ایشان ضمیمه‌ای برای سومین بار برگ چهارم را تایپ و اسامی قید شده بالا را حذف و مجدداً صورتجلسه را به امضاء فرماندار، رئیس سازمان تبلیغات، رئیس ارشاد اسلامی نور و ما سه نفر که در جلسه نامگذاری بودیم رساندم. (تصویر ۱۴) با نوشتن یک نامه و عین صورتجلسه، طومار پارچه‌ای عکس امام زاده شهر و دو برگ سر برگ شهرداری (المده) قدیم قرار شد جهت اخذ امضاء نزد آقایان احمدی و عباسی به استان برده شود. آقای سیف‌الله محمود زاده بدلیل کاری که داشتند اعلام نمودند که نمی‌توانم بیابم. (عین صورتجلسه، سر برگ شهرداری با آرم مخصوص و عکس امام زاده ضمیمه یادداشت (تصویر شماره ۱۵) شهروندان فهیم شهر رویان مشتاقانه این موضوع را تعقیب می‌کردند هر موقع ما را می‌دیدند از ما سوال می‌کردند که موضوع تغییر نام به کجا انجامید. ما هم موفقیت‌ها را برایشان توضیح می‌دادیم. تا مردم از چگونگی تغییر نام اطلاعاتی داشته باشند. جوانانی که این یادداشت را می‌خوانند از آنان تمنا دارم ضمن آنکه نسبت به شهر و منطقه خود تعصب داشته باشند. اگر در آینده در رشته تاریخ و جغرافیا و باستان‌شناسی و رشته‌های مرتبط در مدارج علمی بالا ادامه تحصیل

می دهند سعی کنند پایان نامه هایشان را در خصوص مسائل شناخته و ناشناخته رویان انتخاب کنند همانطور که آقای جابر پارسایی پایان نامه خود در مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیا انسانی، امکان سنجی تعیین حوزه نفوذ جهت تجدید سازمان تقسیمات کشوری شهر رویان انتخاب کردند که بسیار مورد استفاده قرار گرفت به هر صورت ممکن، همه چیز اعم از صورتجلسه، طومار، عکسها و... جهت امضاء به مرکز استان آماده و من تنها! «اما بدلیل آنکه اتحاد شورای ورزشی جهت تکمیل سالن سر پوشیده شهر هر روز مستحکم تر می گردید چون در رویان مردم باید خود تلاش بکنند تا به بعضی از خدمات دست یابند. سالن سر پوشیده ورزشی مدیون تلاش همه شهروندان از خرد و کلان و اعضای شورای ورزشی که قبلاً اسامی آنها را ذکر کردم است. از آقایان احمد ابراهیمی و کامران قائمی دو تن از اعضای شورای ورزشی و هیأت امناء بازار وقت خواهش کردم با من به استان بیایند تا صورتجلسه را پس از امضاء آقای احمدی و عباسی به رویت استاندار وقت سازنداران آقای گرانمایه برسانیم. عزیزان قبول کردند فردای پس از تنظیم صورتجلسه راهی ساری شدیم. حدود ساعت هفت صبح مقابل استانداری حضور پیدا کرده و به سراغ آقای احمدی رفتیم. ایشان را در طبقه سوم استانداری در محل کارش یافتیم. پس از سلام احوال پرسی ضمن معرفی همراهان ابتدا نامه فرمانداری به اداره کل امور اجتماعی و انتخابات را تحویل ایشان دادیم و بعد صورتجلسه به امضاء نامبرده رسید و ایشان فرمودند صورتجلسه باید به امضاء آقای عباسی مدیر کل ارشاد وقت مازندران برسد. صلاح دیدند که این کار را ما انجام دهیم. بلافاصله به اتفاق همراهان به اداره کل ارشاد اسلامی مازندران واقع در میدان امام شهر ساری آمدیم. پله ها را طی کرده با ورود به دفتر آقای عباسی مدیر دفتر ایشان گفتند آقای مدیر جلسه دارند. پس از اندکی وقفه به مدیر دفتر گفتم به آقای عباسی بفرمایید

عده‌ای از شهر المده = علمده (رویان فعلی) آمدند و از دوستان و همشهریان جناب تیمسار رویانیان اجازه دخول می‌خواهند. اتفاقاً آقای علی عمران کاویانپور مسئول وقت کتابخانه رویان که جهت کار آموزی در ساری بسر می‌برد حضور داشتند. وقتی ما را دیدند بسیار خرسند شدند (لازم به ذکر است از این که جهت عزیمت به ساری و تهران شهروندان را با خود همراه می‌کردم و آن هم از بازاریان و آدمهای سرشناس چند دلیل داشت. اول: تجمع نفرات، خود دلیل بر مهم بودن مسئله نزد مسئولین بود. دوم: آگاهی چند شهروند متعصب نسبت به اتفاقاتی که در پیرامون تغییر نام صورت خواهد گرفت که همراهان موضوع تغییر نام را به گوش دیگر شهروندان خواهند رساند و نیز سوم: مهمتر از همه بهره‌گیری از عقل و خرد جمعی برای کار جمعی بود.) اجازه دخول صادر شد با ورود به اتاق آقای عباسی پس از روبوسی بدون آشنایی قبلی در اتاقشان نشستیم که بسیار گرم از ما پذیرایی کردند. نامبرده قبلاً از همکاران فرهنگی و مدیرکل آموزش و پرورش استان بوده‌اند. اندکی از تاریخ رویان، پیشینه تاریخی شهر و... جهت پیش آگاهی برایشان بیان کردم که بسیار خوششان آمد. از فرصت استفاده کردم و تقاضا نمودم به دلیل اینکه شهر رویان کتابخانه‌ای منحصر به فرد در سطح استان مازندران دارد، جا دارد که بعد از ظهرها کتابخانه باز باشد تا قشر جوان کتاب خوان بتوانند از این مکان به نحو شایسته استفاده نمایند. ایشان هم قول مساعد دادند و لازمه پی‌گیری این کار را به انجمن کتابخانه که خودم نیز عضو انجمن کتابخانه بودم ابلاغ فرمودند. زمانی که آقای عباسی صورتجلسه را امضاء می‌کردند به شوخی گفتند: «آقای تیمسار رویانیان کارش را کردند با حمایت شما اسم خود را روی یک شهر گذاشت»!!! پس از امضاء از آقای عباسی خداحافظی کردیم و مجدداً به استانداری آمدم که آقای احمدی تشریف نداشتند. حدود نیم ساعتی معطل ماندیم تا اینکه آقای احمدی تشریف

آوردند. و اعلام داشتند حال که صورتجلسه را به امضاء کلیه حاضرین رساندید عین صورتجلسه باید به رویت استاندار محترم مازندران برسد. در صورت تماس با وزارت کشور اگر تغییر نام نیاز به تأیید مقامات بالاتر خصوصاً مدیرکل وقت اداره کل تقسیمات کشوری آقای عباس نجفی نبود به فرمانداری نور جریان تغییر نام المده = علمده به رویان ابلاغ می‌گردد. در غیر این صورت باید به اداره کل تقسیمات کشوری وزارت کشور ارسال تا پس از تأیید آنها در کمیسیون سیاسی دفاعی هیأت دولت مطرح و به امضاء رئیس جمهور یا معاون اول وی برسد. این حرف نشان از تجربه کاری ایشان داشت که اتفاقاً همین گونه هم شد. و در پایان گفت به شما از طریق فرمانداری نور خبر میدهم ما تأکید داشتیم که حتماً نامه استانداری را شخصاً به تهران خواهیم برد. ایشان هم قول دادند در صورت ارسال صورتجلسه و نامه استانداری به تهران شما را در جریان خواهم گذاشت. از این پس به مناسبت‌های مختلف در هر مکان و هر زمان سخن از تغییر نام رویان می‌رفت به نحوی که پیش از این گفته بودم که در این راه توکل ما فقط خدا بود.

«اینک گوشه‌ای از این توکل». در دبیرستانی که تدریس می‌کردم با مسئول امور دفتری دبیرستان آقای محمد قاسمی که اهل منطقه ساحلی رستمرد بودند و دوستی دیرینه با هم داشتیم و از آنجاییکه نامبرده آدم بسیار متین و نیک سیرت بودند صحبت‌هایی در زمینه تغییر نام المده = علمده به رویان با وی داشتم و جریان پیگیری را برایش تعریف کردم و او را متوجه کردم که نهایتاً باید نامه به وزارت کشور و اداره کل تقسیمات کشوری ارسال و آنها نسبت به این تغییر نام صحه بگذارند. ایشان فرمودند که «شخصی در شهرک نفت رستمرد ویلا دارد به نام حاج آقا عباس نجفی که مدیرکل تقسیمات کشوری وزارت کشور می‌باشد. و در خصوص شهرستان شدن محمودآباد ایشان مساعدت زیادی کردند» می‌بینید

خداوند مدد کار ما بود و تقدیر چنین با ما بود. از خوشحالی در پوستم نمی گنجیدم اما خودم را کنترل کردم زیرا به مدد پروردگار داشتیم به هدف نزدیک می شدیم او گفت و من که می دانستم برگ برنده را بدست آوردم گفتم: « شما که مدیر شهرک هستید با ایشان ارتباط دارید؟ » گفتند: بلی (ناگفته نماند آقای قاسمی ضمن کار فرهنگی مدیر شهرک نفت رستمروود هم بودند). گفتیم: آیا حرف شما را خواهد گرفت؟ گفتند: حتماً، یادم آمد که آقای احمدی در استانداری گفتند در صورت تماس با آقای نجفی دیگر نیازی به تهران نیست. تداعی آن صحبت در ذهنم باعث شد که از آقای قاسمی تقاضا کنم با حاج آقا عباس نجفی مدیر کل محترم تقسیمات کشور تماس بگیرند تا حاج آقا با تغییر نام شهر المده = علمده به رویان مخالفت نکنند و از همان جا موضوع را تأیید نمایند (خیالی نا پخته بود نمی دانستم این رشته سر دراز دارد چون نامه همراه با صورتجلسه و ملحقات حتماً باید به تهران ارسال می شد).

فرصت را مغتنم شمرده فردای آن روز بنده به اتفاق آقای محمود زاده که ایشان هم با آقای قاسمی دوست و همکار بودند به رستمروود رفته تا آقای قاسمی به دفتر حاج آقا عباس نجفی تلفن زده و ماجرا را درخواست کند. متأسفانه آقای نجفی در ماموریتی به استان گیلان رفته بود. پس از گذشت یک هفته صبح روز شنبه مورخه ۷۳/۱۱/۱ رأس ساعت ۸ دوباره به تنهایی به رستمروود رفتم و از آقای قاسمی خواستم مجدداً با آقای نجفی تماس بگیرند آقای قاسمی زحمت اینکار را کشیدند با تماسی که با وزارت کشور داشتند متوجه حضور حاج آقا در وزارت کشور شدم و مطلب را قبلاً بصورت خلاصه ضمن اینکه برایش تعریف کردم بشکل نوشته ای مختصر در آوردم و ایشان پس از سلام و احوالپرسی موضوع تغییر نام المده = علمده به رویان را با وی در میان گذاشتند و از ایشان تقاضا کردند که من (یعنی آقای

محمد قاسمی) اینکار را از شما می‌خواهم آقای نجفی که از کارشناسان خبره و با تجربه و چندین ساله و مورد اعتماد و وثوق وزارت کشور بودند بعداً که وجود شریفشان را زیارت کرده و به شخصیت اجتماعی ایشان پی بردم قول مساعد دادند که حتماً حمایت خواهند کرد و فرمودند که نامه همراه ملحقات حتماً باید به تهران ارسال گردد تا پس از تأیید در جلسه هیأت دولت مطرح و تأیید و ابلاغ گردد. و نیز فرمودند «که این موضوع (جریان تغییر نام المده = علمده به رویان) قبلاً هم مطرح شد ولی به دلیل فقدان مستندات و ادله کافی، کارشناسان نسبت به این تغییر نام رای مثبت ندادند.» با این تأیید و نوید از جانب آقای نجفی مدیر کل محترم تقسیمات کشوری خیالم خیلی راحت شد و قوت قلبی گرفتم و به انجام این کار امیدوار شدم. یک هفته بعد به من اطلاع دادند که نامه استانداری جهت ارسال به تهران آماده است و گفتند در صورت تمایل شخصاً می‌توانید به تهران ببرید. بنابراین هر چه سریعتر به استانداری بیایید. این خبر را فرماندار نور آقای حسین زاده به من داد نامبرده نیز بسیار خوشحال بود از آنجاییکه همراهان دیگرکار داشتند بنده به اتفاق آقای احمد ابراهیمی به ساری رفته و پس از حضور در دفتر آقای احمدی پس از دریافت نامه که همراه صورتجلسه و طومار و عکسها و ملحقات دیگر و همراه با کتابچه تغییر نام بخش یانه سر بهشهر به ولی عصر بود دریافت داشته (تصویر شماره ۱۶) ضمن تشکر از آقای احمدی با توکل به خدا مقصد را به طرف اداره کل تربیت بدنی استان جهت پیگیری و تسریع روند ساخت سالن سر پوشیده که بعداً سالن شهدای رویان نام گرفت ترک کرده و با دنیایی از خوشحالی، از آنجاییکه ما عضو شورای ورزشی بودیم سالن در دست احداث با مساعدت مردم فهیم شهر و پیگیری اعضای شورای ورزشی در حال احداث بود جهت دریافت بودجه هرگاه که به ساری مرکز استان می‌رفتیم سری هم به اداره کل تربیت

بدنی می‌زدیم تا شاید انشاء الله در ساخت آن تسریع به عمل آید. خلاصه پس از رسیدن به رویان به آقای قاسمی تلفن زدم و گفتم: که نامه را از استانداری دریافت داشتم و با آقای نجفی تماس بگیر تا در صورت حضورشان در وزارت کشور جهت تقدیم نامه همراه ملحقات خدمتشان برسیم. ضمناً از وی خواستم که ایشان هم منتهی به ما بگذارند با ما به تهران تشریف بیاورند تا حساسیت (مهم بودن) موضوع برای آقای نجفی جا بیفتد. آقای قاسمی ضمن پذیرش این درخواست با متانت و بزرگواری که خاص ایشان است بلافاصله تماس گرفتند. آقای نجفی فرمودند روز دوشنبه یا سه شنبه یک روز قبل از ماه مبارک رمضان (سال ۷۳) من منتظر شما هستم. همه مقدمات را جهت عزیمت به تهران فراهم کردم.

این بار به دلیل دوری راه از وسیله شخصی خود استفاده نکرده. و با وسیله نقلیه همکارم آقای تیمور دیوسالار که خود معلم بوده و در آژانس شهاب شهر به عنوان شغل دوم مشغول کار بودند ساعت سه و نیم صبح روز دوشنبه مورخ ۷۳/۱۱/۱۰ به اتفاق آقایان احمد ابراهیمی، کامران قائمی و محمد قاسمی راهی تهران شدیم. پس از سوار کردن آقای محمد قاسمی در رستمرود جمع را به هم معرفی کرده تا صمیمیت‌ها جهت تغییر نام تکمیل تر گردد. چون آقایان احمد ابراهیمی و کامران قائمی جناب محمد قاسمی را که اهل رستمرود بود نمی‌شناختند. ساعت ۶ صبح که مصادف با زمستان ۷۳ بود به پلور رسیدیم. پس از اقامه نماز و صرف صبحانه ساعت ۷/۳۰ مقابل در وزارت کشور در خیابان دکتر فاطمی از اتومبیل پیاده شدیم. با کوله باری از کتب تاریخی (حداقل ده کتاب درجه یک در رابطه با رویان) و بقیه ملحقات جهت ادای توضیح در خصوص تغییر نام المده = علمده به رویان پس از ورود به سالن وزارت کشور و کسب اجازه از نگهبانی به طبقه ۱۳ اطاق مدیریت کل تقسیمات کشوری وزارت کشور رفته. از مدیر دفتر آقای نجفی اجازه ورود به داخل

اطاق را خواستار شدیم و در همین لحظه آقای نجفی از اتاق خود جهت کاری بیرون آمده وقتی آقای قاسمی را در مدخل اتاق خود دیدند به گرمی از ایشان استقبال کردند و آقای قاسمی به معرفی ما پرداختند حاج نجفی جهت ارج نهادن به شخصیت آقای قاسمی از ما نیز به گرمی استقبال کردند و ما را به اتاقشان راهنمایی نمودند. با ورود به اتاق نقشه‌های برجسته بسیار بزرگ به ابعاد ۱۰×۶ متر ضمن آنکه جلوه‌ای خاص به اتاق کار آقای نجفی می‌داد نظر ما را به خود جلب کرد. آقای نجفی ابتدا از هوای شمال و شهرک سؤال فرمودند که آقای قاسمی توضیح دادند و ضمن شرح هوای شمال فرمودند: جناب نجفی! غرض از مزاحمت همانطور که تلفن زدم در خصوص تغییر نام المده = علمده به رویان مزاحم شدیم و فوراً مجدداً به معرفی ما سه نفر پرداختند. بنده با اجازه از ایشان ابتداء بطور شفاهی در خصوص شهر المده (رویان فعلی) با سابقه ۴۰ ساله شهرداری، فرهنگ مردم، لیاقت و شایستگی بخش شدن، بافت شهر، قدمت تاریخی شهر و... صحبت‌هایی را داشتم. حاج آقا فرمودند: آیا مدارکی جهت تغییر نام آورده‌اید؟ بنده گفتم بلی و فوراً از کیفم نامه استانداری را همراه با صورتجلسه، عکس‌ها، اسناد تاریخی و طومار را تقدیم وی نمودم. ضمن مطالعه سئوالاتی نیز بیان داشتند که من با کسب اجازه از آقای قاسمی کنار وی نشسته و در مورد بند بند صورتجلسه توضیحاتی دادم و حتی چند کتاب که در این مورد به همراه داشتم به ایشان نشان دادم. فوراً طومار را به اتفاق همراهان گشودم تا نظر او را جلب کنم. یاد می‌آید که آقای نجفی می‌گفت نمی‌خواهد گشوده گردد ولی به اتفاق همراهان طومار را باز کردیم تا چشمگیرتر باشد. آقای نجفی فرمودند آیا کسانی دیگر مدعی این اسم نیستند؟ بیان داشتم جز شهرما که مرکز قشلاقی^(۱) رویان قدیم بوده و اکنون اهالی آن خواستار تغییر

نام شهر خود هستند، هیچ یک از شهرهای اطراف متقاضی تغییر نام شهر و دیار خود نیستند، فرمودند: المده چه عیبی دارد. که قضیه صورتجلسه نامگذاری را بند بند برایش مطرح کردم که المده یعنی ده درد گفت: پس بگذارید الم شهر گفتم باز می شود شهر درد که خنده اش گرفت و سری تکان داد به منزله تأیید گفته هایم. و حتی به آقای نجفی گفتم یکی دیگر از دلایل تغییر نام احمیای یک نام تاریخی است که از قرن هفتم پس از حمله مغول ها از صفحه تاریخ حذف گردید و جایگزین آن کلمه رستم دار شد. و به دلیل معنای لغوی رویان که به مفهوم رویش گیاه و سرسبزی و خرمی است بی ارتباط با شهرمان نیست. از توضیحات بنده، ایشان لذت کافی بردند که همه توضیحات در این مقال نمی گنجد. همانطور که گفتم در اتاق کار آقای نجفی نقشه های برجسته ای از کشور عزیزمان ایران بود که پس از اتمام صحبت و تأیید ایشان من هم سوالاتی در خصوص شهرهای دیگر کشور از ایشان پرسیدم که با حوصله و متانت جوابم را داد. ضمن پذیرایی از ما با چای و شیرینی و میوه پس از ۲ ساعت من آخرین سوال را از ایشان کردم که نهایت امر چه خواهد شد؟ فرمودند: «پس از تأیید و تصویب از وزارت کشور، جهت طرح به هیأت دولت فرستاده می شود و وقتی ما تأیید کردیم طرح را کمیسیون سیاسی دفاعی هیأت دولت رد نخواهد کرد و پس از تأیید هیأت دولت، به امضاء رئیس جمهور خواهد رسید.» بسیار شاد شدیم با خدا حافظی و شغف قلبی نزد همشهری مان آقای الیاس محمودی به دادرسی ارتش در عباس آباد تهران رفتیم. علت رفتن نزد ایشان، دادن نامه ای بود که از طرف فرمانداری نور تهیه شده بود (تصویر شماره ۱۷) تا از طریق ایشان از آقای مهندس مسعود درویش مدیر عامل شמושک جهت تکمیل سالن سرپوشیده در دست احداث رویان کمک گرفته شود نامه را خدمت ایشان ارائه دادیم و ایشان قول مساعد دادند که حتماً مبلغ قابل توجهی جهت تکمیل سالن

سرپوشیده که توسط شورای ورزشی در حال احداث بود گرفته خواهد شد. و آنگاه جناب محمودی را در جریان تغییر نام المده = علمده به رویان قرار دادیم که بسیار شاد شدند و حتی گفتند که من با آقای تابش معاونت سیاسی اجتماعی وزارت کشور دوست هستم توصیه لازم را خواهم کرد همین کلام ما را بسیار خوشحال کرد که حتی شهروندان ما که در پایتخت و دیگر جاها هستند نسبت به این موضوع (تغییر نام) همدل هستند. با خدا حافظی از آقای محمودی حدود ساعت ۱۲ ظهر جهت صرف نهار به نوعی تشکر از آقای قاسمی به رستوران برج سفید در طبقه ۱۳ رفتیم که رستوران گردان در آخرین طبقه برج قرار داشت. در هنگام صرف نهار رستوران گردان یکبار به دور خود چرخید آقای احمد ابراهیمی به جمع گفتند: «روز مبارکی است هرچه میل دارید به حساب من نوش جان کنید.» پس از صرف غذا جهت دیدار از مسابقه فوتبال بین دو تیم سایپا و استقلال به استادپوم ورزشی آزادی رفتیم و پس از پایان بازی فوتبال حدود ساعت ۶ از تهران به سوی مازندران از طریق جاده هراز حرکت کردیم. روز بسیار زیبا و مبارکی بود که همگی گفتند تا کنون چنین روز زیبایی که الحمد لله همه چیز بر وفق مراد باشد ندیدیم. پس از آمدن به محل سکونت جریان رفتن به تهران و موفقیت اولیه را به عموم شهروندان به خصوص عزیزانی که از نزدیک موضوع را تعقیب می کردند خبر دادیم. موضوع تغییر نام را هر هفته پی گیر بودم به ویژه به آقای قاسمی گفتم که هرگاه آقای نجفی که به گرمی ما را در وزارت کشور پذیرا بود و حمایت ضمنی کرده بود به شمال تشریف آوردند به من اطلاع بده تا جهت تشکر خدمتشان رسیده تا از چگونگی تغییر نام مطلع گردیم. تا اینکه آقای نجفی در جمعه پایان ماه مبارک رمضان سال ۷۳ در شمال حضور یافته به اتفاق دوستان شورای ورزشی که قبلاً نام آنها را ذکر کردم خدمت ایشان رسیده پس از سلام و احوالپرسی از آقای نجفی موضوع تغییر نام را جويا شدیم که ایشان

فرمودند موضوع تغییر نام از تصویب ما (وزارت کشور، اداره کل تقسیمات کشوری) گذشت و جهت طرح و تصویب به کمیسیون سیاسی دفاعی هیأت دولت ارسال شده است. از این خبر بسیار شاد شدیم و باتوکل به خدا منتظر ماندیم که هیأت محترم دولت آن را تصویب و تأیید نماید. تا تاریخ ۲۰/۱۰/۷۴ پس از گذشت ماهها روزی شخصاً به تهران نزد آقای نجفی رفتم. اتفاقاً دوستم جناب آقای دکتر جلال ولی الهی استاد دانشگاه شهید بهشتی و رجایی با من بودند. پس از نشستن در اتاق کارشان چگونگی روند تغییر نام را جويا شدم. ایشان فرمودند: «مراحل مختلف بررسی نسبت به تغییر نام تمام شده منتهی به دلیل حساسیت موضوع و نزدیک بودن انتخابات مجلس که خدای نکرده نکند نماینده یا کاندیدایی در حوزه استحضاطی خود اعلام کند من این مهم را از حرف به عمل در آوردم و این را به اسمش تمام کند جریان تغییر نام و ابلاغ به استانداری بعد از انتخابات اعلام خواهد شد.» جا دارد بیان کنم هرکس به توان خود نسبت به تغییر نام حمایت و جانبداری لازم را انجام داده است.

آقای نجفی برگه کامپیوتری را که در این خصوص بوده به من نشان دادند مطلبی را که از یادم رفته به نظر می‌رسید طبق روال کاری پیش‌تر از این جهت حساسیت موضوع تحقیقاتی از ارگانهای امنیتی و سیاسی به عمل آوردند تا مشکلاتی بعداً پیش نیاید زیرا یکبار که در تاریخ ۲۰/۷/۷۴ به وزارت کشور نزد آقای نجفی رفته بودم ایشان عنوان کردند: «مامنظر یک گزارش از منطقه هستیم.» از آنجائیکه در انتخابات سال ۷۴ مجلس، شهر المده = علمده (رویان فعلی) بایستی در حوزه استحضاطی نور رأی دهد و از حوزه نوشهر خارج گردیده. در نشستی که قبل از انتخابات با آقای احمد ناطق نوری نماینده مجلس در منزل رضاعلی مشایخی داشتیم و ایشان را در جریان ماقع گذاشتیم در همین تاریخ ۲۰/۱۰/۷۴ من به دفتر

ایشان در فدراسیون بوکس واقع در استادیوم شهید بابایی مراجعه کردم و ایشان لطف کردند، تلفنی به وزارت کشور زده و جریان تغییر نام را جویا شدند چون آقای نجفی نبودند با معاون ایشان جناب کرملو صحبت کردند که عین گفتار آقای نجفی را که در بالا قید کردم به آقای ناطق نوری گفتند که به دلیل حساسیت موضوع انتخابات، تغییر نام علمده به رویان تصویب ولی ابلاغ تغییر نام پس از انتخابات از طریق وزارت کشور به استانداری مازندران صورت خواهد پذیرفت.

۷۴/۱۲/۸ پس از گذشت چند ماه مجدداً به تهران و وزارت کشور رفتم که آقای نجفی تشریف نداشتند تا از جریان تغییر نام برای چندمین بار مطلع گردم.

غروب یکی از روزهای زمستان سال ۷۴ به من اطلاع دادند که تغییر نام صورت گرفته و به استانداری ابلاغ شده. من بلافاصله خدمت آقای قاسمی رسیده و ایشان هم با آقای نجفی تماس گرفتند و عنوان داشتند «که تغییر نام صورت گرفته ولی بعد از انتخابات اعلام خواهد شد. که زمان اعلام به استانداری احتمالاً در خرداد یا تیر ۷۵ خواهد بود». که اتفاقاً چنین هم شد.

موضوع را کماکان پی‌گیر بودیم. هرکس که به من می‌رسید درباره تغییر نام سوال می‌کرد و من و دیگر دوستان بیان می‌کردیم به امید خدا همه چیز طبق روال پیش می‌رود و انشاءالله درست خواهد شد. بعضی از شهروندان هم به شوخی سر به سر ما می‌گذاشتند عده‌ای غیر از شهروندان ما هم می‌گفتند به همین خیال باشید!

ولی ما مطمئن بودیم. چون در هر کاری که پشتکار نشان می‌دادیم به مقصود می‌رسیدیم. همیشه خدا با ما یار بود. شرط موفقیت در هر کاری توکل به خدا بعد پشتکار و پیگیری بوده است. حمایت همه جانبه مردم شهر در این خصوص همراه ما بود. کم‌کم رویان به عنوان نام یک شهر در حال جا افتادن بود. در بسیاری از سخنرانی‌ها شهر رویان قید می‌گردید. مردم اطلاعاتشان تکمیل می‌گردید.

تحقیقات ماهم ادامه داشت. هر کتابی را که در زمینه رویان مطالبی نوشته بود سعی می‌کردیم گردآوری کنیم. از جمله تهیه سفرنامه‌ها که کمک شایانی در جهت شناخت جغرافیای تاریخی منطقه به ما کرد. این سفرنامه‌ها شامل «روزنامه سفر مازندران به قلم ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه ملکونوف روسی، سفرنامه رابینو انگلیسی، سفرنامه شمال اثر مکنزی و... و کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی متقدمین از جمله مسالک الممالک اصطخری و مسعودی، اعلاق نفیسه ابن رسته همدانی و صوره الارض ابن حوقل، احسن التقاسیم مقدسی و تقویم البلدان، آثار البلاد و اخبار العباد ذکریا بن محمد بن محمود قزوینی و دهها از این دست کتب که همگی در کتابخانه شخصی اینجانب و آقای سهراب درویش موجود و همیشه مرجع جوانان و دانشجویان است در تکمیل اطلاعات راجع به رویان قدیم و منطقه بسیار منابع بکر و دسته اول بودند.

هرگاه طی مراحل تغییر نام از سال ۷۳ که به تهران می‌رفتم گذرم در کتاب فروشیهای قدیمی در ضلع جنوب غربی و شمال شرقی میدان انقلاب می‌افتاد و ساعتها وقت می‌گذاشتم تا کتابی یا نسخه‌ای در زمینه رویان بدست آورم که در یکی از این گشت و گذارها آقای علیرضا سعیدی شهروند قدیمی که مقیم پایتخت بودند و عجیب هم سیر تغییر نام را تعقیب می‌کردند با من همراه بودند که اتفاقاً پس از تغییر نام آنقدر خوشحال شدند و با افتخار به دوستان تهرانی خود می‌گفتند که بنده اهل شهر رویان هستم و بعضی از مواقع به وزارت ارشاد اسلامی نزد دوست همکلاسی خود آقای سهراب حمیدی که مسئولیت مشاور اجرایی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی معاونت امور فرهنگی وزارتخانه را عهده دار بودند می‌رفتم. تا در صورت امکان کتبی در زمینه تاریخ رویان به دست آوردم، نامبرده در این بخش به مجموعه شهر رویان خدمات شایانی کردند.

کم کم زبان به زبان تغییر نام المده = علمده به رویان در شهر و منطقه پیچید. جهت آنکه در روز تصویب تغییر نام مردم شهر از تاریخچه رویان مطلع باشند. به اتفاق دوستم آقای سهراب درویش تصمیم گرفتیم خبرنگارهای تهیه کرده تا از طریق شهرداری چاپ و در اختیار شهروندان فهیم رویان و مردم منطقه قرارگیرد. هر لحظه بامنابعی که جمع می کردیم مدتها وقت صرف می کردیم و مطالبی جامع جمع آوری کرده ولی به دلیل اینکه هنوز رسماً تعیین نام اعلام نگردیده اندکی دلهره داشتیم یاد می آید هرگاه که آقای درویش به دلیل اشتیاق و عشق به این تغییر نام اصرار به چاپ خبرنگار می کردند می گفتم کمی صبرکن. به تاریخ ۷۵/۴/۸ به اتفاق آقای عزتی که در شهرداری تهران به تدریس مشغول بودند جهت انجام کاری به تهران و شهرداری رفته پس از مراجعت از شهرداری از ایشان خواهش کردم با توجه به اوقات فراغت حاصله سری هم به وزارت کشور زده و در خصوص تغییر نام شهر سوالی بکنیم با اصرار من نامبرده قبول کردند ساعت ۱ بعد از ظهر به وزارت کشور رفته طبق معمول جناب نجفی مدیر کل محترم در مأموریت بودند و تشریف نداشتند (ناگفته نماند در شهر شایع شده بود موضوع باید در مجلس پنجم طرح شود. تلفنی از آقای نجفی سوال کردم گفتند: «همانطور که قبلاً عرض کردم این موضوع (تغییر نام) هیچ ربطی به مجلس ندارد و چنین چیزی در قانون اساسی و قوانین تقسیمات کشوری پیش بینی نشده است...» به مدیر دفتر آقای نجفی گفتم معاون آقای نجفی تشریف ندارند؟ فرمودند اتاق بغلی. به اتفاق آقای عزتی به اتاق مجاور رفتیم پس از کسب اجازه خدمت آقای کرملو معاون محترم اداره کل تقسیمات کشوری رسیدیم. پس از سلام و احوالپرسی ضمن معرفی خود، علت آمدن به وزارت کشور را خدمتشان عرض کردم. جناب کرملو با گشاده رویی ما را پذیرا شدند و مصوبه را که در چند بند بود و بند ۲ مربوط به تغییر نام المده = علمده به رویان

بود و به تأیید کمیسیون سیاسی دفاعی هیأت محترم وزیران رسیده بود به من نشان داد. (تصویر شماره ۱۸) و عنوان داشتند «فقط ۳ تغییر نام در ایران صورت پذیرفته که یکی المده به رویان می باشد».

بسیار خوشحال شدم. بهترین لحظه عمرم بود که ثمره تلاشمان و دوستان دیگر و تقاضای مردم مظلوم رویان به بار نشسته بود. راستش را بخواهید خستگی در آن لحظه دیدن مصوبه از تنم خارج شد چراکه همه تلاش های بنده و دوستانم و همه همشهریانم جواب داده بود. از آقای کرملو بسیار تشکر کردم که مصوبه هیأت وزیران را قبل از ابلاغ به استانداری مازندران در اختیارم گذاشته و اعلام داشتند «پس از تایپ به امضای وزیر کشور خواهد رسید و آنگاه به استانداری مازندران ارسال خواهد شد و از طریق استانداری به فرمانداری نور و آنگاه به شهرداری رویان اعلام خواهد شد» آقای کرملو در پایان از من سوال کردند علت تغییر نام المده به رویان چه بوده؟ چرا خواستار این تغییر نام شدید؟ اگر نمی شود بطور مختصر شمه ای از تاریخ رویان و علت این تغییر نام را برایم توضیح دهید. حال که معلوماتمان هر روز افزون می شد حدود ۴۵ دقیقه کمتر یا بیشتر مختصری از تاریخچه شهر، پیشینه تاریخی رویان، رویان در اساطیر و آثار باستانی و علت تغییر نام را برایشان بیان کردم که بسیار لذت بردند و یادم است کارشناسی که در اتاقشان بودند به حرفهای من با جدیت گوش می داد و از این توضیح بسیار خوششان آمد و با جلو آمدن از من تشکر کرد. جناب کرملو ضمن بیان مطلب از من پرسیدند که آیا مردم شهر از زمانیکه (سال ۷۰) جزء حوزه استحفاظی نور شدند با آن پیشینه تاریخی که قبلاً جزء نوشهر بودند ناراحت هستند؟ سوال سختی بود و جواب اقناع کننده ای می خواست. عنوان کردم دیگر نور و کجور کردن مفهومی ندارد. هرچه که اداره کل تقسیمات کشوری صلاح بداند و به فرهنگ یک منطقه توهین نگردد و

انتزاع از یک شهرستان و الحاق به شهرستان دیگر بر پیکره یک شهر یا بخش لطمه وارد نکند چه اشکالی دارد. امیدواریم که انتزاع المده = علمده (رویان فعلی) که از سال ۷۰ از نوشهر جدا شده و با سابقه ۴۰ ساله شهرداری که دارد بر پیکر شهر لطمه وارد نکند. ولی تاریخ هر قوم برایش مهم است. شهر المده = علمده (رویان فعلی) و نور تا سال (۸۵۷ ه.ق) پایان حکومت ملک کیومرث بن ملک بیستون در منطقه پهناور رویان و رستم‌دار قرار داشتند. پس از مرگ ملک کیومرث رویان به دو منطقه کجور و نور تقسیم گردیده و حوزه حکومتی ملک کیومرث بین دو پسرش تقسیم گردید. ملک اسکندر حاکم کجور و ملک کاووس حاکم نور و لاریجان شده. منطقه دشت به دو منطقه نائل رستاق به مرکزیت سولده (نور فعلی) و کجورستاق به مرکزیت المده (رویان فعلی) از هم جدا گردیده و پل بره یا رودخانه بره (رودخانه نزدیک پلیس راه فعلی نور) مرز نور و کجور در دشت و سرحد المده (رویان فعلی) و نور گردیده که حوزه استحفاظی نور و کجور را مشخص می‌کرد و عجیب اینکه در کلیه سفرنامه‌ها که قبلاً ذکرش رفت این موضوع به وضوح مشهود است. برای نمونه در روزنامه سفر مازندران اثر ناصرالدین شاه چنین آورده می‌شود صفحه ۹۸... از ده حسن آباد و سیاه رود اعلم ده که آخر خاک قشلاقی کجور است گذشته و وارد سوله ده که اول خاک قشلاقی نور است شدیم.... به هر حال اشتراک فرهنگی خاصی بین مردم شهر نور و ما وجود دارد. شما کارشناس هستید وقتی تشخیص دادید شهر المده (رویان فعلی) جزء نور باشد بهتر است پس چه بهتر؟! منتهی با تاریخچه‌ای که من در مورد شهرم گفتم و حتی سابقه بیشتر شهرداری نسبت به شهرداری نور، مردم توقع دارند که در شهر ما چند اداره از جمله از همه مهم‌تر بخشداری با توجه به اینکه حدود ۴۰ آبادی مبادلات اقتصادی و فرهنگی و... را در این شهر می‌گذرانند دایر گردد. چون راه کمر بندی که از ونوش شروع و تا کاسگر محله ادامه دارد

همانطور که گفتم ۳۰ تا ۴۰ روستا جهت رتق وفتق امور مبادلات اقتصادی و فرهنگی و... باید به شهر المده (رویان فعلی) مراجعه کنند اگر شهری با این قدمت و این حوزه جغرافیایی یکدفعه فقط به شعاع ۲ کیلومتر از طرف غرب از شهرستان نوشهر جدا شود و به شهرستان نور ملحق شود آیا کار عاقلانه است؟ بهتر نبود در زمان انتزاع رویان از نوشهر به شعاع ۱۵ کیلومتر از طرف غرب جزء حوزه استحفاظی نور میشد تا مردم رویان به مطالبات دیرینه خود می رسیدند. براساس تعاریف کارشناسی شما آیا بر پیکره آن شهر لطمه وارد نخواهد شد؟ لذا ما در گرفتن بخشداری بعداً دچار مشکل خواهیم شد و چند کلام دیگر... (و اتفاقاً چنین شد تا لحظه تحریر این یادداشت در گرفتن بخشداری علیرغم تلاش همه مردم خصوصاً ستاد پیگیری بخشداری موفق به گرفتن آن نشدیم که صحبت در این مقال و در این یادداشت نمی گنجد.) آقای کرملو پس از آنکه به صحبت های من گوش دادند سری تکان دادند و عنوان داشتند انشاءالله پس از تغییر نام اگر شما ۳۰ هزار نفر جمعیت روستایی با دو دهستان داشتید پس از تقاضا و نامه استانداری به شما بخشداری خواهیم داد. من هم از ایشان تشکر کردم و اعلام داشتم اگر خدا بخواهد پس از تغییر نام حتماً موضوع بخشداری را پی گیری خواهیم کرد. پس از رد و بدل کردن حرفهای دیگر آدرس منزل را به ایشان دادم و تأکید کردم در مراسم جشن تغییر نام حتماً حضور پیدا کنند از ایشان خداحافظی کردم و قبل از خداحافظی آدرس آقای احمد ابراهیمی را هم به ایشان دادم و گفتم اگر به شمال آمدید و من نبودم این آقا دوستم و از بازاریان خوش مشرب شهر هستند و قبلاً به اتفاق نامبرده خدمت آقای نجفی رسیده به منزل ایشان بروید و اتفاقاً چنین هم شد (در زمان برپایی جشن من در منطقه نبودم و از حسن تصادف ایشان دو شب مهمان آقای احمد ابراهیمی بودند.)

عجله داشتم تا این خبر خوشحال کننده را به سمع و نظر اهالی شهر برسانم. خصوصاً عزیزانی که در تغییر نام شهر خویش تلاش بی وقفه کردند. پس از دو روز زمانی که به شهر برگشتم خبر را به اطلاع اهالی رساندم که مثل توپ در شهر پیچید و در تاریخ ۷۵/۳/۱۳ عین مصوبه را آقای احمد ناطق نوری نماینده مردم نور که در مسجد جامع شهر نور سخنرانی می کرد به مردم نشان دادند. صدق گفتارم تأیید شد. با آنکه مطمئن بودم که تغییر نام صورت گرفته. دو روز بعد از آقای قاسمی خواستم تلفنی به آقای نجفی بزنم ایشان طبق معمول قبول کردند به مرکز پیش دانشگاهی نزد دوستم آقای تقی ذکایی مدیریت مرکز آمدم با آقای نجفی تماس گرفتند و آقای نجفی گفتند: هفته آینده عین مصوبه به استانداری مازندران ارسال خواهد شد. منتظر باشید. یکی دو هفته گذشت هر روز به فرمانداری نور می رفتم ولی خبر از مصوبه و تغییر نام نبود. تا اینکه اداره دارایی نور به شهرداری رویان اعلام کرده که از این به بعد کلیه مکاتبات شهرداری به رویان تغییر یابد. چون مصوبه هیأت دولت مستقیماً به وزارت دارایی و چند وزارتخانه حساس دیگر رفته بود (به تصویر شماره ۱۹ مراجعه کنید)

مورخه ۷۵/۴/۳۱ وقتی از بانک ملی به منزل می آمدم در مغازه آقای حاج عباس سالاریان توقیفی داشتم و ایشان هم به مثابه دیگر شهروندان از من در این خصوص سوال کردند و از همانجا با آقای کرملو تماس گرفتم و پس از سلام و احوالپرسی ایشان فرمودند هفته قبل تصویر مصوبه هیأت دولت با یک نامه به استانداری مازندران ارسال گردید. از ایشان تشکر کردم و از نامبرده خواستم در جشن تغییر نام شرکت کنند. آنگاه از همانجا با آقای حسین زاده فرماندار نور تماس گرفتم و ایشان را در جریان ارسال نامه از تهران به ساری قرار دادم. فرماندار نور فوراً با استانداری تماس برقرار کردند: و آقای احمدی گفتند: «مصوبه وزارت کشور مبنی بر تغییر نام

المده به رویان به استانداری ارسال شد منتهی به کدام دایره رفته معلوم نیست» به شهرداری مراجعه کردم تا اتومبیلی در اختیارم قرار دهد و همراه یک کارمند شهرداری به استانداری بروم تا مصوبه و تصویر نامه وزارت کشور را هر چه سریعتر و ابلاغ به فرمانداری بیاورم. که مورد قبول شهردار وقت شهر آقای شعبانی قرار گرفت. ناگفته نماند در پاییز سال ۷۴ آقای رجب نژاد شهردار قبلی به بابلسر منتقل شدند و آقای رضا شعبانی که اهل رامسر بودند مسئولیت شهرداری را پذیرفتند. موضوع تغییر نام و علت تغییر نام را برایشان بیان داشتم. از این تغییر نام خیلی خرسند شدند ولی شب روزی که باید به استان می‌رفتیم برایم زنگ زدند که چون فردا گلبلانگ ساحل در حال تدوین برنامه است و از صدای مازندان پخش مستقیم دارد لذا شما فردا به استان نروید تا مصاحبه‌ای در خصوص رویان و منطقه با رادیو داشته باشید. بنده هم نرفتم و مصاحبه کوتاهی با رادیو داشتم که خیلی فشرده در مورد تاریخچه شهر رویان و رویان قدیم و جدید که اولین بار از یک رسانه ملی پخش می‌شد مورد استقبال مردم شهر و حومه قرار گرفت. اتفاقاً آقای ابراهیم یزدانشناس اهل نور که فرهنگی بودند پس از این مصاحبه نزد اخوی بنده از این کار بسیار تمجید کردند. روز چهارشنبه ۷۵/۵/۳ برادرم که پیش از این راجع به وی و مسئولیتش در دادگستری نور صحبت کرده بودم جهت مأموریت به ساری می‌رفتند من هم از فرصت استفاده کرده با ایشان جهت دریافت مصوبه و تصویر نامه وزارت کشور و ابلاغ به فرمانداری نور به ساری رفته، ابتدا در استانداری نزد آقای احمدی کارشناس مسئول تقسیمات کشوری همان کسی که در شورای نامگذاری در فرمانداری نور حضور داشتند رفتم و ایشان گفتند نامه رسید اما نزد من نیست!! زحمت کشیدند تلفنی با دبیر خانه تماس گرفتند آنها هم گفتند نامه رسیده ولی نزد ما نیست!! بایگانی هم عدم اطلاع می‌کرد!! و خلاصه پس از دو ساعت گشت و گذار

در استانداری و طی طریق در طبقات ساختمان استانداری با چهره‌ای غمگین به اتاق آقای احمدی آمدم و از او خواهش کردم نامه به شما تعلق دارد و باید از طریق شما نامه‌ای نوشته شود و پس از تایپ و پاراف و امضاء استاندار، به نور ارسال گردد عنایت بفرمایید لابه‌لای کارهای روزانه خود بگردید شاید در کارتن کارهای روزانه باشد. گفت: شما خودت بگرد!! اتفاقاً من گشتم!! و در کارتن کارهای روزانه آقای احمدی نامه وزارت کشور و مصوبه هیأت محترم دولت را یافته‌ام خیلی خوشحال شدم از اینکه مصوبه هیأت دولت همراه نامه وزارت کشور را پیدا کردم جالب توجه اینکه در سال ۷۳ وقتی از استانداری موضوع تغییر نام شهر المده به رویان را به وزارت کشور می‌بردم گفتم در نامه ارسالی استانداری بحث تغییر نام یانه سر بهشهر هم قید گردید ولی تغییر نام آنها تصویب نشد پس اگر تغییر نام شهرمان به یک نام تاریخی از تصویب هیأت دولت و وزارت کشور گذشت کاری کارشناسی و مستدل بود پس از آنکه پیش نویس نامه‌ای از طرف آقای احمدی جهت تایپ آماده شد. پیش نویس را جهت تایپ به دبیرخانه بردم و پس از تایپ به امضاء آقای عبدالرحیم باقرزاده معاون سیاسی امنیتی استاندار رساندم و پس از ثبت دفتر استانداری با اتفاق برادرم که از کار اداری خویش فارغ شده بود و در مدخل ورودی استانداری منتظر من بود با دست پر و چهره‌ای خندان به طرف محل سکونت و فرمانداری نور حرکت کردیم (تصویر شماره ۲۰)

حدوداً ساعت یک بعد از ظهر از استانداری خارج شدیم. برادرم همانند دیگر شهروندان از موضوع تغییر نام بسیار خوشحال شد و اولین شیرینی تغییر نام را با دادن چند بستنی به من و آقای حبیبی راننده دادگستری تبریک گفتند. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به مدخل ورودی فرمانداری رسیدیم فرماندار وقت آقای حسین زاده پس از خستگی از کار روزانه در حال ترک فرمانداری بود که دم درب فرمانداری

مصوبه تغییر نام به‌مراه نامه ارسالی از سوی استانداری را به فرماندار دادم و گفتم از شروع تا پایان انشاءالله تغییر نام مبارک همه مردم رویان و شما مسئولین پر تلاش باشد. و ایشان که خیلی از این تغییر نام خرسند شده بود به شوخی گفتند: «تا آقای شهردار (مقصود آقای شعبانی شهردار رویان) مبلغ یکصد هزار تومان شیرینی ندهد مصوبه تغییر نام را به ایشان نخواهم داد».

خبر خوشحال‌کننده را پس از ورود به شهر به اطلاع دوستان و اهالی شهر رسانده و به منزل شهردار وقت آقای شعبانی تلفن زدم که تشریف نداشتند و به همسر ایشان گفتم که جناب شعبانی با من تماس بگیرند. و اما فردای روز تغییر نام.

تبرستان
www.tabarestan.info

آنچه پس از تغییر نام گذشت

صبح روز بعدی که مصوبه را از ساری به نور آورده به فرماندار رساندم. دوستان پرتلاش را در مغازه آقای احمد ابراهیمی جمع کرده و ساعت ۹/۵ به شهرداری رفتیم که چه باید بکنیم. متأسفانه شهردار تشریف نداشتند و به اتفاق آقایان احمد ابراهیمی و سهراب درویش و حبیب‌اله راجی به فرمانداری نور رفته و اعلام کردیم چه باید کرد. فرماندار گفتند: منتظر آقای احمد ناطق نوری نماینده نور و رویان هستید تا وقت برپایی جشن مشخص گردد. آن‌گاه به شهرداری رویان برگشتیم و عین مصوبه و نامه استانداری که تصویر آن نزد من بود به شهردار نشان دادیم. نامبرده از موضوع تغییر نام آن هم در زمان مدیریت خود بسیار خوشحال شدند. ولی آنچه من و دوستانم در ذهن داشتیم اتفاق نیفتاد. بقول یکی از دوستان باید کارناوال شادی حرکت بکند. تاکسی‌های شهر به همراه بقیه اتومبیل‌های شخصی پشت سر هم با چراغ‌های روشن پس از گشتی در شهر و رفتن جلوی فرمانداری نور مجدداً به شهر برگردند و جلوی شهرداری شهر به پایکوبی بپردازند تا این تحول تاریخی را جشن بگیرند ولی گویا باید خود حرکت می‌کردیم؟! که چنین کردیم.

خبرنامه‌ای راجهت دستیابی شهروندان و مردم منطقه در رابطه با تاریخ رویان تحت عنوان رویان در گذر تاریخ به اتفاق آقای سهراب درویش به نگارش در آورده، جهت نوشتن با خط خوش به آقای عارف رضایی داده تاپس از تکثیر در اختیار مردم قرار گیرد. اکنون مورخه ۷۵/۵/۶ است من باتوجه به برنامه ریزی قبلی به اتفاق اعضای خانواده به غرب کشور مسافرت کردم. به دوستان قبل از عزیمت به سفر گفتم که ترتیب جشن و نصب پارچه و قربانی و کارناوال شادی را بدهند اما بعد از سه روز که از مسافرت برگشتم، انتظار آن را داشتم تا چهره شهر پس از تغییر نام توسط شهرداری و مردم دگرگون شده باشد ولی چیزی به چشم نیامد. گویا هنوز شهروندان محترم مشتاق از تغییر نام خبر نداشتند.

(ناگفته نماند در روز پنجشنبه مورخه ۷۵/۵/۴ که به شهرداری رفته بودم کارشناسی از وزارت کشور در شهرداری حضور داشتند بنام مهندس بهشتی که رفاقتی بین ایشان و آقای شعبانی شهردار رویان بوده، وقتی خبر تغییر نام را به شهردار گفتم، یاد می‌آید آن کارشناس محترم علت تغییر نام را از من سوال کردند. مختصری از تاریخ رویان، علت تغییر نام را برایشان بیان داشتم. خیلی به مذاقشان خوش آمد. و حتی قول داد باتوجه به حرف‌های آقای کرملو در استقرار بخشداری مساعدت لازم را در این زمینه خواهد کرد. اتفاقاً نامبرده پس از مراجعت به تهران به آقای شعبانی شهردار وقت تلفن زده که مقدمات امر راجهت استقرار بخشداری فراهم کند.)

همانطور که گفتم پس از مراجعت از سفر، با ورود به شهر هیچ پارچه‌ای که نمودی از شوق و اشتیاق مردم جهت این امر باشد به چشم نیامد. خیلی تعجب کردم. پس از ورود به منزل حدود ساعت ۹ شب بود که به آقای سهراب درویش زنگ زد و جریان چاپ خبرنامه را که قبلاً دو نفری گردآوری کرده بودیم سوال

کردم. آقای درویش فرمودند: «روز شنبه به شهرداری رفتم ولی شهردار گفتند آقای بازیار بیايد تصميم می‌گیریم و روز جشن را به هفته دولت در شهریور ماه موکول کردند.» فردا صبح سری به شهر زدم و به مغازه آقای احمدابراهیمی رفته و ایشان هم گله‌مند بودند که مجموعه شهر به دلیل عدم اطلاع کافی از تغییر نام حرکت نکرده، گفتم باید آغازگر شهرداری و پیشگامان باشند. غروب دوستان را جمع کردم و از آقای عارف رضایی خواستم که یک توپ پارچه سفید تهیه کند و با نوشته‌هایی از جمله «رویان تولدت مبارک» «تغییر نام المده به رویان مبارک». «رویان سرزمین علویان تولدت مبارک» و... بنویسد و بطریقی از دوستان و هیئت‌های مختلف مذهبی و تیم‌های ورزشی خواستیم که نوشته‌هایی با پارچه‌های بلند که ناشی از خوشحالی مردم بود بدون حک کردن نام کسی در تغییر نام دخیل بوده نوشته شود. یادم می‌آید که پس از نوشتن فقط یک پارچه در ابتدای خیابان مسجد جامع، مردم شهر به حرکت درآمدند حدود ۵۰ پارچه به طول ۴ تا ۶ متر در جای جای شهر این تغییر نام را تبریک گفتند. علیرغم اینکه از مردم خواستیم از بانیان و اعضای تغییر نام به اسم تشکر نکنند ولی مردم قدردان رویان از فرزندان خود که فقط فرمانبر آنها بودند با نوشتن چندین پارچه از اعضای تغییر نام قدردانی به عمل آوردند (تصویر شماره ۲۱) ناگفته نماند هزینه خریداری یک توپ پارچه سفید را جوانی به نام کامیار سالاریان بنا به درخواست اینجانب تقبل کردند. جهت چاپ خبرنامه به تاریخ ۷۵/۵/۱۸ به شهرداری مراجعه کردم که شهردار تشریف نداشتند و Pamphlet پمفلت. (جزوه) متن چند صفحه‌ای که بدون صحافی به هم الصاق شده است قرار بود که یکی از دوستانم بنام آقای فتح‌الله محمود زاده که کارمند شهرداری بود با شهردار صحبت داشته باشد که در جهت چاپ جزوه اقدام عاجل صورت پذیرد. خبرنامه‌ای با عنوان رویان در گذر تاریخ باتفاق آقای سهراب درویش

از مدت‌ها قبل موضوعش در ذهن مان شروع پیدا کرده بود. چیزی حدود ۲ ماه وقت صرف کرده تا خبرنامه مختصر و مفیدی تهیه گردد. قرار شد روز شنبه آقای سهراب درویش جهت ملاحظه شهردار متن خبرنامه را نزد ایشان ببرند که همین کار را هم انجام دادند ولی شهردار گفت که آقای بازیار بیاید بعداً چاپ خواهم کرد. همانطور که قبلاً گفتم آقای عارف رضایی شهروند فهیم با خط خوش آن را نوشتند به تصور آنکه شاید خبرنامه به همین سادگی چاپ گردد. پس از آنکه من از مسافرت آمدم چندین بار به شهرداری رفته تا اینکه در تاریخ ۷۵/۵/۲۲ باتفاق آقای درویش به شهرداری مراجعه کرده و از شهردار وقت خواستم جهت اطلاع بیشتر همه اهالی شهر و نیز همه شهرداری‌های کل کشور و دیگر ادارات استان این جزوه هر چه سریعتر چاپ گردد و یک نسخه به ادارات مورد نظر فرستاده شود. شهردار قبول کرد. و با نوشتن نامه‌ای شهرداری رویان را به عنوان ناشر به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نور به پیوست خبر نامه معرفی که پس از نشان دادن خبرنامه به آقای حسینی سرپرست وقت اداره ارشاد مجموعه نوشته را تأیید کردند و قرار شد فردای روز بعد من باتفاق آقای سهراب درویش و آقای خالق اسکندری کار پرداز شهرداری به آمل جهت چاپ برویم آقای درویش به دلیل مشکلات شخصی نیامدند و طبق معمول اینجانب باتفاق آقای خالق اسکندری کار پرداز شهرداری ساعت ۱۰ صبح به طرف آمل حرکت کرده با ارائه خبرنامه به آقای محمد رضادیو سالار مدیر چاپخانه که از دوستان دوران تحصیل بودند و بسیار هم از این تغییر نام خوشحال و به نوعی استقبال کردند نامبرده را در جریان چاپ همراه با عکسهای رنگی گذاشتیم ولی به دلیل هزینه بالای چاپ، عکس رنگی مورد قبول کار پرداز محترم قرار نگرفت و تصمیم گرفتیم با عکسی از امامزاده جمشید کیا سلطان شهر و کتیبه موجود در ضلع شمال شرقی، خبرنامه چاپ گردد. و هماهنگی شده بود که

پس از تایپ و قبل از تهیه فیلم با زینگ با من تماس بگیرد تا مجدداً جهت ویرایش به آمل بروم و خلاصه روز بعد از عکاس قدیمی شهر آقای حسن کاویانپور خواستم که عکسی از سر در شهرداری رویان، و امامزاده شهر و کتیبه موجود بگیرد. (تصویر شماره ۲۲) تا در صورت امکان در خبرنامه جایش بدهم که اتفاقاً برای بار دوم نامبرده عکس برداری کردند تا این تغییر نام در تمام ایران با چاپ این خبرنامه بگوش همه هموطنان برسد. در شهرداری در حضور شهردار که آقایان سهراب درویش و احمد ابراهیمی نیز حضور داشتند از آقای صالح سالاریان شهروند خواستم تا در صفحه اول یکی از روزنامه‌های همشهری، ایران یا کیهان جهت سپاسگزاری از ریاست جمهوری و هیئت دولت و اداره کل تقسیمات کشوری و... تشکر به عمل آورد و ایشان هم به دلیل غیرت ملی و محلی قبول کردند و اتفاقاً نسبت به چاپ تشکر اقدام کردند. با همه زحمات دوست داشتیم تابلو هایی که بنام المده = علمده نصب شده هر چه سریعتر به رویان تغییر نام یابد. بتاريخ ۷۵/۵/۲۴ به مخابرات نور رفتم ناگفته نماند قبلاً هم پس از تغییر نام دو بار رفته بودم ولی آقای رئیس تشریف نداشتند باتفاق آقای محمدرضا بابایی شهروند رویانی که کارمند مخابرات نور بود خدمت آقای آرم نیا ریاست مخابرات رسیده. شرح مختصری از تاریخچه رویان و علت تغییر نام را برایش بیان کردم. از آنجاییکه انسان با وقار و مدیر لایقی بودند به دیده منت قبول کردند و از ایشان خواستم نظر به اینکه مخابرات نور و رویان یکی شده چه بهتر که تابلویی به همین نام مزین سر در مخابرات گردد. اتفاقاً سریعاً دستور نوشتن و نصب تابلویی به نام مخابرات نور و رویان را دادند که حرکت آقای محمد رضا بابایی جهت تسریع در این کار و نصب تابلو «مخابرات نور و رویان» نباید از دیده پنهان گردد. در هر صورت شهروند بود و اشتیاق داشت و وظیفه. آنگاه سراغ آقای مهندس شیرودی رئیس اداره آب و

فاضلاب رفتم و از ایشان تقاضا کردم با توجه به تغییر نام شهرمان تابلو رامزین به نام رویان بکنند که اتفاقاً چنین هم کردند. مجدداً در همان روز به شهرداری آمدم و از شهردار خواستم که تیراژ جزوه به ۲۰۰۰ نسخه برسد که جهت ارسال به شهرداری‌های کل کشور و ادارات و شهروندان کم نیاید. نامبرده قبول کردند. من هم از ایشان تشکر کردم. در تاریخ ۷۵/۵/۲۷ مجدداً به تنهایی به آمل رفته تا ویرایش خبرنامه را انجام دهم. پس از مطالعه متن قبل از چاپ در کامپیوتر جاهایی که غلط داشته تصحیح کردم و یک نسخه را به رویان آوردم تا با تفاق آقای سهراب درویش بررسی مجدد انجام دهیم. جاهایی که میبایست بزرگتر گردد یادداشت کرده و محل تعبیه عکس‌ها را مشخص کردیم. در تاریخ ۷۵/۵/۲۸ برای چندمین بار به آمل رفته که آقای درویش با من بودند. تا جهت درج در دیسکت و چاپ ویرایش کامل گردد. ناگفته نماند دوست و همکار فرهنگی ام آقای رضاعلی سیفی که فوق لیسانس ادبیات بودند راهنمایی‌های لازم را جهت نگارش بعمل آوردند. و همچنین آقای عبدالله صادقی همکار فرهنگی ساکن شهر نور که دبیر تاریخ بودند مساعدت لازم را نمودند. در تاریخ قید شده به آمل رفته و پس از ۳ ساعت با مرور در صفحه کامپیوتر تصحیح لازم را به عمل آوردیم و اتفاقاً شام را دعوت آقای دیوسالار مدیر مسئول چاپ شهر آمل (که پیش از این گفته بودم از همکلاسی قدیمی ما در شهر رویان بودند) بودیم. مسئولیت اسکن و درج در دیسکت را جوانی بنام پهلوان زاده در چاپخانه شهر آمل بعهده داشتند که با حوصله مثال زدنی هر چه ما می‌گفتیم و تغییر می‌دادیم انجام می‌داد. از آمل با آقای شعبانی شهردار وقت تماس گرفتیم و پیشنهاد کردیم که چاپ خبرنامه بر روی کاغذ گلاسه صورت پذیرد که قبول کردند و مدیر چاپخانه گفتند تا پایان هفته کار چاپ انجام خواهد گرفت. خبرنامه در دوهزار نسخه با کاغذ گلاسه که مزین به عکسی از امامزاده شهر بود در ۱۴ صفحه بشکل پمفلت

(بشکل آکاردئونی و بدون نیاز به صحافی) چاپ شد. خبرنامه خلاصه حداقل ۵۰ کتاب تاریخی قدیمی و جدید بود که حدود ۲۰ کتاب را در پایان خبرنامه به عنوان منابع ذکر کردیم (عیناً خبرنامه "پمفلت" جهت مزید اطلاع آیندگان و دوستداران علم و تاریخ و جغرافیا بدین شکل در همین نوشته آورده می شود) (تصویر شماره ۲۳)

همه چیز جهت چاپ آماده بود. ولی زمان چاپ شدن خبرنامه بدلیل برنامه ریزی قبلی با اعضای خانواده و اخوی جهت مسافرت به مشهد مقدس آماده شده بودم. قرار شد بمناسبت نام و تولد تغییر نام رویان مراسم جشنی مفصل در هفته دولت در شهریور ماه سال ۷۵ برگزار گردد. و در مراسم جشن، خبرنامه بین مدعوین توزیع گردد تا با نگاهی گذرا هم بطور خلاصه و فشرده از تاریخ و جغرافیای رویان مطلع گردند و هم از جریان و روند تاریخ های تغییر نام اطلاع پیدا کنند و بقیه خبرنامه طبق برنامه ریزی قبلی به ادارات و سازمانهای مختلف و شهرداریهای کل کشور عزیزمان ایران از طریق شهرداری همراه با مصوبه تغییر نام ارسال گردد. نکته جالب اینکه شهرداری دعوتنامه های زیادی به شهروندان نوشته بود تا در مراسم جشن در هفته دولت به مناسبت تغییر نام شرکت بکنند. توزیع کننده دعوتنامه که از کارمندان شهرداری بود به دلیل کسالت نتوانسته همه دعوتنامه را توزیع کند آنطور که بعدها شنیدم حتی دعوتنامه بدست بعضی از پیشگامان این کار اجتماعی نرسیده بود. و به همین دلیل عده ای از فعالان در این جشن شرکت نداشتند. جشن با حضور نماینده شهرستان و عده ای از مردم فهیم رویان برگزار شد آن طور که در فکر داشتیم تا کارناوال شادی در شهر حرکت کند نشد ولی به هر حال جشنی برگزار گردید. بعدها که مردم موضوع تغییر نام را خیلی مهم دانستند و متوجه شدند کار تغییر نام به سادگی انجام نپذیرفته بیان می داشتند که می بایست جشنی مفصل در

خور نام رویان برگزار می شد که نشد!!؟

متأسفانه بنده هم در جشن بدلیل مسافرت به مشهد مقدس حضور نداشتم. از مشهد مقدس با دوستان تماس گرفتم. جناب کرملو معاون محترم اداره کل تقسیمات کشوری بطور تصادفی که از منطقه عبور می کرد در مراسم جشن به اتفاق اعضای خانواده که جهت مسافرت به منطقه شمال آمده بود حضور پیدا کرد وقتی سراغ من را گرفت و من نبودم آقای احمد ابراهیمی را پیدا کرد همانطور که قبلاً اشاره کردم آقای احمد ابراهیمی بگرمی از نامبرده پذیرایی کرد و حتی آقای کرملو باتفاق اعضای خانواده دو شب میهمان آقای ابراهیمی بودند. همگان در شهر نسبت به این تغییر نام بسیار خوشحال بودند قاطبه مردم با طوماری که در سال ۷۳ خود تهیه کرده بودند و مافقط یک وسیله بودیم و پیگیر به همین منظور جداً خیلی برایمان مهم بود که هرچه سریعتر تابلوهای خیابانها و علائمی که اسم علمده بر روی آن حک شده بود هرچه سریعتر به «رویان» تبدیل شود.

پس از آمدن از مشهد سراغ شهردار رفتم. از ایشان خواهش کردم تابلوهایی که بنام علمده است تغییرش دهد ایشان هم گفتند که بارها به مسئول قسمت گفتم ولی عملی نشد، خواهش کردم در صورت امکان با همه زحمت هایی که دوستان نسبت به تغییر نام کشیدند در این زمینه جدی تر باشند. از ایشان خواستم از اداره راه و ترابری مستقر در شهر محمود آباد بخواهند تا تابلوی سبز رنگ در ابتدای ورودی مدخل شهر بنام رویان نوشته شود بلافاصله آقای شهردار به اداره راه و ترابری محمود آباد تلفن زدند و موضوع تغییر تابلو را خواستار شدند پس از چند روز این کار انجام شد. جزوه تهیه شده همراه مصوبه هیأت دولت به نهادها، دانشگاهها منطقه، شهرداریهای کل کشور و موسسه نقشه کشی و کارتوگرافی سحاب و گیتهانشناسی ارسال که اکثراً جواب محبت آمیز را به شهرداری رویان ارسال کردند.

و از اینکه شهرمان توانسته همانند دیگر شهرهای مازندران که در طول تاریخ نام آنها از نظر معنا چیز نامفهومی را به ذهن متبادر می‌کرد و تغییر نام دادند از این موضوع (تغییر نام علمده به رویان) و آن هم تجدید حیات یک نام تاریخی به نام رویان که خود تاریخ بسیار مهم دارد و از قرن هفتم پس از حمله مغول‌ها تنها در صفحات تاریخ جاخوش کرده بود بسیار خوشحال شدند. هدف این بود که حتی سازمان نقشه برداری و کارتوگرافی هم هر چه سریعتر از این تغییر نام با خبر و در نقشه‌های چاپ جدید اسم «رویان» به جای «علمده = المده» چاپ شود در این خصوص همه شهروندان خصوصاً بنده و آقای درویش جداً بی‌تابی می‌کردیم. حتی بیاد دارم شخصاً به موسسه کارتوگرافی سحاب در تهران خیابان انقلاب ضلع شرقی پارک دانشجو خیابان ارفع رفته و از مسئول موسسه خواستم نسبت به این تغییرات اقدام عاجل بنمایند دانشگاه رویان که به مدیریت آقای دکتر کمال متاجی در نوشهر مستقر بود پس از دریافت خبرنامه و مصوبه، نامه بسیار پرنغزی ارسال کرده و از این تغییر نام بسیار استقبال کردند. (که متأسفانه نتوانستم متن نامه را از بایگانی شهرداری رویان به دست آورم).

از جمیع دوستان که با آقای شعبانی شهردار رویان صمیمی بودند خواستم تا نسبت به تغییر نام تابلوها، شهردار جوان را تهییج کنند از جمله آقای محمد قلی درویش شهروند متعصب در این خصوص نقش فعالی ایفا کردند. پس از تغییر نام در هر محفل و مجلسی صحبت از تغییر نام رویان بود. خبرنگاران روزنامه‌های پیک خزر، کیهان و... مقالات تاریخی و گزارشهای موثقی در این باب نوشتند روزنامه پیک خزر که خبرنگارش آقای عبدالرحیم دیو سالار بود در بعدازظهر یک روز در شهریور ۷۵ در منزل ۲ ساعتی در باب رویان و تاریخچه آن با بنده گفتگویی کرده، سرفصل گزارش خود را با عنوان «رویان با پیشینه‌ای کهن و آینده‌ای پرامید» شروع،

که گزارش جامع جهت اطلاع عموم گردید. حتی در گزارش خود از جزوه‌ای که توسط بنده و آقای درویش پیش از این تهیه شده بود استفاده کرده. نامبرده رویان را از نظرگاه تاریخی در یک روزنامه به هم استانیها اطلاع دادند. (تصویر شماره ۲۴) خبرنگار کیهان در شهرمان آقای سیروس کمالی (چهره گشا) هم تیترو گزارش خود را چنین نوشتند «رویان با جلوه‌ای از کوه و دشت و دریا آینده‌ای درخشان پیش رو دارد.» که هزینه چاپ این گزارش بعهده شهرداری بوده. به تهیه تابلویی جهت معرفی امام زاده شهر جمشید کیا سلطان از طرف شهرداری پرداختم که هزینه آن را شهرداری تقبل کرده و بیاد دارم ماه رمضان سال ۷۵ بود. وقتی از مسجد جامع بلند شدم به اتفاق آقای سهراب درویش در اتومبیل آقای شعبانی نشسته و با گشتی در شهر نکات ظریفی را در رابطه با تغییر نام و دیگر مسایل شهری با ایشان در میان گذاشتیم یکدفعه در ذهنم تعبیه تابلویی بود که به مسافرین امام زاده جمشید کیا سلطان که نماد تاریخی بود معرفی کند. و ایشان خیلی خوششان آمد در جلوی شهرداری ایستاد و فوراً از شهرداری مبلغ ۱۵۰۰۰۰ ریال (پانزده هزار تومان) وجه نقد به من داد که بنده نسبت به ساخت تابلو و نوشتن آن اقدام کنم و الباقی وجه پس از نوشتن پرداخت گردد. که فردای آن روز وجه را به آقای صادق حسین زاده «تابلو نویس» دادم با متنی که خود تهیه کرده بودم. دقیقاً بیاد دارم که آقای حسین زاده یکبار به نوشتن تابلو پرداخت منتهی با خط شکسته نستعلیق نوشت که پس از نوشتن هرکسی نمی‌توانست آن را بخواند. پس از نصب تابلو مجدداً آن را کنده و دوباره با خط نستعلیق آن را با این متن «مقبره باستانی جمشید کیا سلطان بن عون بن امام موسی کاظم (ع) احداث بنا ۸۵۱ هجری قمری». نوشته که تا چندی پیش در مدخل ورودی خیابان مسجد جامع جنب شمال شرقی گرمابه شهر موجود بود.

دوستان اعلام کردند بسیاری از سازمان‌ها و کارتوگرافیهای ایران و موسسه

تالیف کتب درسی از تغییر نام علمده = المده به رویان خبر ندارند مجدداً متنی تهیه کردم و با فرماندار در میان گذاشتم و پس از تایپ توسط خانم اسدی شهروند رویانی همسر آقای شکرآ... راجی شخصاً به دایره دبیرخانه فرمانداری نور رفتم و حتی پشت ۴۰ پاکت راکه از طریق فرمانداری نور به موسسات مختلف و... ارسال میگردید خودم نوشته و داخل آنها به همراه نامه مصوبه هیأت دولت را ارسال کردم (تصویر شماره ۲۴/۱). ضمناً از شهرداری رویان خواستم بنا به تقاضای فرهنگیان ۱۵۰ نسخه پمفلت رویان در گذر تاریخ تقدیم آنان گردد. (تصویر شماره ۲۴/۲)

نمیدانم موفق بودم احساساتم رابه خواننده محترم روز شمار منتقل کنم یا نه به هرحال شوق وصف ناشدنی است. روزها از پی هم میگذشت تا اینکه شهردار شهرمان عوض شد. جانشین آن شخصی بنام آقای جوادی اهل آمل شهردار رویان شد. در صحبت و مشورت با دوستم آقای درویش تصمیم گرفتیم ای کاش می توانستیم منابعی که هردویمان برای این تغییر نام تهیه کرده بودیم اگر می شد کاری کرد که در دسترس دیگران بخصوص دانشجویان باشد به همین دلیل از فرصت تغییر شهردار استفاده کرده و پس از انتصاب آقای جوادی به عنوان شهردار از وی خواستم باتوجه به تغییر نام مبلغی در اختیارمان قرار داده تا توانسته باشیم باتفاق دوستم کتب تاریخی و جغرافیایی که در زمینه رویان مطلب دارند جمع و به عنوان مرجع در کتابخانه عمومی شهر جهت استفاده دانشجویان و دانش پژوهان گردآوری کنیم اتفاقاً مبلغی حدود ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال صد و پنجاه هزار تومان در اختیارمان گذاشت از اقصا نقاط ایران کتابهای تاریخی و سفرنامهها و... جمع آوری کرده برای نمونه در سفری که باتفاق اعضای هیأت حضرت علی اکبر(ع) رویان^(۱)

۱. آقایان فتح... محمودزاده، لطف... محمودزاده، علی رمضانپور، سهراب درویش، سیاوش یوسفپور،

از مسیر جاده هراز به تهران و شهرهای ساوه همدان کرمانشاه و سنندج میاندوآب. رضائیه تبریز اردبیل رشت داشتیم

بهترین فرصتی بود با توجه به وجهی که شهرداری رویان در اختیارمان گذاشت به خرید کتابهای مرجعی پردازیم که بعضی از آنها در منطقه نایاب بوده. خاطره بسیار زیبا جهت خرید کتاب در تبریز دارم پس از استقرار در محل اسکان در تبریز اعضای هیأت به گروههای چند نفره جهت خرید و بازدید از اماکن تاریخی شهر حرکت کردند بنده باتفاق آقایان لطف... محمودزاده و سهراب درویش به جای دیدن دیدنیهای تبریز سرگرم بازدید از کتابفروشی های قدیمی و خرید کتب منبع بودیم. در اولین کتابفروشی که مملو از کتابهای قدیمی و تاریخی و ارتفاع کتابفروشی هم خیلی بلند بود از کتابفروش یک نردبان گرفته کلیه کتابهای تاریخی و جغرافیایی را پایین آورده و پس از بررسی چند جلد کتاب از جمله سفرنامه فریزر و سفرنامه ابن حوقل و تذکره جغرافیای تاریخی ایران (بارتولد) در منطقه کمیاب و نایاب بوده خریداری کردیم که آقای لطف... محمودزاده جداً از این عمل عصبانی شد و به شوخی گفت: «همه رفتند تفریح و خرید ای کاش من با شما نمی آمدم و...» با استقرار در شهرهایی که نام بردم کتابهایی گرانبها خریده و تعدادی از کتابها را هم از شهرهای استان و تهران خریداری کردیم. پس از تهیه کتاب لیستی تنظیم کردم و کتابها را به شهردار وقت آقای جوادی نشان دادم و آنگاه شهرداری متنی بدین مضمون (تصویر شماره ۲۵). تنظیم که در صفحه اول هر کتاب هدایی حک کرده و کتابها را همراه لیست به مسئول وقت کتابخانه آقای علی عمران کاویانپور جهت فیش برداری و شماره گذاری تحویل دادم (تصویر شماره ۲۶). از آنجاییکه عضو

کتابخانه عمومی شهر بودم از آقای کاویانپور تقاضا کردم بدلیل اینکه کتابها اکثراً نایاب هستند و شاید هرگز چاپ نشود پس از شماره گذاری مکانی در کتابخانه به عنوان کتابهای مرجع تعبیه گردد و کتابها در آنجا نگهداری شود و کتابها را خارج از کتابخانه جهت مطالعه ندهند اتفاقاً آقای کاویانپور چنین کردند و کتابها عجیب مورد استفاده اساتید دانشجویان در سطح استان و خصوصاً دانشجویان رویان نور و نوشهر قرار میگیرد.

پس از تغییر نام جمع کثیری از دانشجویان در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، که در رشته تاریخ و جغرافیا تحصیل میکردند پایان نامه‌های خود را بنام رویان و... بنگارش درآوردند از جمله بهترین پایان نامه متعلق به آقای جابر پارسایی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی در رشته جغرافیای انسانی با عنوان امکان سنجی حوزه نفوذ شهر رویان بود که عالیتین نمره را از اساتید دانشگاه شهید بهشتی تهران گرفته، بیاد دارم بعد از ظهر یک روز در منزل در خدمت این جوان کوشا بودم و روند تغییر نام را بهمراه تاریخ رویان و جغرافیای تاریخی منطقه برایش شرح دادم. کتابهای زیادی را به عنوان منبع در اختیارش گذاشتم. توانسته با مطالعه و نهایت جمع بندی، بهترین پایان نامه را ارائه دهد. امروز این اثر به عنوان یک منبع مورد استفاده دانشجویان قرار می‌گیرد. و پایان نامه‌ای را هم آقای سعید رمضانی اهل نور در رشته ادبیات در مقطع کارشناسی ارشد نگاشته چون نیاز به منابع تاریخی جغرافیایی بوده منابع زیادی به همراه شرح تاریخ رویان و منطقه در اختیارش قرار دادم که اتفاقاً پایان نامه نامبرده هم از موفقیت برخوردار بوده. جالب توجه اینکه شاید خواننده محترم باور نکند پس از تغییر نام المده = علمده به رویان چنان کار فرهنگی انجام دادیم که همه شهروندان از خرد و کلان، یکصدا واژه رویان را بجای علمده جایگزین کردند که برای ساکنین شهر همجوار ما نور سوال

شده بود که قبلاً سولده بوده هنوز مردم شهر نور پس از ۴۰ سال آنرا سولده می‌گویند چرا؟ خاطره‌ای از همسر من که مدیر دبستان حضرت مریم رویان بود نقل می‌کنم. ایشان می‌گفت: پس از تغییر نام در سال ۷۷ پس از بازگشایی مدرسه در مهر ماه کلاس آمادگی تشکیل داده و در اولین حضور معلم آمادگی در سر کلاس معلم به شرح داستانی پرداخت که در بیان و شرح داستان یک‌دفعه گفت: «... آن شهری که گفتم مثل شهر ما علمده بود.» در گوشه کلاس آمادگی کودکی بلند شد و گفت: خانم؟ علمده نه، رویان. این کودک خردسال کسی نبود جز دانش آموز حسین زاده فرزند آقای حمید حسین زاده. دلیل این امر چون واژه «رویان» در کلام و نوشتن و معنی بسیار زیبا و پرنغز است. جالب‌تر آنکه در ماه مبارک رمضان سال ۷۵ حجه الاسلام نوری شیرازی روحانی بزرگوار، وزین و شایسته که مسلط به تاریخ اسلام و ایران بود واعظ مسجد شهر ما شد. لازم دانستیم پس از تغییر نام این واعظ محترم را در جریان تغییر نام و تلاش بی‌وقفه عزیزان قرار داده، روز سوم ماه مبارک رمضان بود که به اتفاق آقای سهراب درویش پس از نماز ظهر و عصر در جلوی محراب مزاحم آقای نوری شیرازی شده و حدود نیم ساعتی پیرامون چگونگی تغییر نام و علت آن، تاریخچه‌ای از رویان قدیم و جغرافیای تاریخی منطقه رویان و امام زاده جمشید کیا سلطان که در جوار مسجد بود و نماد تاریخی شهر را با آن سنگ نبشته قدیمی به خط عربی شکسته بیان می‌کرد صحبت‌هایی داشتیم و از ایشان خواستیم با توجه به اندوخته‌ای که از تاریخ منطقه دارند نسبت به احیای نام رویان از منبر مسجد از مردم شریف بخواهند که جملگی بجای واژه المده = علمده واژه رویان را بر زبان جاری کنند. اتفاقاً این شخص بزرگوار چنین هم کردند هر شب و روز که در مسجد جامع سخنرانی می‌کرد به ترغیب مردم می‌پرداخت و این حرکت پسندیده ایشان در فکر و لسان مردم اثربخش بود هر کجا که هست خداوند

عمر طولانی به وی عطا فرماید و از لذایذ مادی و معنوی بهره کافی نصیبش گردد. به پاس این همیت دو جلد کتاب تاریخ رویان که شصت سال پیش چاپ شده بود به ایشان هدیه کردم و کتاب تاریخ تبرستان ابن اسفندیار که مورد درخواست ایشان بود به رسم امانت و مطالعه از طرف آقای سهراب درویش به ایشان داده شد ترتیب نشست با آقای نوری شیرازی را آقای سید رضا حسینی یکی از اعضاء هیئت امنای مسجد جامع داده بودند. واژه رویان پس از گذشت تنها یک سال چنان در دل مردم جاخوش کرده بود که کمتر کس می توانستی پیدا کنی که این کلمه را بیان نکند پس از برگزاری مراسم جشن جهت تشکر از آقای عباس نجفی مدیر کل تقسیمات کشوری تلگرافی با مضمون زیر از جانب بنده و آقای کامران قائمی و احمد ابراهیمی ارسال گردید دلیل اینکه اسم دیگر عزیزان تلاشگر در این راه نوشته نشد این بود که ما سه نفر در سال ۷۳ ایشان را در وزارت کشور به همراه آقای محمد قاسمی ملاقات کردیم (تصویر شماره ۲۷).

دوستان ارادتمند و تاریخ این سرزمین کهن پس از احیای نام تاریخی رویان به سرودن اشعار نغز و دلنشین پرداختند از جمله این عزیزان آقای جهانگیر سالاریان بود که عیناً تصویر اشعار نامبرده جهت مطالعه خوانندگان آورده می شود. (تصویر شماره ۲۸)

پیرمردها و مشایخ شهر در جهت ارج نهادن نام رویان قدم برداشتند. یکی از آنها آقای حسین مشایخی معروف به شیخ حسین مرد عارف مسلکی بود که عمری سر بر سجاده داشت و قرآن را حفظ بود. او هم به گردآوری اسامی قدیمی و فرزندان مردم شهر رویان بسنده کرد عین برگه را به من هدیه داده خدایش بیامرزد عیناً تصویر نوشته آن مرحوم را می آورم. (تصویر شماره ۲۹)

موضوع تغییر نام در رسانه ها هم درج گردید از جمله روزنامه همشهری (تصویر

شماره ۳۰)

در سفری که در سال ۷۵ به مشهد داشتم فرصت را مغتنم شمرده صبح‌ها که خانواده را جهت زیارت مرقد مطهر امام هشتم می‌بردم خود به کتابخانه آستان قدس می‌رفتم. از مدیر کتابخانه خواهش کردم تا در محل استقرار کتابهای مرجع تاریخی به مطالعه بپردازم. دنبال کتاب معروف کنز الانساب معروف به بحر الانساب تألیف سید مرتضی علم الهدی بودم پس از ۳ روز توانستم این کتاب معروف که در حسب و نسب امام زادگان و محل دفن آنهاست پیدا کنم. از مدیر بخش کتابهای مرجع خواستم تا از کل کتاب کپی بردارم. که مسئول کتابخانه با دریافت وجهی از من از کل کتاب تصویر برداری کرده و فردای روز بعد به من تحویل دادند. در کتاب فوق‌الاشاره در ذکر افراد امامزاده جمشید کیاسلطان شهر رویان در صفحه ۷۵ چنین ذکر می‌کند.... اما جمشید بن عون بن امام موسی کاظم را در کچه رستاق شهید کردند (رویان فعلی همانطور که قبلاً ذکر شد مرکز کج‌رستاق بود.) (تصویر شماره

(۳۱)

پس از تغییر نام نظر به اینکه تنها یادگار و نماد قدیمی شهر بقعه باستانی جمشید کیا سلطان بود مترصد فرصتی بودم تا جهت ترمیم بقعه از میراث فرهنگی استان بخواهیم تا در مرمت آن تسریع به عمل آورد یکی از جوانان خوب منطقه جناب آقای نصرت... دیوسالار کارمند و مشاور حقوقی سازمان میراث فرهنگی استان بوده در شهر ایشان را دیدم و پس از آنکه نامبرده تغییر نام را به من تبریک گفتند. مسئله باز سازی و احداث ضلع جنوبی بقعه امامزاده را با وی در میان گذاشتم و حتی عکسی از بقعه به ایشان دادم تا در صورت امکان به مسئولین قسمت مورد نظر نشان داده تا در زمینه ترمیم آن بودجه‌ای در نظر گرفته شود. از من خواستند اگر امکان دارد در فرصتی به ساری بروم و از نزدیک موضوع را با مدیر سازمان در میان

بگذارم اتفاقاً از فرصت استفاده کرده در زمستان ۷۵ به ساری رفتم نامبرده تشریف نداشتند و یکی دیگر از شهروندان شهر سرکار خانم قلی پور که زمانی به عنوان معلم در خدمتشان بودم کارمند آنجا بوده و به طور اتفاقی نامبرده را دیدم. از دیدن من به عنوان معلم سالهای گذشته بسیار خوشحال شدند. علت آمدن خود را به میراث فرهنگی بیان داشتم. به همراه نامبرده با مسئول وقت صحبت کرده و در فرصتی که پیش آمد از کتابخانه میراث فرهنگی دیدن کردم. کتابی که مدتها دنبالش بودم در کتابخانه سازمان یافتیم. از ایشان خواهش کردم باید از کل کتاب کپی برداری کنم. با عنایتی که این شهروند به عمل آوردند کتاب را به رویان آوردم و زحمت تصویربرداری را آقای فتح‌ا... دیوسالار و اخوی ایشان رحمان دیوسالار که هر دو همکار فرهنگی بودند کشیدند. این کتاب چیزی نبود به غیر از تاریخ تبرستان اردشیر برزگر در دو جلد قبل و بعد از اسلام که به عنوان کتاب مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازمان میراث فرهنگی استان بودجه‌ای جهت ترمیم و سد ضلع جنوبی بقعه امام زاده در نظر گرفته که امروز شاهد ترمیم آن هستیم. پس از تغییر نام صلاح دیدم کتاب کنزالانساب که از کتابخانه آستان قدس رضوی کپی برداری کردم شجره امام زاده را در یک صفحه تهیه نمایم اتفاقاً پس از تهیه شجره در یک صفحه زیبا آقای عارف رضایی آن را به خط خوش نوشتند که بر اثر رطوبت داخل آستان آن امام زاده خدشه دار شده اخیراً از روی همان شجره گویا باخطی خوش آقای رجب‌نژاد شهردار رویان در یک صفحه‌ای بزرگتر متن را به نگارش در آورده که در امام زاده موجود است نمونه‌ای از شجره نامه که در نزد من موجود است تصویر آن را جهت مزید اطلاع خوانندگان می‌آورم. (تصویر شماره ۳۲)

پس از تغییر نام دوستی ما با آقای بینایی همکار فرهنگی که نقش بسزایی در تغییر نام داشتند مستحکمتر می‌گردید. حتی در پایان جزوه منتشر شده از نامبرده

تشکر بعمل آورده شده. از آنجاییکه نامبرده یک چهره علمی و تاریخی منطقه است و مقالاتی در تبیین چهره مشاهیر ادبی تاریخی و سیاسی در مجله‌های گیلان نامه و «گیله وا» و نیز تحقیقاتی در خصوص جغرافیای تاریخی شهرهای از یاد رفته و فراموش شده رویان و رستمدر در مجلات ادبی دارد و اخیراً فصلنامه «در گستره مازندران» را به همراه دوستش آقای زین العابدین درگاهی از قائمشهر توسط نشر سانش چاپ و منتشر می‌نمایند و قرار شد نشریه شماره سه در گستره مازندران نوعی ویژه‌نامه نکوداشت استاد منوچهر ستوده از پیشکسوتان تاریخی گیلان و مازندران و استرآباد بشمار می‌روند باشد. برای بار دوم که به دیدن استاد ستوده به کلارآباد می‌رفتند از اینجانب و دوستم آقای درویش خواسته‌اند در معیت شان باشیم ضمناً از آقای درویش خواسته‌اند تا با آوردن ضبط صوت صدای استاد را ضبط نمایند. استاد دکتر منوچهر ستوده صاحب چندین کتاب که از همه مهمتر کتاب ۹ جلدی از آستارا تا استرآباد ایشان است باتفاق آقای بینایی و آقای درگاهی به کلارآباد رفتیم که دو تن از اساتید دانشگاه آزاد چالوس آنجا حضور داشتند در مدخل ورودی منزل استاد که در یک باغ ۱۰ هکتاری واقع بود کتابها و نوشته‌های زیادی روی میز و در قفسه‌ها چیده بود که چشمها را خیره می‌کرد. استاد با اینکه ۹۵ سال از سنشان می‌گذشت در حال تحریر چند جلد کتاب بودند. نکته جالب که در منزل استاد دیدم روی میز پذیرایی انواع گردو، قیسی، هلو خشک، کشمش، فندق، و... موجود بود چایی که دکتر ستوده آورده بود طعم خاصی داشت. اتفاقاً من نتوانستم بنوشم برگشت به من گفت طعم بدی دارد؟ گفتم: آری. گفتند: به این دلیل است که من پوست میوه به را خشک می‌کنم و از آن چای دم می‌کنم تا خوابم نگیرد و به چشمم ضرر نرساند. البته ایشان می‌گفت من اینکار را به توصیه یک پزشک انجام می‌دهم. خیلی خوشحال بودیم از اینکه این استاد سرزنده که فقط عمرش را

صرف مطالعه و نوشتن می‌کرد ملاقات کردیم به اتفاق استاد عکسی به یادگار گرفتیم. (تصویر شماره ۳۳) در بیرون منزل به ایشان گفتم: استاد از مجموعه کتابهای شما جهت تغییر نام شهرمان علمده به رویان استفاده شایانی کردیم. گفت این چه کاری بود کردید؟ گفتم: آیا اشکالی داشته که یک نام تاریخی که از قرن هفتم بعد از حمله مغول‌ها از صفحه روزگار محو و فقط در کتابها جا خوش کرده بود احیا می‌شد و یک شهر با ۴۰ سال سابقه شهرداری پسوند ده را به یدک می‌کشید و این نام زیبای فراموش شده جایگزین آن می‌گردید، گرفته می‌شد. فوراً گفتم: این طور است هیچ اشکالی ندارد. و حتی من اعلام کردم از وجود مبارک شما در نوشتن کتابی در زمینه رویان کمک خواهیم گرفت.

استاد از این تغییر نام بسیار خوشحال شد و گفت حتماً دوباره شما را زیارت بکنم. که دیگر موفق به دیدن استاد تا زمان نوشتن این مجموعه نشدیم.

مطلبی از ذهنم دورماند، از سال ۷۳ تا ۷۵ باتفاق دوستان و همه مردم شهر تلاش شبانه روزی جهت تغییر نام داشتیم. از هر فرصتی و شخصیتی برای این کار مهم کمک می‌طلبیدیم. در سفری که آیت حضرت... خامنه‌ای در سال ۷۵ به مازندران داشتند نامه‌ای به نماینده ایشان جناب آقای محلاتی با مضمون ذیل (تصویر شماره ۳۴) نوشته و باتفاق آقای احمد ابراهیمی نامه را در شهرستان نور به آقای محلاتی دادیم و از ایشان خواستیم با توجه به تصویب جریان تغییر نام از سوی استانداری و وزارت کشور جهت اجرای مصوبه از مسئولین ذی ربط بخواهند اقدام عاجل به عمل آورند.

همانطور که بیان داشتم پس از تغییر نام، با نوشتن مرقومه‌ای به بعضی از نویسندگان و تاریخ‌نویسان و کمک گرفتن از کتابهای آنان در مستندات تاریخی این مهم را به آنان تبریک می‌گفتم.

اولین نامه در سال ۷۵ به آقای دکتر فریدون جنیدی مدیر بنیاد نیشابور و صاحب چندین جلد کتاب تاریخی از جمله مهاجرت آریائی‌ان، سنجش زمان در ایران، داستانهای رستم پهلوان و... نگاشته شد (تصویر شماره ۳۵). از این تغییر نام بسیار خوشحال شد و به پاس این تلاش دو جلد کتاب از نوشته‌های خود به بنده هدیه نمودند.

اما نامه‌ای به هم زبان و هم استانی خود نصراله هومند ساکن آمل نگارنده چندین جلد کتاب از جمله گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و نگارنده تقویم تبری در سالنامه‌های فارسی که مدتها در شروع سال جدید در تقویم (روزشمار) چاپ می‌شد نوشته (تصویر شماره ۳۶)

همانطور که در مقدمه بیان داشتم تغییر نام واکنش‌های متفاوت و گاه متضاد را از جانب مقامات دانشگاهی و نویسندگان از جمله آقای نصراله هومند داشته نامبرده در پاسخ به نامه اینجانب نامه‌ای در ۵ صفحه با مضمون ذیل (تصویر شماره ۳۷) نوشته و به آدرس اینجانب ارسال کرده آنگاه به اتفاق دوستم آقای سهراب درویش نامه‌ای در ۸ صفحه (تصویر شماره ۳۸) به نامبرده نوشتیم. هرآنچه آقای هومند بدون مذاقه و از ذهنیات خود بیان داشتند با برهان و دلیل و استناد تاریخی جوابش را دادیم. خواننده محترم این یادداشت حتماً نامه‌های رد و بدل شده را از سر حوصله بخواند تا بپاسداشت تلاش عزیزان زحمتکش در این راه (تغییر نام المده = علمده به رویان آفرین گوید. جا دارد بیان کنم که آقای هومند که کتابدار دانشگاه پیام نور آمل هستند زمان مبادله نامه به اینجانب، جوابیه را به یکی از همولایتی‌های ما آقای دیوسالار که اهل تاشکوه و همکار نامبرده در دانشگاه پیام نور آمل هستند نشان دادند که اتفاقاً آقای دیوسالار به ایشان گفت. آنچه من می‌دانم عزیزانی که دست اندرکار تغییر نام و نویسنده خبرنامه رویان در گذر تاریخ هستند

هرگز بدون دلیل و استناد حرفی را به زبان و نگارش در نمی آورند سعی کن در نوشتن جوابیه دقت کنی، آقای هومند به آقای دیوسالار گفتند من کار خود را بلد هستم تا اینکه جوابیه ما به دست آقای هومند رسید و آنگاه آقای دیوسالار می گفت به او گفتم: جواب چطور بود که آقای هومند دیگر حرفی برای گفتن نداشت. پس از تغییر نام به توصیه و سفارش یکی از دوستان خویم به نام آقای مهندس هاشمی که در رشته کشاورزی تحصیل کردند و اهل آمل هستند از موضوع تغییر نام بسیار خوشحال شدند و تأکید داشتند که شهر کوچک رویان باید پس از تغییر نام در کل استان و کشور به نوعی مطرح گردد لذا با صلاح دید دوستان ورزشی اینکار را با برگزاری اولین دوره «کشتی لوچو» به شکل قانونی در سالن شهدای رویان با حمایت همه جانبه مردم شهر خصوصاً مساعدت پهلوانان منطقه از جمله آقای دانش فخاری به عمل آوردیم (تصویر شماره ۳۹) تا همه ورزشکاران لوچوکار استان مازندران ضمن شرکت در مسابقات مربوطه بدانند که این مسابقات در شهر «رویان» برگزار میگردد. بدین طریق ما به مقصود خود که آوازه گری نام رویان در استان بود دست یابیم.

پس از تغییر نام همانطور که بیان کردم انگیزه اهل فن را جهت تحولات تاریخی که در رویان قدیم و رستم دار حادث شده بود برانگیخت این باعث شد که از اینجانب توسط گروه تاریخ آموزش و پرورش نور باز دیدهایی که از اماکن باستانی و آثار قدیمی منطقه داشتند دعوت بعمل آورند. اتفاقاً در یکی از این باز دیدها که از اماکن باستانی جمشید کیا سلطان رویان و مقبره باستانی رضا کیا سلطان ناتل و بقعه باستانی شاه بالو زاهد آهو دشت چمستان گروه تاریخ را همراه بودم. بنا به خواهش آقای بینایی در ناتل، کنار مقبره باستانی رضا کیا سلطان بدلیل مطالعه موردی که در باب امام زادگان و قبور آنها داشتم شمه ای از تاریخ گذشته و حکومت پادوسبانان و

امام زادگان را برای گروه تاریخ و جغرافیا بیان داشتم که مورد استقبال عزیزان همکار قرار گرفت. باتفاق گروه عکسی به یادگار با آقایان عباس محمدی، ابوالقاسم رنجبر، عبدالله صادقی، فریدون سالار، صدرزاده و قوالدین بینایی - (زحمت برداشت عکس را کشیدند) و خانم‌ها مقدسی، حمیدی، کمرودی و اسلامی که همگی در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد فارغ التحصیل و دبیر بودند گرفته (تصویر شماره ۴۰)

پس از تغییر نام رویان اساتید تاریخ و جغرافیای دانشگاههای منطقه گامهای مؤثری در شناسایی رویان به عمل آوردند. از جمله جناب آقای دکتر متولی ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی نور که فارغ التحصیل رشته جغرافیا می‌باشند، دانشجویان محقق خود را در خصوص موقعیت جغرافیای تاریخی رویان به این مرجع هدایت و عامل مهمی در معرفی رویان گردیدند. جا دارد از نگاه کارشناسانه و علمی ایشان در این گذر که موجب دلگرمی ما گردید صمیمانه تقدیر نمائیم.

نام رویان بدلیل پرنغز بودن در هر کتابی نظر هر خواننده منطقه را به خود جلب می‌کرد. همکارم آقای اسلام دیوسالار که مدیر کانون فرهنگی تربیتی رویان بودند در زمان مطالعه کتاب رسولان رنگ اثر معینی کرمانشاهی (چاپ فرزان ۱۳۸۰) که در مورد زندگی ۳ نقاش برجسته اروپا از جمله پیکاسو بود در صفحه ۱۴۰ شهر رویان نظرش را جلب کرد. فوراً مورد را به من نشان دادند. اتفاقاً در اینجا متوجه شدم که در اروپا در کشور فرانسه حومه پاریس شهری هم به نام رویان وجود دارد که در کتاب چنین نگاشته شده است.

... در آن زمان، او به رویان شهری دوز از پاریس رفته و استودیوی خود را به آنجا منتقل کرده بود.

سالها پس از تغییر نام به پاس دلیری و پهلوانی آرش کمانگیر، دوست شاعرم

آنچه پس از تغییر نام گذشت ۸۹

آقای حیدر اسماعیلی از ایلام شعری پر نغز سرودند که عیناً تقدیم خوانندگان
محترم این مجموعه می‌کنم. (تصویر شماره ۴۰/۱)

تبرستان
www.tabarestan.info

«تکمله»

در پی تغییر نام رویان که خود تجدید حیاتی در تاریخ و تمدن رویان قدیم بوده که شرحش را بیش و کم در این روز شمار خواندید. همانطور که بیان کرده جهت تأسیس بخشرداری گام‌هایی برداشته شد اولین بار پس از تغییر نام در تابستان سال ۷۶ با توافق ریش سفیدان شهر از جمله مرحوم حاج ید... فتحی، حاج فتح ا... فتحی، حاج علی اصغر کوچکی پور، حاج ابراهیم قائمی، حاج احمد ابراهیمی، حاج سید خلیل حسنی، حاج سید رضا حسینی، حاج رضا مشایخی، سهراب درویش، محمد قلی درویش، و بنده خدمت آقای عبدالله ملکی فرماندار جوان وقت نور رسیده که خیلی هم ما را در برخورد اول مورد لطف خود قرار نداده. بنحوی که با تسبیحی در دست و کفش تا شده با ما ملاقات کرده بود!! در این ملاقات شمه‌ای از تاریخ رویان و روند تغییر نام را خدمت این فرماندار جوان بیان داشتم که به مذاقش خوش آمد. و تداعی سخنان آقای کرملو معاون محترم اداره کل تقسیمات کشوری که بعد از تغییر نام به فکر بخشرداری باشید در ذهنم خطور کرد و عیناً به عرض فرماندار جوان رسانده، کم‌کم فرماندار به حرفهای ما با جدیت گوش داد و پس از یکی دوبار رفتن به فرمانداری با ما صمیمی شد. طوری که نامه‌هایی

بسیار پر محتوا در رابطه با تأسیس بخشداری در رویان به استناداری نوشته که تصویر آن جهت استفاده جوانترها آورده می‌شود (تصویر شماره ۴۱)

پس از این نامه‌ها ستاد پیگیری بخشداری در حسینیه حضرت علی اکبر (ع) رویان تأسیس گردید^(۱) که وجداناً زحمات زیادی با توجه به پتانسیل شهرمان نسبت به تأسیس بخشداری کشیدند امید است شاهد ارتقا شهرمان به بخش و شهرستان باشیم.

نسل آینده رویان باید به این مهم توجه داشته باشد که شهر رویان از قدمت دیرینه و استعداد بسیار ممتاز با توجه به راه ارتباطی به بلوکات نور و کجور و قرار گرفتن در کنار دریای خزر برخوردار است و حوزه جغرافیایی آن باید حفظ گردد و به عنوان یک ناسیونالیست به فرهنگ بومی خود احترام بگذارد و به قول دکتر علی شریعتی ناسیونالیست یعنی بازگشتن به خویشتن انسانی خودمان (نه نژاد پرستی و خاک پرستی و خون پرستی) بازگشت به فرهنگ و معنویتی که به من شخصیت انسانی می‌دهد. مرا از بومی به انسان و از وحشی به متمدن و از بی فرهنگی به دارای فرهنگ و از متشبهه به انسانی اصیل تبدیل می‌کند. ناسیونالیست نه قدرت پرستی. یعنی به فرهنگ خودم برگردم یعنی خودم بشوم. یعنی شخصیت پیدا کنم و بر روی تاریخ خودم و مذهب خودم و سرمایه‌های معنوی که شخصیت انسانی مرا می‌سازد شخصیتم را بسازم. ناسیونالیسم را باید از بیماری نژاد پرستی راسیسم و خاک پرستی سوونیسم که مزاجش برای سرایت این بیماری‌ها مستعد است دور داشت و آن را بر روی پایه‌های عینی و علمی و انسانی استوار کرد. وقتی حوزه

۱. اعضای ستاد پیگیری بخشداری که در حسینیه رویان تشکیل شده عبارتند از: ۱- یدالله فتحی ۲- رضا علی مشایخی ۳- علی اصغر کوچکی پور ۴- محمد قلی درویش ۵- احمد خزالی ۶- ایرج بابایی ۷- سید رضا باقری ۸- سیف‌الله محمود زاده ۹- سهراب درویش ۱۰- حمزه علی بازار ۱۱- کامران قائمی ۱۲- حمزه علی طرخان

جغرافیایی شهر رویان حفظ گردد مسلماً در آینده‌ای نه چندان دور در آن شاهد تأسیس بخشداری و... خواهیم بود. و با استقرار چندین مؤسسه دولتی و دانشگاه به زیر ساخت اقتصادی کمک شایانی خواهد کرد نسل آینده باید هوشیار باشد اگر رسانه‌ای به خطا بخشی از حوزه جغرافیایی ما را نادیده گرفته جوابی متقن و مستدل به آن رسانه نوشته برای نمونه تصویر جوابیه شورای اسلامی شهر در رابطه با چاپ خبری از یک رسانه. (تصویر شماره ۴۲) که حدود رویان را در شرق به اشتباه ذکر کرده بود جهت اطلاع خوانندگان محترم آورده می‌شود.

محلله‌های قدیمی شهر رویان^(۱) *

۱- سولده بره^(۲): (آخرین نقطه شرقی شهر رویان غرب پلیس راه نور) رودخانه‌ای که مرز دو شهر نور و کجور را در شرق شهر رویان مشخص می‌کند در بسیاری از کتب تاریخی و سفرنامه‌ها از این رود به عنوان مرز نور و کجور (ناتل رستاق و کجورستاق) نام برده شده است. از سال (۸۵۷ ه.ق) پس از مرگ ملک کیومرث بن ملک بیستون از حکمرانان پادوسبانی منطقه، رستمدار (رویان قدیم) به دو منطقه نور و کجور بین دو فرزندش تقسیم گردید.^(۳) در مشرق، رودخانه بره مرز نور و کجور در نظر گرفته شده است دکتر منوچهر ستوده در کتاب با ارزش خود از آستارا تا استاریاد جلد ۳ بخش جغرافیای دشت کجور چنین نقل می‌کند:

«بلوک دشت کجور از طرف مغرب به رودخانه چالوس، از طرف مشرق به

۱. در این بخش از آقایان علی محمد محمدپور، حاج قدرت بازاریار، حاج حسن محمد پور، حسن مشایخی، حاج اصغر درویش، حاج مهرعلی بازاریار و حاج قربان محمد پور کمک گرفته شده است.
۲. بره- به فتح باء و کسر راء
۳. مرعشی، میر ظهیرالدین بن میر نصیرالدین - تاریخ تبرستان و رویان و مازندران به مقدمه یعقوب آژند نشر گستره ۱۳۶۳، صفحه ۲۹.
* (محل دقیق محلله‌های قدیمی رویان در تصویر شماره ۴۳ با شماره مشخص گردیده است)

رودخانه بره، در شرق المده (شهر رویان فعلی) از طرف جنوب به نواحی کوهستانی نور و از طرف شمال به کناره دریای خزر محدود می‌شود^(۱)

«ابت» در سال ۱۲۵۹ ه. ق رودخانه سوله ده را مرز بین بلوکات نور و کجور چنین معرفی کرده است.

«از کچه رود که گذشتیم جنگل کم شد و زمینهای کشت، وسعتی پیدا می‌کند. بعد به سولده رود رسیدیم که زیاد پهن نبود اما آب آن سریع حرکت می‌کرد. این رودخانه بخشهای کجور و نور را از یکدیگر جدا می‌کند.»

نکته جالب اینکه در شهر نور فعلی (سولده) افراد مسن و میانسال به این رود (المده بره) می‌گویند. عین این مطلب را رابینو در سفرنامه خود «مازندران و استرآباد» چنین نقل می‌کند:

«بلوک نور از المرود شروع می‌شود. این رودخانه ساحلی پر شیب دارد. سولده ده بزرگی است که در نیم میلی دریاست.»^(۲)

۲- دار خرابه: (جنب شرقی اردوگاه هایگاشن تا رودخانه بره، مرز نور و رویان، که شهرک شهید رجایی و چند مجتمع در آن واقع است)^(۳) در گذشته‌های دور زیر جاده شوسه بین تپه‌های شنی و جاده سراسری درختان فراوانی اعم از تسکا، انجیلی، اوجا در آن منطقه وجود داشت حدود ۷۰ سال پیش مردم شروع به تراشیدن جنگل کردند. به دلیل خاک مرغوب به برنجکاری مشغول گردیدند. به علت دارا بودن خاک مرغوب و جنگل به دار^(۴) خرابه معروف بود. حتی بعضی از

۱. ستوده - منوچهر - از آستارا تا استرآباد جلد ۳ صفحه ۲۲۷ چاپ انجمن آثار ملی (۱۳۵۵)

۲. رابینو، هل - مازندران و استرآباد - ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی - انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۵ صفحه ۶۳.

۳. خرابه در اصطلاح محلی به زمینهای بسیار مرغوب (کشتزار) که فقط برای برنج کاری مناسب است.

۴. دار در اصطلاح محلی به درخت گویند.

قدیمی‌ها می‌گفتند زمان شخم زدن شالیزار پایشان به درخت‌های افتاده یا ریشه درخت می‌خورد. گویند آب رودخانه بره را با کندن خندقی که از جاده سراسری می‌گذشت جهت مشروب کردن زمین‌های زراعتی به پایین جاده می‌آوردند.^(۱) (تصویر شماره ۴۴).

۳- نهر کیله: رودخانه سبزه رودفعلی
نهر کیله از پساب زمین‌های زراعتی شهر رویان و روستای عباسا جاری می‌گشت به دلیل اینکه نهر کوچکی بود به نهر کیله معروف بود. کیله در اصطلاح محلی رود را گویند. در زبانها است که در گذشته‌های نه چندان دور همیشه شهر رویان با خطر سیل گرفتگی مواجه بود مرحوم حاج عبدالله احمدی نسبت به تعریض رودخانه سبزه رود (نهر کیله) اقدام نمود که پس از تعریض و وسعت رودخانه دیگر شهر رویان با خطر سیل گرفتگی مواجه نشد.

۴- بزه پل: (ضلع جنوب شرقی میدان الغدیر و جنب مجتمع تجاری مسکونی رویان)

ضمن آنکه پس مانده‌های آب چاله‌ها از آن می‌گذشت بدلیل عبور گوسفندان و بزهای محلی از آن به بزه پل معروف بود امروز پس از توسعه و تعریض میدان اثری از آن باقی نیست. آنها از این پل به کر^(۲) روخنه می‌پیوست.

۵- کر روخنه: (این رودخانه از حوالی تعمیرگاه مرحوم حاج مصیب کوچکی پور شروع و تا سبزه رود در امتداد غرب به شرق بود ادامه داشت. گویند آب رودخانه از بس که عمیق بود و تقریباً همیشه در آن مانده بود به کر روخنه شهرت داشت. گویند پس از آنکه کنف‌ها را برداشت می‌کردند در آب این رودخانه جهت

۱. نقشه هوایی سال ۱۳۴۲ منطقه برنجکاری را نشان می‌دهد.

۲. کر در اصطلاح محلی و فارسی به آبی گفته می‌شد که در آن می‌شود طهارت کرد.

جدا شدن پوست از کنف قرار می دادند.

۶- فک باغ: (۱- محل احداث مجتمع بزرگ سولار. شمال میدان الغدیر) باغ

مرحوم حسین محمد پور که مملو از درختان بید بوده است ●

(۲- فک باغی دیگر به گفته اهالی در مجتمع فردوس در ضلع شرقی مجتمع،

حوالی زمین فوتبال بوده است. که بیدمشک در آن فراوان بوده است^(۱)).

۷- خسرو تپه: (از جاده پلاژ قدیمی جنب غربی تعمیرگاه حاج مصیب

کوچکی پور شروع تا خیابان شهید وارسته جنب کتابخانه عمومی منتهی می گردید

خیابان برادران شهید حسینی غربی و شرقی).

تپه ای در ضلع شمالی شهر رویان از حوالی میدان الغدیر شروع و به رودخانه

آقاکیله حوالی محل سکنی مرحوم میرزابابا مازندرانی و فرزندانش ختم می شد در

گذشته جاده شوسه سراسری از آن تپه می گذشت. می گویند دفینه های زیادی در

اطراف آن تپه قرار داشت. تپه فوق از سطح دیگر جاهای شهر حدود چند متری

بیشتر ارتفاع داشت که هم اکنون هم ارتفاعش از دیگر نقاط شهر بلندتر است لذا در

زمانی که به دلیل بارش فراوان باران سیلاب می شد و شهر دچار سیل گرفتگی

می گردید بیشتر مردم شهر به خانه های اهالی سکنی در آن تپه های مرتفع می رفتند

تا از خطر سیل گرفتگی نجات یابند.

۸- پایین محله: (انتهای خیابان شهید وارسته حوالی دبستان شهید اشرفی

اصفهانی)

در ضلع جنوبی پلاژ شهرداری و شمال خسرو تپه محله ای کوچک که حدود

چند خانوار از جمله شیورها (قائمی) طرخانها و مازندرانی ها در آن زندگی

می کردند. چون پشت تپه دریا بود به پایین محله شهرت داشت. در اکثر باغهای این

۱. فک در اصطلاح محلی به درخت بید گویند.

محلله کنف و صیفی جات کشت می‌شد.

۹- باغبان محلله: (اطراف کانون شهدای رویان و دبستان آزادی، ضلع شمالی

بازار شهر)

گویند باغهای زیادی از جمله پنبه، کنف، صیفی جات در آن محل قرار داشت. و

اکثر مردم آنجا باغبان بودند و به باغبان محلله شهرت داشت.

۱۰- رشتی محلله سر: (حوالی باغبان محلله ضلع شمالی بازار)

چند خانوار از گیلان (آستانه اشرفیه) به رویان آمدند، چون در آن محلله سکنی

گزیدند به «رشتی محلله سر» معروف شد. امروز عزیزان گیلانی آقایان به شهرت

کاظمی، نژادی، پوررمضان نژادها شهروند محسوب و به زبان تبری مسلط و به

گویش گیلکی (رشتی) در منازل خود صحبت می‌کنند.

۱۱- چهارشنبه آقا: (تقریباً ضلع شمال شرقی شهرک فردوس)

در مجتمع مسکونی شهرک فردوس حدوداً در مرکز یا شمال شرقی شهرک

درخت‌های تنومند بلوط و شمشاد و آزاد موجود بود که به گفته اهالی سیدی

بزرگوار در آنجا دفن بود. مردم شبهای جمعه زیر درختان بلوط و شمشاد و آزاد که

در محل دفن آن سید بزرگوار قرار داشت چراغ روشن می‌کردند و جزء باورهای

دینی مردم بود به نقلی که مردم از آن سید شفا می‌گرفتند ولی امروز به دلیل توسعه

شهرک اثری از آن نیست (نسل ما هم چهارشنبه آقا را به یاد دارد).^(۱)

۱۲- لله جارک: (مزارع برنجکاری در ضلع جنوبی شهرک فردوس در حوالی آن

مزارع، علاوه بر برنج، نیشکر هم کشت می‌شد. (لله در اصطلاح محلی یعنی نی و

نیشکر)

۱۳- اصغر آباد چرخ کلی: (مزارع برنجکاری در ضلع جنوبی لله جارک که

پرنده باز در آن فراوان بود)

احتمالاً این مزارع توسط شخصی به نام اصغر احیا گردید. در این منطقه درختهای بلند وجود داشت که چرخها (بازها) روی آن می نشستند (باز در اصطلاح محلی چرخ گفته می شود)

۱۴- رزیابن: (زمین های کشاورزی ضلع شرقی شهرک فردوس و خیابان ورزش فعلی، زمانی تا بازار شهر و حوالی درمانگاه و دبیرستان دخترانه جهاد و پروین اعتصامی ادامه داشت)

زمین های کشاورزی رزیابن از ۳ طرف محدود به مجتمع های مسکونی شهر رویان است و نصف مزارع هم به دو دلیل کشت نمی گردد دلیل اول خشک شدن مزارع کشاورزی در بالا دستها یعنی جنوب این زمینها و دلیل دوم احداث ساختمان در حواشی مزارع برنجکاری می باشد.

۱۵- آقا کیله: (رودخانه ای که از کنار مقبره جمشید کیا سلطان می گذرد)

این رودخانه اکنون از کچرود و آب زمینهای زراعتی آسن کشی و نهرین منشعب می گردد. رودخانه کچرود که از البرز شمالی سرچشمه می گیرد و پس از گذشتن از روستاهای کاسگر محله و تاشکوه و وصل به پساب زمینهای آسن کشی و نهرین چون از کنار مقبره امام زاده شهر می گذرد و به دریا می ریزد به آقا کیله معروف می باشد.

۱۶- خمینی: (حد فاصل خیابان مسجد جامع و خیابان شهید کریمی جنب غربی منزل محمد رضا احمدی و علی خلیج و شرقی منزل مسکونی مرحوم فضل الله احمدی و جنوبی منزل مرحوم ابراهیم حسین زاده و سید جلال حسینی و شمالی منزل مرحوم علی سیاه پشت)

زمین دایره شکلی بود که بچه ها در گذشته در آن جمع می شدند و به بازیهای

مختلف محلی از جمله کمر بند بازی، عمو زنجیر باف، تپ کا، چلیک مارکاو... می‌پرداختند. خمن در اصطلاح محلی به جای وسیع و پهن گفته می‌شد.

۱۷- سولده محله سر یا سلده محله سر: (انتهای خیابان شهید کریمی فعلی از تقاطع خیابان چمران به بعد)

گویند عده‌ای از سولده (شهر نور فعلی) به دلایلی به رویان مهاجرت کردند و در آن محل سکنی گزیدند و این محل به سولده محله سر معروف گردید. مردم این محله به کار صیادی و کشاورزی خبره بودند و فامیلی اکثر آنها غلامی، محمد پور، فلاح، طهماسبی و احمدی بود. ساکنان آن منطقه هنوز هم با مردم شهر نور نسبت فامیلی نزدیک دارند.

۱۸- شهر پی انجیلی: (ابتدای خیابان شهید مطهری تا رودخانه بره (مرز نور و رویان)

به دلیل اینکه در حاشیه این خیابان درخت‌های شمشاد و درخت انجیلی فراوان قرار داشت به این نام معروف بوده است. شمشاد در زبان محلی «شهر» گفته می‌شود و انجیلی هم درخت پیچیده و پر خم می‌باشد. بعضی گویند این منطقه فقط به شهر پی معروف بود.

۱۹- انار کاله پی: (خیابان فرهنگ ۳)

بدلیل آنکه در منطقه درخت‌های انار فراوان در حاشیه خیابان و حوالی کاله قرار داشت به انار کاله پی معروف بود. (کاله در اصطلاح محلی زمینی که در آن محصول نمی‌کاشتند و مملو از چمن بود. امکان داشت کشاورزان هر ساله به جابجایی زمین جهت کشت بپردازند و این هم مربوط به قوت (حاصلخیزی) زمین بود. زمینی که یکسال کشت نمی‌گردید مسلماً سال بعد بهتر کشت می‌شد. به چنین زمینهایی کاله می‌گفتند.

۲۰- خَمَن: (بین خیابان‌های شهید مطهری و شهید کریمی از تقاطع خیابان شهید چمران به موازات خیابان‌های فرهنگ ۱ و ضلع جنوبی شهرک‌های مطهری و بهشتی تا نزدیکی‌های رودخانه بره)

زمین وسیع که حدود ۲۰ هکتار بوده و در آن گندم، جو، کنف، پنبه و صیفی جات می‌کاشتند در ایام جشن نوروز خصوصاً در سبزه بدر اکثر قریب به اتفاق مردم شهر اعم از خرد و کلان، زن و مرد در خمن جهت برپایی جشن در دسته‌های چند نفری دور هم جمع می‌شدند و پس از آنکه سبزه‌های عید را به آب می‌انداختند. معمولاً پس از صرف غذا در گروه‌های مختلف به بازیهای محلی از جمله از همه معروف‌تر «تَبْ‌کا» که شامل یک توپ نخ‌ی و یک چوب بود بشرح زیر می‌پرداختند. افراد به دو گروه ۶ نفری تقسیم می‌شدند. ۶ نفر اول در محلی که به کِهَن نامیده می‌شد جمع، و از ۶ نفر یک‌نفر توپ نخ‌ی در دست داشت و یک نفر چوب بلند به درازای یک متر و ۴ نفر دیگر در کنار آنها بودند. ۶ نفر بعدی در وسط تا خطی که حدود ۵۰ متری کشیده شده بود و آن محل به گُل معروف بود تجمع می‌کردند توپ توسط شخص به هوا پرتاب می‌شد و نفر بعدی در کنار وی توپ را می‌زد ۶ نفر وسط اگر توپ را در هوا می‌گرفتند دسته اول بازنده بودند و اگر توپ به زمین می‌خورد ۴ نفر کنار کهن باید به طرف گُل می‌رفتند. و آنگاه توسط یکی از شش نفر با دست بدست به آن ۴ نفر زده می‌شد دسته‌ای که توپ به آن‌ها برخورد می‌کرد بازنده در غیر اینصورت بازی همانند مرحله آغازین ادامه داشت.

۲۱- مک مک پنبه جاری: (بین فرهنگ ۳ و ۲ تا رودخانه بره)

گویند در انتهای خیابانهای فرهنگ ۳ و ۲ زمین هایی وجود داشت که در آن پنبه می‌کاشتند چون در زمستان‌ها اردک را جهت گرفتن مرغابی هوایی از این مکان پرواز می‌دادند و اردکها مک مک می‌کردند به مک مک پنبه جاری معروف بوده است یا

به قولی مرغابی‌های هوایی در پنبه زار فرود می‌آمدند و چون مرغابی‌ها مک مک می‌کردند به این نام معروف شد.

۲۲- کتیل شنی: (انتهای خیابان فرهنگ ۲)

بین املاک زراعی عباسا، شهر نور و رویان مزارع نیشکر وجود داشت که عبور از آنها به دلیل گل‌آلود بودن خیلی مشکل بود لذا چوبهای تنومند را کنار هم قرار می‌دادند تا به مزارع نیشکر برسند (کتیل چوب بزرگ و شنی هم گذاشتن یا قرار دادن) به نقلی (کل شنی هم گویند).

۲۳- شیخ وزن: (حوالی کتابخانه رویان و گرمابه ولی عصر)

چشمه‌ای بود که مردم برای گرفتن آب، شستن ظروف و لباس و حتی شستن میّت از آن استفاده می‌کردند و در سده‌های اخیر بچه‌ها در فصل تابستان در آن شنا می‌کردند. امروزه هیچ اثری از شیخ وزن بدلیل ساخت و ساز و خیابان نیست (وزن در اصطلاح محلی به رودخانه‌ای که سطح آبش کم باشد و رهگذر بتواند به راحتی از آن عبور کند).

۲۴- شیخ محله سر: (ابتدای خیابان مسجد جامع)

در اطراف مقبره باستانی جمشید کیا سلطان عده‌ای سکنی داشتند که شهرت اکثر مردم آن محله مشایخی، مشایخ یا شیخی بود و به همین مناسبت به شیخ محله سر معروف بود ضمناً بعضی از آنها متولی امام زاده هم بودند. در زبانها است که مشایخ قرآن را خوب می‌دانستند خانواده‌های مشایخی، رضایی، محمودی و مالکی منتسب به همین محله هستند.

۲۵- میان محله: (خیابان شهید کریمی حوالی منزل حاج قدرت بازیار و جعفر

جعفری)

چون در قلب شهر رویان بین دو خیابان امام و مسجد جامع قرار داشت به میان

محلّه معروف بود از بلندی خیابان امام یا شهید مطهری اگر سر و صدایی در محلّه زیرین شنیده می شد اهالی به هم دیگر خبر می دادند. (مین محلّه سر نمه چی خیره) یعنی در میان محلّه حادثه ای رخ داده است.

۲۶- تسکا جاران: (ضلع جنوبی جاده سراسری رویان به نور حوالی مجتمع گلستان)

گویند در این محل درختچه های تسکا فراوان وجود داشت و بدلیل رطوبت و آب، درختها بزرگ نمی شدند و در بعضی از فصول سال محل چرای حیوانات اهلی هم بود. در زمستانها اهالی در این منطقه به شکار مرغابی و یا پرندگان مهاجر از قبیل سار و (ابیا) و قرقاول می پرداختند. نحوه شکار هم با تله بود. که یک چوب از نوع انار یا چوبی که براحتی خم می شد به اندازه یک متر حدود ۲۰ سانت در زمین فرو داده می شد و در ۵۰ سانتی چوب خانه ای با چوب های کوچکتر تعبیه می کردند و با یک چوب ریز به هم قرار می دادند در روی چوب ۱ متری نخ نایلون و... می بستند. و دور آن خانه کوچک پهن می کردند. هنگامیکه پرنده راه می رفت وقتی پایش به نخ گیر می کرد با چوب بلند که به هوا بر می خاست گرفتار می شد و شکارچیان محلی صبح یا شبها می رفتند و شکارها را از تله خارج می کردند. بسیاری از مواقع شکار طعمه شغال و روباه می شد. امروزه هنوز هم در بین اهالی این نحوه شکار رایج است.

۲۷- فلی مرز کیله: (حوالی دبیرستان شهید تونی)

بدلیل اینکه از کنار روستای هند و مرز (فلی مرز به اصطلاح محلی) می گذشت به فلی مرز کیله معروف بود.

۲۸- آسین کشی: (آسن در حقیقت همان آستان یا آستانه می باشد و کشان به معنی زمینهای وسیع زراعی گویند. چون این مزارع در کنار امام زاده قرار داشت به

آسن کشی معروف بود. که این مطلب را دفتر فنی استانداری در حدود و ثغور رویان چنین آورده است:

«محدوده قانونی شهر... از شمال به دریا، از جنوب به آستانه کشان، از غرب به هند و مرز و از شرق به پل بره (جدا کننده علمده (رویان فعلی)) و نور محدود می‌گردد».^(۱)

۲۹- نهر بن: (املاک زراعی ضلع جنوبی خیابان مسجد جامع)

چون این مزارع زیر نهر (رودخانه) قرار داشت احتمالاً به همین نام معروف شد.

۳۰- خرابه: (زمین‌های زراعی بسیار مرغوب که در انتهای خیابان مسجد

جامع ضلع جنوبی خیابان وصل به زمینهای زراعی عباسا می‌باشد).

امروزه بهترین نوع برنج از این زمینها کشت می‌گردد

۳۱- اسب شورن: (حوالی میدان شهدای فعلی) شمال منزل مرحوم سید

حسین علوی و مرحوم علی عمران محمودی و جنوب ساختمان مرحوم اسماعیل

محمودزاده.

انتهای خیابان مسجد جامع حوالی پارک شهدا میدانی وسیع بود که چاروادارها

در گودال میدان اسب‌های خود را می‌شستند و تیمار می‌کردند. علت اینکه اسب

شورن در این محل قرار داشت بدلیل تلاقی آن محل با جاده منتهی به جنگل و

مزارع و انتهای شهر بوده است

۳۲- کور کور سر: (انتهای خیابان فرهنگ ۲)

محلی بود که شخصی در آنجا چند گاو داشت و شبها چراغ را اطراف طویله

روشن می‌کرد و از دور چراغ‌ها سو سو می‌زدند (یعنی روشنی می‌دادند) و به کور

کور سر معروف شد کور کور سر یعنی نور کم از آنجا ساطع می‌گردد.

۳۳- اودنگ سر: (محلی که در قدیم شالی «شلتوک» را تبدیل به برنج می کردند) اودنگ مرحوم حاج عبدا... واقع در باغبان محله انتهای رودخانه آفاکیله اودنگ مرحوم حاج مسلم واقع در بازار شهر اطراف صندوق قرض الحسنه ولی عصر اودنگ ضلع شرقی کتابخانه رویان

اودنگ ضلع جنوبی آفاکیله حوالی ملک زراعی مرحوم محمد مشایخی و مرحوم فتاح حسین زاده

اودنگ اطراف منزل مرحوم رمضان بوستانی

گویند وقتی کشاورزان، مزارع شالی را در می کردند به نوبت به اودنگ می رفتند یک تا سه شبانه روز در آنجا بودند و باتفاق اهل منزل (همسر) شالی را تبدیل به برنج می کردند. پس از آنکه شالی کوبی به شکل امروزی دایر گردید اودنگ منسوخ گردید. ضمناً محل تعبیه اودنگ باید جایی بود که آب به سرعت از آنجا عبور می کرد. به نوعی که سطح آب تا توربین حدود ۶ تا ۷ متر باید تیزی داشته باشد تا آب به سرعت به توربین برخورد بکند تا توربینها بچرخند چوب های بزرگ بوسیله توربین به بالا و پایین می آمده و شالی ها که در محوطه ای که سنگ درشت تعبیه شده بود و درونش یا وسطش چاله بود یک کیسه شالی را در آن می ریختند و چوب بلند که در سرش دندان ریز آهنی داشت روی شالی فرو می آمد تا اینکه شلتوک را از برنج جدا می کرد آنگاه با مجمعه بزرگ چوبی شلتوک را از برنج جدا می کردند و پس از مصائب زیاد می توانستند برنج کافی را جهت خوراک بدست آورند. استادکار معروف ادنگ استاد قلی درویش معروف به «رستم قلی» سولده ای بود.

۳۴- او نوره: (حوالی خیابان شهدا و بازار شهر)

تقریباً این محله از مجموعه شهر جدا بود تا اینکه بر اثر گسترش شهر وصل به

شهر شد.

۳۵- دارکله: (انتهای شهرک شهید بهشتی ضلع جنوب شرقی شهرک بهشتی و

انتهای خیابان فرهنگ ۳)

در این منطقه درخت‌های بسیار تنومند به ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ متر به قطر ۲ تا ۳ متر از قرار تسکا و اوجا قرار داشت. صیادان محلی جهت شکار مرغابی در بالای این درختان تنومند که مشرف به تمام منطقه از جنگل و دریا بود کلبه‌ای کوچک تحت نام «کیمه» جهت اسکان خود درست می‌کردند. در کنار کلبه خود «کیمه» یک لانه به مساحت یک متر مربع تحت نام «پرک» برای اردک‌های خانگی درست کرده. معمولاً دو نفر شکارچی در بالای درخت از صبح زود در کیمه اسکان پیدا می‌کردند و به همراه خود اردک‌ها را هم به لانه آنها «پرک» می‌بردند. شکارچیان در منزلگاه خود در بالای درخت کلبه آذوقه اعم از نان، چای و... را با خود می‌بردند چون امکان داشت که طول روز را در آن محل، بالای درخت بگذرانند. ضمناً از نظر پوشش هم طوری خود را می‌پوشاندند که سردی هوا در آنها نفوذ نکند چون این کار فقط در فصل پاییز و زمستان بود. آن دو نفر که در بالای درخت بودند در حقیقت دیدبانی مرغابی‌های دریایی را می‌دادند در صورت مشاهده مرغابیها که از سمت دریا بسوی ساحل در پرواز بودند اردکها را که قبلاً تعلیم داده بودند به طرف مرغابیها به پرواز در می‌آوردند اردکها به سمت مرغابیهای دریایی می‌رفتند طوری که آنها را دور می‌زدند و آنها را به سوی ساحل و به سمت کله که در پایین یا چند متری دارکله تعبیه شده بود با خود می‌آوردند.

اما کله (آبگیر): در کنار دارکله، آبگیری به شعاع ۱۰ تا ۱۵ متر دایره مانند درست می‌کردند که درونش پر از آب بوده است. دور آن را با چوب تحت نام خال طوری پوشش می‌دادند که در زمان فرود آمدن مرغابی‌ها به همراه اردکها، مرغابیها متوجه رهگذران نشوند و فرار نکند در دو قسمت این کله دو چوب بلند به مانند عدد ۷

می‌کاشتند تا تور ماهیگیری که به چوب بلند وصل بود روی دو چوب ۸ مانند قرارگیرد. تور تقریباً همه محوطه آبگیر را می‌گرفت، وقتی مرغابیها بهمراه اردکها به آبگیر (کله) فرود می‌آمدند آن دو نفری که در بالای درخت بودند فریاد می‌زدند تور را بکش. دو نفری که در پایین بودند تور را محکم می‌کشیدند همه مرغابیها و اردکها در تور گیر می‌کردند. صیادان فوراً به داخل کله (آبگیر) می‌رفتند و اردکها را از مرغابیها جدا می‌کردند. آنگاه مجدداً اردکها را که در پایشان قلابی بود به بالای درخت (دارکله) با طنابی که از بالای درخت به پایین آویزان بود می‌فرستادند تا در این کار شروع مجدد داشته باشند متأسفانه امروزه این نحوه شکار مرغابیهای دریایی در منطقه منسوخ گردیده است.

۳۶- شملی خرابه: (از ترمینال مسافربری رویان تا کارخانه ادنگ در ضلع

جنوبی جاده سراسری)

بدلیل مرداب و آب خیز بودن منطقه به شملی خرابه معروف بوده است در این منطقه در حواشی آبخیز انواع کف، پنبه، پیاز و دیگر صیفی جات کاشته می‌شد.

۳۷- شله: (حدوداً ابتدای جنگل رویان و عباسا بعد از زمین‌های زراعتی)

زمین‌های این منطقه که از درختچه‌های کوتاه از قبیل انجیلی، تسکا، کرات و... پوشش داده می‌شد در تمام سال پراز آب و لجن بود به همین خاطر به شله معروف بوده است. شله در اصطلاح محلی منطقه خیس و نمناک و با تلاقی را گویند.

۳۸- سیاه بول: (مرز رویان و عباسا انتهای رودخانه بره در سر منشأ آبگیری)

گودال‌هایی بود که در آن آب جمع می‌شد و به سیاه بول معروف بوده. گویا آبی که در این گودال‌ها جمع شده بود به چشم سیاه می‌آمد.

۳۹- حمام کتی: (ابتدای خیابان مسجد جامع محل حمام فعلی که با سرانه

مردم رویان بوسیله هیئت امنای مسجد جامع ساخته شده)

حمام قدیمی دارای دو استخر (خزانه) بود که استخر اولی توسط دیگی بزرگ که در کنار آن کاشته شده بود توسط هیزم‌هایی که در زیر آن آتش روشن می‌کردند گرم می‌شد. صاحبان حمام هر چند روز آب خزانه‌ها را تعویض می‌کردند. حمام قدیمی تا چندی پیش بر جای بود^(۱)

۴۰- راه مرزپشت: (بالای سیم برق فشارقوی حوالی منطقه کشاورزی خرابه و آستانه‌کشان)

مردم در روی این مرزها (راهروها) رفت و آمد می‌کردند و پشت این مرزها زراعت گاه آنها بود.

۴۱- توت باغ: حوالی جنوب پلاژ شهرداری تا خیابان خسروته، حوالی منزل آقاجان بوستانی و مرحوم حاج سید ابراهیم حسینی و فرزندان و مرحوم عزیز صادقی و مرحوم نوروز علی بازیار و مرحوم سبحان قلی طرخان قرار داشت. در این باغها درختچه‌های توت فراوان کاشته بودند در زمان برگ دهی، برگ‌های درخت توت را می‌کنند تا کرم‌های ابریشم آن را خورده و به پيله دهی بیانجامد قبلاً در رویان ابریشم طبیعی تولید می‌شده که امروزه منسوخ گردیده است.

۴۲ - اللهقلی کوره سر: (انتهای خیابان فرهنگ ۲)

شخصی در آنجا سکونت داشت که به شغل ذغال‌گیری و گاوداری مشغول بود گویند این شخص از یکی از بیلاقات منطقه به آنجا آمد و کارش همین بود در زبانها است که نسبت فامیلی مادری با خانواده محمدپورها در رویان داشته است.

۴۳ - شورکیله: (رودخانه‌ای در سامان منطقه کشاورزی رویان و عباساکنار زمین برنجکاری حاج قدرت بازیار، علی محمد محمدپور، آقایان کوچکی پور و

۱. ستوده منوچهر از آستارا تا استارباد جلد ۳ صفحه ۲۴۰ حمامی قدیمی در قصبه المده (شهر رویان فعلی) مرکز قشلاقی کجور مراجعه شود.

(احمدی)

این رودخانه از جنگل های عباسا سرچشمه می گیرد که آبش در تمام فصول شور است و به سبزه رود (نهرکیله) و آنگاه به دریا می ریزد. احتمالاً از سرمنشایی که منشعب می گردد منطقه از نمک برخوردار است.

۴۴- لَیْه باغ: (جنب زمین کشاورزی حاج عین ا... محمدی علی محمدی و حاج ابوالقاسم احمدی و حوالی خیابان معلم) تبرستان
 لاله در اصطلاح محلی نی و نیشکر را گویند، شاید در این منطقه نیشکر کشت می شد.

۴۵- شن کیله: (حوالی منزل فتح ا... محمود زاده و مرحوم نصرت رستگار و املاک مرحوم عین ا... رمضانپور و املاک زراعی حاج درویش محمود زاده و مرحوم فتاح حسین زاده از جنوب به شمال که وصل به آفاکیله می گردد.)
 در آنجا رودخانه ای بود که حیوانی بنام سمور در اصطلاح محلی (شنگ) فراوان یافت می شد. سمورها (شنگ) در کنار رودخانه و دریا منتظر ماهی می ماند و پس از افتادن ماهی در داخل تور شروع به خوردن آن می کردند.

۴۶- خمن په تپه: (حوالی خیابان فرهنگ ۱)
 در ضلع جنوبی که ذکرش رفت تپه های کوچکی وجود داشت که به خمن په تپه معروف بود.

۴۷- میان تپه: (حوالی خیابان فرهنگ ۲)
 بین مزارع برنجکاری و خمن، تپه ای کوچک قرار داشت که به میان تپه معروف بود.

۴۸- میان یم: (از مدرسه حضرت مریم تافرهنگ ۲ و ۳ ادامه دارد).
 گویند این منطقه از بس تیغ و درخت های انجیلی و درخت آل فراوان داشت

جوانه‌های فشرده درخت‌ها امکان گذشت و عبور انسان را از آن نمی‌داد به رم معروف بوده است. (رم در اصطلاح محلی جنگل فشرده پراز درخت و تیغ را گویند).

۴۹- بزیش: (انتهای زمین کشاورزی آقای قربان احمدی وصل به زمینهای عباسا گویند در این زمین‌ها علف‌هایی وجود داشت که به مشابه ریش بز بوده به این خاطر این منطقه به بزیش معروف بوده است).

۵۰- تیم جاری: (ضلع جنوبی مدرسه حضرت مریم زمین‌های کشاورزی حاج طاهر درویش، حاج سید جلال و جمال حسینی و ذولفعلی یوسف پور و حاج باقر غلامی و غیره)

بدلیل اینکه این زمینها در قسمت شمالی رودخانه آقاکیله قرار داشت از آب گرفتگی و سیلاب در مواقعی از سال در امان بود لذا اکثر قریب به اتفاق کشاورزان منطقه خرابه خزانه برنج خود را در این نقطه دایر می‌کردند خزانه را در اصطلاح محلی تیم جار گویند. چون این مکان تیم جار (خزانه) خیلی از کشاورزان بود به تیم جاری معروف بوده است.

۵۱- دهنه تک: (انتهای رودخانه‌ها وصل به دریا)

محلی که رودها به دریا می‌ریزد. مکان اتصال رود به دریا را دهنه گویند. در دهنه‌ها صیادان با تور ماهیگیری (سالیک) منتظر ماهی‌ها از جمله سفید و کپور هستند و ماهی‌ها را به دام می‌اندازند.

۵۱- چاه گله: (در شهر چاه کله‌هایی جهت گرفتن مرغابیهای دریایی وجود داشت معروفترین آنها:

۱- چاه کله ضلع شمالی تعمیرگاه مرحوم حاج مصیب کوچکی پور حوالی باغ مرحوم علیجان درویش

۲ - چاه کله جنب منزل مرحوم فضل ا... با زیار و سید فتح ا... حسینی و حاج عبدالباقی درویش

۳ - چاه کله حوالی ضلع شرقی میدان الغدیر نرسیده به سبزه رود

۴ - چاه کله حوالی هایگاشن

۵ - چاه کله حوالی رودخانه بره

چاه کله آبگیر دایره‌ای شکلی به شعاع ۲۰ متر که اطرافش با شمشاد به ارتفاع ۳ متر پوشش داده می‌شد و عمق آب آن حدوداً ۸۰ سانتی متر بوده است. وسط کله را به عرض ۱/۵ متر با خزه طوری پوشش می‌دادند که از سطح آب ۲۰ سانتی متر بالاتر بیاید.

صیادان در چند متری چاه کله روی تپه‌های شنی منزلگاهی راتعیبه می‌کردند که به (کیمه) معروف بود و در کنار منزلگاه (کیمه) جایی برای اردکهای محلی که قبلاً تعلیم آوردن مرغابیها را دیده بودند درست می‌کردند تحت عنوان (کِرس). صیادان وقتی از راه دور و بالای تپه‌های شنی متوجه می‌شدند که مرغابیها از دریا بسوی ساحل در حرکت هستند اردکها رابه هوا پرواز می‌دادند. اردکها به هوا می‌رفتند و با خود مرغابیها رابه داخل چاه کله می‌آوردند. آنگاه پس از آوردن مرغابیها توسط اردکها صیادان آرام بسوی چاه کله می‌آمدند صیادان با سنگ ریزه مرغابیها را از اردکها جدا می‌کردند طوری که اردکها محلی متوجه بودند که این سنگ زدن‌ها از سوی صاحبان آنهاست. مرغابیهای دریایی به روی خزه می‌رفتند و اردکها با تعلیمی که قبلاً دیده بودند به گوشه‌های کله (آبگیر) می‌رفتند وقتی که مرغابیها بر روی خزه جمع می‌شدند یکی از دو نفر تور صیادی را که قبلاً تعبیه شده بود با قدرت تمام می‌کشیدند و کلیه مرغابیها که در روی خزه بودند در تور گرفتار می‌شدند و سپس صیادان می‌رفتند و مرغابیها را از زیر تور صیادی در می‌آوردند

این کار فقط در روز انجام می‌شد.

۵۳ - کرات کتی: (انتهای خیابان فرهنگ ۱ و ۲ حوالی شهرک نسترن)

پوشش گیاهی در این ناحیه از جنس درختی بود به نام کرات که تیغ‌های بلند داشت. در جنگل‌های این منطقه حیواناتی از قبیل پلنگ و یوزپلنگ و شغال و گراز زندگی می‌کردند. بطوری که بدون سلاح سرد و گرم امکان ورود انسان به داخل جنگل خطرناک بود. (کتی در اصطلاح محلی به تپه اطلاق می‌شد) «کرات کتی» تپه‌هایی که مملو از درختان کرات بوده است.

۵۴ - گل کتی: (بین مزارع شالیزاری نهر بن و کشتزارهای تاشکوه سفلی باقی

است)

گویند در گذشته‌های دور این منطقه سلاطین نشین بوده است و بعضی هم گویند محل درست کردن کوزه‌های گلی بوده. گل کتی در جلوترها حدود ۱۰ هزار مترمربع بوده. شواهد از این قرار است که در آنجا دفینه‌های زیادی موجود بوده است. که بی ارتباط با زندگی انسانها نبوده است. این مکان امروز فقط ۱۵۰۰ متر مربع مساحت دارد که متعلق به فرزندان مرحوم محمد و ملاحسین و درویش راجی، مرحوم نبی بابایی و مرحوم عزیز حسین زاده می‌باشد که به کشت صیفی جات می‌پردازند.

۵۵ - سرگوشته: (انتهای املاک زراعی لاله جارق را سرگوشته می‌گفتند. گویند

چون ابتدای سرچشمه آب جهت مشروب کردن زمینهای پایین بود به سرگوشته معروف بود.

۵۶ - غلام کیله: (بین املاک زراعی مرحوم غلام غلامی و مرحوم سید باقر

باقری که آب آن مزارع چهارشنبه آقا را مشروب میکرد.

۵۷ - لاروکیله: (ضلع شمالی قبرستان عمومی شهر روبروی منزل مرحوم

آمحمد صدیقی)

امروزه هیچ اثری از رود ولارو (آب معدنی) نیست. گویند در این منطقه چشمه‌هایی داشت که آب آن را با دیگ گرم می‌کردند. به دلیل خاصیت بهداشتی و پاره‌ای اعتقادات جهت درمان بیماریهای پوستی و غیره استفاده می‌کردند.

۵۸ - ليله كلا: (حوالی مزارع برنجکاری اصغر آباد و الله جارک)

آخرین نقطه برنجکاری مردم رویان می‌باشد در گذشته هرکس در آن مزارع کشاورزی می‌کرد بدلیل دور بودن از محل سکونت، رفت و آمد برای آنها مشکل بود.

۵۹ - آقا پیش (آقا پیش):

(حوالی بقعه باستانی جمشید کیا سلطان) بدلیل اعتقادات مذهبی امام زاده به آقا شهرت داشت. آقا پیش یعنی حوالی مزار (امام زاده).

۶۰ - انبار سر: (مکان فعلی مدرسه راهنمایی مدرس)

محلّی بود که کشاورزان پس از تراشیدن برنج و خرمنکوبی، مالیات (خراج) خود را به انبار اداره املاک پهلوی تحویل می‌دادند و رسید دریافت می‌کردند.

بسمه تعالی

اداره کل تربیت بدنی استان مازندران

نمایندگی تربیت بدنی علمده

باشگاه ورزشی رویان علمده

تاریخ

شماره

پوست

از :

به :

موضوع :

تبرستان

www.tabarestan.info

تصویر شماره ۲ - نمونه سربرگ باشگاه ورزشی رویان در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی

باشگاه ورزشی رویان علمده

تاریخ _____
شماره _____
پیوست _____

ورزش

فعالیت ورزشهای رزمی در علمده آغاز شد



علمده - خبرنگار ورزشی
کیهان: فعالیت ورزشهای رزمی
طی مراسم خاصی در علمده
آغاز گردید.
فرآیند خویش که مجرب بوده
مستول رزمی کاران استان
مازندران و خسروی با رزمی
رزمی کاران کشور حضور
داشته و چندین شهروند
علمده از حرکت خوب جوانان
علمده طبعاً کبکد امکانات
قدرتمانی کرده. سپس خسروی
نقش ورزشهای رزمی توان
مرومیت کشور جهت حاضران

مسابقات فوتبال یادواره شهدای ورزشکار «علمده»
به پایان رسید
● علمده - خبرنگار ورزشی کیهان:
تجربیم نور در مسابقات فوتبال یادواره شهدای ورزشکار
علمده به مقام فخرمندی رسید.
این مسابقات چهارمینامی ورزشکار علمده و هیئت مدیره
نمایندگی از طرف باشگاه ورزشی رویان علمده و باشگاه
گرمی این شهر برگزار گردید. مراسم افتتاحیه در کنگره
مآبندگه رویان با حضور هیئت مدیره و هیئت مدیره و هیئت
و قلمه از ره رویان علمده با ترتیب خوب و جویز شد.

۱۳۶۵/۱۱/۲۰

از :
به :
موضوع :

باشگاه ورزشی «رویان» علمده ۳

استعداد از مسئولین

● علمده - خبرنگار ورزشی کیهان:
با توجه به کبکد امکانات، ورزشی فرط علمده و مآبندگه
این شهر از استعدادهای ورزشی خوبی برخوردار میباشد.
مدای از ورزشکاران و ورزشبوسان این شهر جهت بهره
و طبع ورزشی این منطقه با استعداد از مسئولین استان جهت
بازی رساندن به ورزشکاران این شهر باشگاهی نام باشگاه
ورزشی «رویان» در علمده تأسیس نمودند تا چیلوبیله جوانان
ورزشی نوبه و در علمت انقلاب قرار نهند. مسئول این
باشگاه طی نشانی با دفتر نمایندگی کیهان جوانان رویان
مسئولین و توجه بیشتر به ورزش این شهر شد.

تصویر شماره ۳ - شروع فعالیت‌های ورزشی پس از تشکیل باشگاه
ورزشی رویان در رسانه های کشور سال ۱۳۶۵ هجری شمسی

۱۳۶۵/۱۱/۲۰

د شماره ۴ در روز شنبه ۱۳۶۹ سال

سال ۱۳۶۹

۱- عدد - در طرح طبع نشرهای آنست که در طرح حیرت نام حسین (پسر پروانه سرب) و ... است که ...
 ۲- قریب بیست و هفت - حیرت - در طرح و آثار استانی موجود در عرصه داغ و ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...

تبرستان

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

استاندارای مازندران
فرمانداری شهرستان نور

شماره تاریخ پیوست

برادر عباسی مدیرکل محترم ارشاد و سلامی استان مازندران
سلام علیکم

احتراما به پیوست تصویرنامه شماره ۲۸۲۰۶/۶-۷۳/۹/۱۴
اداره کل دفتر امور اجتماعی و انتظامات استانداری مازندران
به ضمیمه ایجاد میگردد علیهذا با عنایت به دستورالعمل
جدید وزارت کشور در خصوص تغییر نام اشعار میناد که
جلسه ای به همین منظور رأس ساعت ۱۰ ده صبح روز چهارشنبه
مورخه ۷۳/۱۰/۷ در محل فرمانداری تشکیل میگردد خواهشمند
است در جلسه مذکور حضور بهم رسانید.

~~مسلم حسین زاده~~
فرماندار شهرستان نور

۱۵۹۸
۷۳/۱۰/۳
گروه فرهنگ

۱- شماره نامه همراهی با زیر لغت (اصول لغت)

تبرستان
www.tabarestan.info



تصویر شماره ۶- بنای بقعه جمشید کیاسلطان به همراه کتیبه موجود در
ضلع شمال شرقی این بقعه که قدمت بنا را می رساند



تصویر شماره ۷- سنگ نبشته (کتیبه) امام زاده جمشید کیا سلطان
قبل از صدمه سارتقان میراث فرهنگی

فهرست (تصویر شماره ۱)

فهرست کتابت کتاب

کتابت در روز ۱۳۹۰/۰۳/۰۵
 در شهر تهران
 در کتابخانه ...
 در حضور ...

که موسی بن جعفر است بسبب چهار روح و رحمت و بیجا چهره و بیجا چهره
 و نبل مختصر و مفاد نام رضوان که در او سه عنوان است کثیر و تفضل و تفضل
 و خانم مشتمل تاریخ کتابت هر ضمیمه و ضمیمه و مجموعاً نه و تو توان حضرت عبدالعظیم
 که در ذیل و ضمن هر یک از این کتابت ثبت و ضبط است بنا بر کتب اشاره میشود

بیجا چهره

مشتمل بر حدیث و فتاوی حضرت علی اعلی و در جناب خانم انبیا و مدح سید زین کولایه عبدالعظیم
 حسن و عموم امامان کان و شرح احوال از حال مولف و وجهه الیغایین کتابت شریف

بیجا چهره

مشتمل بر عزای حضرت زین العابدین و شکر از نعمت خود مبارک پادشاه و عبادت حسنیه که در وقت
 است و آنچه در بابین سلطان نه صیحا مؤید بر ضد مبارک حضرت عبدالعظیم بود
 و آثار خیریه که از ایشان ظاهر شد با ضمایح و فتویفات نمودند و پسند
 مفاد بیجا چهره

سخنوار دارد اول ذکر است آن بعد از نیکو است مشتمل بر اظهار ارادت به
 امامزادگان سبأین بزرگوار و در عین نیکان با بن خانم راده اما در کثیره یعنی برای کلمه
 گوشه مذکور است معنی دم در بیجا چهره است با شان نزول سوره کوز و بیان حکم کوزه
 ذریه و بیان فلذ ذریه نبویه ابدا و بیانات خوش در احوال امام عصر عجل الله فرجه
 و جامعیت آن بزرگوار و در بیجا چهره بیجا چهره و نطق مثل اعدای بن و بیجا
 جمله مشهور در بیجا چهره و مدح فلذ اولاد و حدیث و رضه کافی و حدیث کفایت
 حضرت امام حسن باقر و خاص خواننده غفلت نوزد و در تفضل است مشتمل بر بیان
 اغراض مدح و طایفه و در حق سادات علویه از محسنی بیجا چهره و مطالبی است
 علامه فخر الحنفی آثار قواعد و نقل عبارات از مجموع بیجا چهره در احسان بزرگوار و بیجا
 مشتمل و اشارت شایع در روشی آن مجتهد و اشارت صفی اللہ در خط و اشارت ابو نواسر
 و قول شریازی در حق امام جعفر و رسول و آنچه سلطان محمد صلی الله علیه و آله در بیجا چهره
 در باب صلوات بزرگوار و بیجا چهره و بیجا چهره و بیجا چهره و بیجا چهره

بیم سادات و مدح
 و تفضل سید مؤمنان
 ابو جعفر در مدح آل
 علم و دل و غنای بیجا
 در شرح سحر کتاب
 دوم حکایت کلمه سبأ
 اسمعیل در حکایت
 لا یتدر مدح آل رسول
 و ضمیمه است که راجع
 باشد و حدیث مکار
 مخفی در باب صحیح
 دوم اخبار غایب اطال
 در شرح و مجرب و
 سحر و سبأ دست ادا
 و انکار عبادت بیجا چهره
 و خطبه نبویه و چند
 بلع بعضی بیجا چهره
 مرد عامی وزن سبأ را
 بر جانه سبأ بیجا چهره
 زمان بر گزار شده است
 جنادات و معنی آن
 نادان من سبأ است
 و موضوع سبأ که بیجا
 سادات عظام و طایفه
 مرتبه سبأ یعنی
 مقامی است که در بیجا
 ظلمت است و بیجا چهره

فهرست

روح و پیمان اول

در عهد اول حضرت امام حسن عجلیه و نقل احوال علماء و شرح حال سرفرازان ایشان که در کتاب
شهدت شد تا بویکر و عبدالله و فاسم و کچند شهادت عبدالله و فاسم و عدم عروس و استیضاح
بریدن فاسم بن حسن و حال آن دخترها و جواب سید الشهداء که نسبت از دو دختر بوده است
و شهادت امین حسن و جوابی از شهبه که فاسم بالغ نبوده است که چون میخواست و شقیق احوال که در
استیضاح بین فاسم و درود است و حدیث شریف کتاب عدینه العاجز و غیره و حدیث فاسم و غیره
حدیث شریف و تفسیر کتاب امام حسن و غیره مکتوب انکشاف از نزه گویند و جواب علی که در جواب
فاسم و احادیث صحیح دیگر و مسائل علی علیه السلام در زمان اخفای حضرت زینب کبری و شرح حال
عزیز حسن و مشرک بر زینب معویه خواهد و بیان شایع ناموس و شرح حال عبدالرحمن بن حریز
و شرح حال حسین بن حسن و شرح حال الطاهر بن حسن و شرح حال جعفر بن حسن

روح و پیمان ثانی

در شرح حال حسن بن علی بن حسن و عزیز علی بن علی و علی بن علی بن عباس و حسن بن علی بن عثمان
و بیان احوال زینب الحسین و وفات او و در بدین شرح حال عبدالله بن حسن بن حسن و کماله
با عبدالله سماح و از بنهای مشهور و این بود در بدیه و موارد دیگر و بیام وی حضرت صادق
و استیضاح عبدالله بن عثمان بن الحسن بن محمد بن سجاد و شرح تعلق حضرت صادق برای عبدالله و زینب
سادات و کثرت ازین مردم و عبدالله بن حسن و طاهر بن حسن که مرده فروع الایجاب است
و شرح حال محمد بن حسن بن کبیر و ابراهیم بن ادریس بن قتیل بن امری و شهادتشان بدین مشهور و شرح
حال جعفر صاحب پل فرزند عبدالله بن حسن بن خویزن زبیری در حضرت زینب کبری و در هلاکت او
و هلاکت مریم یقیم دادن حضرت صادق و مدت غم خویش زیاد و شهادت او درین کتاب
مرده صاحب التراب با مریدان زینب و شرح حال موسی بن عبدالله معری و غیره و غرضی
از حال حسین بن علی شهبخ با مراد می آید

روح و پیمان سومی

در شرح حال زینب بن علی بن ابیطالب که حدیث حضرت عبدالعظیم است و اخبار دیگر در آنستاد
شیخ معتد علیه السلام و روح وی سببه است و شواهد مبسوطه دیگر و شرح زینب بن علی بن
الحسین و غیر آنکه در خانه امیر مومنان که زینب را و ساکن بود و حدیث شریف در هلاکت زینب
و زینب علی و آمدن زینب شام و کوفه و شهادت او و خوابیدن زینب حضرت رسول را و در شهر
چهارین زینب و سید اسمعیل عری و بیان سمر طلب **مطلب اول** در بیان سمر طلب

و زینب بن علی بن زینب
در وصف کافی در شهر کربلا
چون زینب سادات است
در طهران مد فوشت و
عازان بکنده فرموده و پیاده
عازان و وضو است مفسر آثار
عبدالحسین طهران

در شرح احوال اجداد حضرت
العظیم و مرز بن حلال
شمار و شرح حال سید غفر
ست استیضاح و حلال مقام و
فرستادن و حکومت حسن
سلم در مدح حسن بن زینب و
در بیان حضرت صادق و
مشغل از احوال امام زاده حسن
بن محمد و عقیده مؤلف و نحو
حدیث حضرت عبدالعظیم علی
و بیان عرض و شرح حال او
که بیانها مشهور شده اند و

در شرح کینه زینب اسم مبارک
اول اسم و دم بعضی از کینه ها
سرفتن فقره **اول**
تفسیر و بیان هر یک و مع
باشرا بط حدیث و اخبار امانا

دفین

از دور و نزدیک

«علمده» بین شهر و روستا بودن

بلا تکلیف است

علمده و پنج کیلومتری شهرستان اور، که چشم انداز روستا و طبیعت بی نظیر آن را در بر گرفته است، از نظر اقلیمی و آب و هوایی با شهرهای اطراف تفاوت دارد. این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد. این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد.

این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد. این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد.

این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد. این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد.

نظرات مردم

مردم شهر علمده که یکی از روستاهای محلی و مسکون است، در خصوص مشکلات این روستا اظهار نظر می‌کنند. آن‌ها می‌گویند که این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد.



نگار فرهنگی

در این بخش به معرفی برخی از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم محلی در منطقه علمده پرداخته می‌شود. این بخش به معرفی برخی از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم محلی در منطقه علمده پرداخته می‌شود.

یکی از جوانان برای جوانان علمده طرح امکانات تفریحی و ورزشی و مسعود ندارد

یکی از جوانان محلی در خصوص مشکلات این روستا اظهار نظر می‌کنند. آن‌ها می‌گویند که این روستا در دامنه‌های رشته کوه علمده می‌گردد اما با سایر روستاها و شهرهای اطراف تفاوت دارد.

مردی و نثری

چرا مسئول افزایش بهای آب شده اند؟

در این بخش به بررسی دلایل افزایش بهای آب در منطقه علمده پرداخته می‌شود. این بخش به بررسی دلایل افزایش بهای آب در منطقه علمده پرداخته می‌شود.

شهرآورد از علمده

در این بخش به معرفی برخی از شهرآورد و محصولات محلی در منطقه علمده پرداخته می‌شود. این بخش به معرفی برخی از شهرآورد و محصولات محلی در منطقه علمده پرداخته می‌شود.

تصویر شماره ۱۲ - به تصویر کشاندن اثر توسط مطبوعات

شماره
تاریخ ۱۳۸۵ / ۱۲ / ۱۶
پوست

وزارت کشور

استانداردی مازندران

شماره ۲۱۰۱
تاریخ ۱۳۸۵ / ۱۲ / ۱۶
رونوشت شرح فوق تعقیب نامه شماره ۲۹ / ۳۰ - ۴۵ / ۱۲ / ۱۳ جهت اطلاع بشهرداری

www.tabarestan.info

المده ارسال میشود . م

رئیس استاندار مازندران - صدری

۱۱-
۴۸ / ۱۶
۹
مستاد
گزارش



شهرداری المده

صیت مهر

شماره
تاریخ
پوست

تذکره
المده فقط
فردی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وزارت آموزش عالی
 استانداری مازندران
 فرمانداری شهرستان نور

شماره تاریخ پیوست

۲۲/۱۰/۷۷ ۱۸۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم
 استان مازندران

وزارت آموزش عالی شهرستان نور

احتراماً به پیروی دعوت نامه شماره ۱۹۹۸ - ۲۲/۱۰/۷۷ جهت اعلام
 گذاری راس ساعت ۱۰ صبح روز فوشنبه ۲۲/۱۰/۷۷ در محل
 فرمانداری تشکیل میگردد خواهشمند است ساعت مقرر در محل
 یاد شده حضور بهم رسانید.

معلم حسین زاده

فرماندار شهرستان نور

رونوشت - برای اصدای معاونت محترم دفتر آموزش و

مسئول قسیمات کنونی در استان مازندران جهت اطلاع و فرست

درجستجه مزبور

شهرداری جهت اطلاع و شرکت در جلسه یاد شده.

آموزش و پرورش

بخشدار مرکزی

اداره بخت نور

بنیاد نیا زنان

بنیاد شهید

با زمان تبلیغات

برای دران - پلا زبار - محمدرضا ده - قوام بنیادیس

تصویر شماره ۱۰ - دعوت نامه مجدد جهت تغییر نام

دفتر فنی استانداری هازندران

رح هادی علمده

مرحله اول

شهر اری عمده دارای واحد آتش نشانی است. این واحد در زمینی به مساحت ۱۵ متر مربع در خیابان پاسداری روبروی مدرسه دخترانه جهاد دانش گردیده است. آتش نشانی عمده دارای ۵ نفر پرسنل بوده و دارای یک دستگاه ماشین آتش نشانی جهت استفاده در موارد وقوع حریق میباشد. مجهز بودن آتش نشانی در شهری مانند عمده که در جوار جنگل قرار دارد یک ضرورت اساسی است و لذا تجهیز آن با وسایل و امکانات کافی و پیشرفته اطباء آتش فویا" مورد توصیه و تأیید میباشد.

گورستان شربا حدود ۲۰۰۰ متر مربع مساحت در موقعیت نامناسبی در مرکز شهر زیر خیابان امام خمینی و ابتدای خیابان شهید جاسع قرار گرفته و ساختن سالن آن که تنها ۲۰ متر مربع مساحت دارد قدیمی و فاقد تجهیزات آتش نشانی است گورستان سالن زیر نظر شهرداری اداره میگردد.

۵- ابنیه تاریخی :

بنای تاریخی موجود در عمده بقعه شمشید کیا سلطان میباشد. بنا بر مندرجات زیارتنامه بقعه، شمشید کیا سلطان بنا استا کیا سلطان فرزند سون فرزند امام موسی کاظم علیه السلام است. این بقعه طبق آنچه در کتب آن آمده است در سال ۸۸۱ هجری قمری توسط ملک کبیر مرث از حکام آل زیار بنا گردیده است. بقعه شمشید کیا سلطان که تنها بنای تاریخی و زیارتگاه عمده میباشد روی تپه

پژوهشگران مشاور بعد تکنیک معماری و شهرسازی



دفتر فنی استانداری هازندران

رح هادی علمده

مرحله اول

کوچکی واقع گردیده است. طرح معماری این بقعه با سایر بقاع موجود در منطقه یکسان است و این یکسانی احتمال مستقول مشهور دانش بر اینکه همه بقاع منطقه در دوره حکومت ملک کبیر مرث و به دستور وی ساخته شده اند را تقویت میکند.

رودی زیارتگاه در شرق آن قرار گرفته و پس از ورود، ضلعی زائر ابتدا با مسجد کوچکی به ابعاد ۸ x ۵ متر مربع مواجه میگردد که در سه ضلعی کاشته محل تعلیم و تعلم بوده و بنا بر طبقه بعضی از محققین نامیده شدن این نقطه به عمده یا علم ده از وجود همین مرکز علمی در این نقطه در قدیم مشتق گرفته است. بقعه شمشید کیا سلطان زیارتگاه بوده و لذا از گذشته دور ضرورت عدم دخالت کابندی در فضای نزدیک و فراقبر آن و رعایت حریم این فضای مذهبی - تاریخی مورد توجه مردم منطقه بوده است.

۸-۵- محدوده موبشهر :

محدوده قانونی فعلی شهر ۲۶ سال پیش در سال ۱۳۴۵ طبق ماده ۲ قانون شهر اریبا تصویب گردیده است. طبق محدوده مذکور شهر از شمال به دریا از جنوب به آستانه کشان، از غرب به هله و مرز و از شرق به پهل بر (چهارمکنده عمده و شور) محدود میگردد.

پس از تهیه طرح هادی جعفر محدود، پیشنهادی طرح برای شهر، در صورت تصویب

پژوهشگران مشاور بعد تکنیک معماری و شهرسازی



تصویر شماره ۱-۹ تا ۹-۶: تاریخچه شهر رویان (علمده) که توسط دفتر فنی استانداری پیکارش در آمد.

فلسفه استانداری و کار نادران

هادی علمداده

مرحله اول

شده و به مرور زمان به عمده که تلفظ آن آسانتر است، مبدل میشود .
اهد اثبتمه مورد بحث بدنبال حادثه ای صورت گرفت است که ذکر آن از آنجیب که
در همین حال گوشه های دیگری از تاریخ منطقه و محل را نمایان میسازد . واجد
مناسبت است :

زمانی که تیمور لنگ کورگانی به ایران حمله آورد ملک کیومرث بن ملک
بیستون بر رویان حکومت داشت . او از لشکریان تیمور شکست خورد و به اسارت
به شهر از برده شد و محبوس گردید . چنانچه مشهور است در زندان نذر میکند
چنانچه از دلت اسارت رهایی باید برای مز ارسادات و بزرگان بقسمه و بارگاہ
بنا کند . چندی بعد از زندان طلای یافت و به رستمدر مسادوت کرده و به
جیله ای وارد قلمه میگردد و پس از قتل قلمه بران و زن او که خواهر ملک
کیومرث بوده و با پشتیبانی سربازان "مجددا" بر اریکه حکومت تکیه میکند و
آنگاه درحد ادای نذر خود برآمده و به اهداث بقسمه برای مقابله سادات و
امامز ادعای منطقه رویان در شمال کشور میبادرت نمائید . بقاع امامز ادعای
موجود در این منطقه از جمله بقعه امامزاده ابراهیم در آمل بقعه سر سلسله
سادات برعشی از اعیان حضرت علی بن الحسین علیه السلام ، بقعه خالو کیبا
سلطان در چستان نور آموذشت ، بقعه آقا سید علی کیبا سلطان در خیروند و

بین مشاور بعد تکنیک معماری و شهرسازی



فلسفه استانداری و کار نادران

هادی علمداده

مرحله اول

بقعه اتافل کیبا در گوچر کلادشت ، بقعه مهر نظیر یا طاهر نظیر در هزار
خال کجور و سایر بقاع متبرکه در پهلانات کجور و همچنین بقعه چشید کیبا
سلطان در علم ده توسط ملک کیومرث و در جریان ادای نذری که کرده بود
ساخته شدند و البته در طول زمان صیقلها مرمت گردید اند . در مورد محل
و نوع و سایر مشخصات این بقعه در مبحث انبیه تاریخی با تفصیل بیشتری سخن
گفته خواهد شد و در اینجا درحی که سخن از تاریخ در میان است باید مجددا "
ذکر شود تاریخ اهداث بقعه در کتیبه آن ۸۵۱ هجری قمری لید شده که با توجه
باینکه جلال الدوله ملک کیومرث در سال ۸۱۷ هجری قمری به حکومت دیلمان
رسیده و در سال ۸۵۲ هجری قمری وگات پالاسته . محتملن کتیبه از لحاظ
انتساب بنای بقعه به ملک کیومرث محرز و مدلل است و لذا قدر مسلم آن است
که عمده لافل از سالیانی چند پیش از آنکه چشید کیبا سلطانسی در آن مدفون
گردد ، مسکون و معمور بوده است .

۱-۱- توپوگرافی ، ضمیمای اقلی ، عوامل طبیعی و عوامل محدود کننده توسعه ؛
علمده بر کناره دریا واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا لفظ ۲ متر است ،
جهت ضمیمه کنی شهر از جنوب ب طرف شمال و بعبارت دیگر از اراضی مرزومی شمال
میا ساو و تاشکوه فلسی ب طرف دریا میباشد . در مورد سوانح و امکانات توسعه

بین مشاور بعد تکنیک معماری و شهرسازی



دفتر فنی استناداری سازمان

هادی علامه

مرحله اول

۱- تاریخچه عمده

قدمت عمده به حدود ۷۰۰ سال یعنی دوره ای که در آن بنامه سبیر که اشکاف سلطان یا چشید کیا سلطان در این نقطه ، توسط ملک کیوسرت از حکام دیلمان و منسوب به سلسله آل زیهار بنا گردیده ، میرسد . منطقه فر اکیس عمده در آن هر رویان یا کجور- رویان و کلار نامیده می شده که حدود و نشور آن با شور ، کجور و کلارستاق امروز مطابقت می کرده است . عمده در تاریخ خود با رویان به حد زیادی تریک است لذا در شرح تاریخ این شهر بحث را از سابقه تاریخی منطقه دربرگیرنده عمده آغاز می کنیم :

بطوریکه در متون تاریخی آمده است اولین حکومت علوی در این منطقه و شمال ایران در سال ۳۵۰ هجری قمری تاسیس گردید . در سال پاد شده حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب طایفه اهل کلبه به " دام کبیر " به دعوت سید محمد کیا امیر سالخان کجور از طریق کوههای نور وارد سالخان شده و به ارشاد مردم پرداخته و جماعتی از مردم با او بیعت کرده و در شهر کجور انزلیان که اکنون آثار آن در فریه کجور بجا مانده است ، سکنی میگزینند و سپس با دعای از مردم آن شهر که مرید وی بودند از طریق لباویج به پای دشت که امروزه در چستان واقع است وارد شده و از آنجا به شهر آمل حمله کرده

تاسیس مشاور و بعد تکنیک معماری و شیرازی



دفتر فنی استناداری سازمان

شرح هادی علامه

مرحله اول

و سپس از مغلوب نمونه حاکم شهر و قماردن نماینده حکومت علوی در آمل مر اجمت نموده و هر منطقه ای بین شور و چستان که اکنون یوخیده از جنگل است و آثاری نیز در آن باقی می ماند و نامش را نیز شامل می ده مستقر شده و این منطقه چنانکه گفته میشود مرکز نظامی حکومت طویان بوده است . نهایت اینکه شور و کجور و کلارستاق به شمول عمده که در آن زمان به رویان اشتباه شده سابقه تاریخی دیرینه داشته و در سه سوم هجری تقامی تا بدان حد مجبور بوده اند که بمغولان مرکز حکومت طویان برگزیده می شوند . اما عمده نیز در حدود همان دوره موجودیت داشته و وجود آن در دوره طویان بنا بر شتن کتیبه منظر که در بنامه اشکاف سلطان در ۸۵۱ هجری قمری حرز است . قرائتی وجود دارد که بر اساس آنها عمده لفظ دگرگون شده " علم ده " در طول قرون و اعمار می باشد که تفصیل آن به این شرح است :

در آن ادوار که مراکز علمی و آموزشی محدود و از اینسو مورد احترام و حاضر اهمیت زیاد بوده اند . در سنتی از بنامه چشید کیا سلطان واقع در این نقطه . مسجدی وجود داشته که از آن بعنوان مکتب خانه و محل تدریس و تدریس نیز استفاده می شده و از این جهت این نقطه به " علم ده " در گویش محلی مازندرانی (معادل ده علم یا روستای علم در فارسی متداول) موسوم

تاسیس مشاور و بعد تکنیک معماری و شیرازی





www.tabarestan.info



تصویر شماره ۱۳- شغل‌های مختلف محل کسب خود را با پیشوند یا پسوندد رویان مزین کردند





بسمه تعالی
وزارت کشور
استانداری مازندران
فرمانداری شهرستان نور

شماره تاریخ ریوست

با ضبط (الم) المده یعنی محل درد آمده است که در مورد وجه تسمیه آن به نقل از عده‌ای از مظالمین محلی مکان حل و فصل اختلافات و نزاعهای محلی و مصالحه بین طرفین بوده است به همین خاطر المده نامیده میشد. کما اینکه این موضوع در تاریخ رویان اولیا، ۱۰۰۱ آملی به تصحیح دکتر ستوده صفحه ۱۱۹ و عباس خلیلی صفحه ۸۵ نیز چنین آمده است
چه رویان همیشه مقام حصین بوده است و اصحاب و قایح را که خوف حاصل میشد از هر جانبی روی بدیشان مینهادند چه ایشان اصحاب تمکین بودند و به اعتماد و امانت و موصوف و بیگانگان دست تغلب بر ایشان نتوانستند دراز کردن. از این جهت - پناهگاه مردم بوده‌اند و آستانه ایشان ملجاء اکابرو مامن اصغر بود و با اجانب محذر و ناجوانمردی نکردند، هم اضاذ از صلابت ایشان مظلوظ بودند هم اکابر به مدد ایشان از کید اعداء مظلوظ. لذا با وجود گسترش عدالت عمومی به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران توسط مراکز مجری قانون اسم فوق نارسا بودن معنای آن مفهومی خلاف، مفهومی اصلی را به ذهن متبادر می‌نماید و چه بسا دستاویزی برای توهین و تحقیر مردم المده توسط عده‌ای نابخرد گردد.
ش وجود یکمصد خانواده‌ها با پسوند خانوادگی رویانیان در منطقه و تابلوهایی که صاحبان حرف مختلف با عنوان رویان بر سر در منازل خود نصب نمودند و طومارهایی با بیش از چند هزار امضاء همه نشانگر علاقمندی مردم به واژه رویان می‌باشند.
در دفتر فنی استانداری مازندران در طرح‌های المده در صفحه ۴۲ خود المده را جزیی از خاک رویان دانسته است منطقه فراگیر علمده در آن عصر رویان و کلار نامیده شده که حدود و شعور آن با نور و کجور و کلارستاق امروز مطابقت میکرده است علمده در تاریخ خود با رویان با حدود زیادی شریک است که تصویر آن بهیوست ارسال میگردد.
با توجه به مشروح بهانات مستدل و مدلل تاریخی از ناحیه استاد تاریخ دانشگاه برادر بنیانی و تأیید دبیران جغرافیا و ادبیات فارسی حاضر در جلسه و سایر مدعوین و مسئولین در خصوص اینکه علمده جزیی از خاک رویان و مرکز قشلاقی آن بوده متفق - القول تغییر نام المده به رویان را تأیید و تصویب کردند.

- ((جلسه رأس ساعت ۱۲ ظهر در محل جلسات به پایان رسید / ی))
- ۱- برادر عباسی - مدیر کل ارشاد اسلامی نماینده استانداری مازندران
 - ۲- برادر احمدی - معاونت اداره کل امور اجتماعی و انتخابات و مشول تقسیمات کشوری
 - ۳- " مسلم حسین زاده - فرماندار شهرستان نور
 - ۴- " حجت الاسلام والمسلمین اسلامی - رئیس سازمان تبلیغات اسلامی نور و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
 - ۵- " سید هاشم حسینی - رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نور
 - ۶- " قوام الدین بنیانی - استاد تاریخ دانشگاه
 - ۷- " سیف اله محمود زاده - دبیر جغرافیا
 - ۸- " حمزه علی بازیار - دبیر ادبیات فارسی

تصویر شماره ۱-۱۴ الی ۴-۱۴ صور تجلسه شورای نامگذاری مستقر در فرمانداری نور جهت تغییر نام المده به رویان ۱۳/۱۰/۱۲



بسمه تعالی
وزارت کشور
استاندارای مازندران
فرماندار شهرستان نور

شماره تاریخ پیوست

به منابع فوق بخشهای جغرافیایی زیر را جزء خاگ رویان دانست .

- ۱- کوهستانی شامل کلارستاق - بهرون بشم - میان بشم - وکلاردشت .
- ۲- کجور (قسمت کوهستانی) شامل زندرستاق - پنجله رستاق - زانوسن رستاق - میخ ساز رستاق - خورشیدرستاق .
- ۳- کجور قسمت دشت و سرزمینهای هموار شامل گران ، خیرودکنار ، بندپسی ، چالیدر ، کلورودپی ، کچه رستاق و
از (مقدمه دکتر ستوده بر تاریخ رویان) .

که بنا به نقل رابنیو در کتاب مازندران و استرآباد ترجمه وحید مازندرانی از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب صفحه

۱۴۹ المده بخشی از منطقه کچه رستاق رویان می باشد .

بنا به نقل دکتر ستوده در کتاب از آستارا تا آستارآباد صفحه ۲۳۹ المده مرکز قشلاقی کجور رویان می باشد .

دکتر مشکور در کتاب جغرافیای تاریخی ایران قدیم در بحث شاهراههای طبرستان صفحه ۳۳۰ آورده است .

از آمل روی به بندر تاریخی ((الهم)) که در رویان قرار داشت و امروز آن را اهل مده (المده . علمده) بندر گویند

مسمودی گویند که بین آن (المده) و آمل یک ساعت . امطخری بین آن (المده) و آمل را چهار ساعت نوشته که درست تر

است .

امطخری در مسالک الممالک صفحه ۱۶۹ در مورد شهرهای بزرگ طبرستان مینویسد :

..... و آمل و نائل و سالوس چشمه الهم (المده فعلی) و ممطینسرو

که چشمه آب پسری ، و سرچشمه در المده فعلی وجود دارد .

با توجه به مطالب گفته شده به دلایل زیر اهالی المده خواهان تغییر نام المده به رویان می باشند :

۱- با توجه به مطالب گفته شده به استناد مورخین متقدم و متأخر از قبیل رابنیو منطقه المده بخش مهمی از سرزمین

رویان به شمار می رفت .

۲- المده مرکز ثقل بسیاری از حوادث تاریخی بوده است که ذیلاً " به دو مورد آن اشاره می کرد :

الف : چراغعلی اعظمی سنگری در توضیح حوادث سالهای ۵۷۰ - ۵۲۵ در عهد استاندار کیکاوس پور هزار اسپ به نقل

از مرعشی می نویسد بزرگان طبرستان میانجیگری کردند و بنیاد صلح نهادند تجدید عهد کرد و



صورتجلسه مورخه ۲۳/۱۰/۱۲ شورای نامگذاری

بر اساس تقاضای تغییر نام شهر علمده از ناحیه اهالی علمده به رویان و نام شماره ۳۸۲۰۹/۶ - ۲۳/۹/۱۴ اداره کل امور اجتماعی استان مازندران و دعوتنامه شماره ۹۸۹۱ - ۲۳/۱۰/۷ فرمانداری شهرستان نور جلسه ای راس ساعت ۱۰ صبح مورخه ۲۳/۱۰/۱۲ در دفتر فرماندارگنور تشکیل گردید .

جلسه با تلاوت آیاتی از کلام ۰۰۰۰ مجید آغاز و در پی آن برادر حسین زاده فرماندار محترم شهرستان نور ضمن خیر مقدم و گزارش مختصر در این خصوص بیاناتی ایراد ، و آنگاه برادر احمدی معاونت محترم اداره کل امور اجتماعسی در رابطه با نحوه تقسیمات کشوری بر اساس دستور جدید وزارت محترم کشور مطالبی بیان داشتند .
در پی آن برادر قوام الدین بینایی استاد تاریخ دانشگاه در خصوص جغرافیای تاریخی رویان (المده) سخنانی مشروح با ذکر دلایل مستند تاریخی شرح ذیل عنوان نمودند .

وجه تسمیه رویان

نام این خاله آباهکنسال در زامیادبشت (قسمتی از اوستا) راوی دیتا Raoidhita یعنی کوهی که رنگ آن به سرخی میزند و در بُند هشن رویش مند Royishnmand آمده است . از مقدمه دکنر ستوده بر کتاب تاریخ رویان اولیا ، الله آملی صفحه ۷ چاپ ۱۳۲۷ لغتنامه دهخدا ذیل کلمه رویان آورده است : روینده صفحه ۱۰۹۴۲ چاپ جدید با توجه به معنی لغوی آن بی ارتباط با سرسبزی و رویش گیاهان سرخ نام ، آلاله ها ، در منطقه نباشد .

پیشینه تاریخی المده به عنوان بخش از رویان

نام رویان در منابع متقدم زیر آمده است :

- ۱- از قبیل مسالکالمالک اصطخری که در حدود سالهای ۳۲۲ - ۳۸۸ تألیف گردیده در صفحه ۲۰۶ .
- ۲- حدودالمالجمن المشرق الی المغرب که به سال ۳۷۲ قمری تألیف شده صفحه ۱۵ - ۱۴۳ .
- ۳- نسخه المدهر که در حدود سالهای ۷۲۷ - ۶۵۴ قمری توسط دمشقی تألیف گردید صفحه ۲۲۶ .
- ۴- البلدان ابوالفدا در صفحات ۳ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۳ و ۱۵۷ و که جهت جلوگیری از تطویل کلام میتوان با توجه



جمهوری اسلامی ایران

فدازرت کشور

استاندارای مازندران

شماره ۴ / ۴۵۲۸۵ / بیخ ۱۳۷۲/۱۷

د پسته قتالی

تبرستان

www.tabarestan.info

برادر تابش

معاونت محترم سیاسی و اجتماعی وزارت کشور

موضوع: تغییر نام

سلام علیکم

احتراماً عطف بنامه های شماره ۲/۲۲/۶۹۸ مورخ ۱۳۷۱/۱/۳۱ و ۳۲/۱۵۳۳ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۲ ، بدینوسیله تصاویرنامه های شماره ۷۸۳۳ مورخ ۱۳۷۳/۹/۱ فرمانداری بهشهر و ۱۰۵۸۰ مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۲ فرمانداری نور منضم به فتوکی صورتجلسات مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۵ و ۱۳۷۳/۱۰/۱۲ کمیسیون نامگذاری شهرستان و طومار پارچه ای و عکس و پنج برگ اسناد مربوطه در خصوص پیشنهاد تغییر نام بخش یانه سر به بخش ولی عصر (عج) و شهر علمده به شهر رویان پیوست ایفاد میگردد. با عنایت به بررسی های بعمل آمده توسط متخصصین امر مبنی بر طاغوتی و نامناسب بودن نام فعلی بخش یانه سر و شهر علمده و درخواست متعدد ساکنین مناطق موصوف در تغییر نام آنها و تائید اعضای کمیسیون نامگذاری مطابق مستندات ممنونه مستدعی است دستور فرمائید نسبت به اجابت درخواست مطروحه اقدام مساعد مبذول و نتیجه را امر به ابلاغ فرمایند. ل. ۱۵۲۲

علی اصغر گرانمایه
استاندار مازندران

تصویر شماره ۱۶: ارسال نامه استانداری مازندران به همراه ملحقات جهت تغییر نام شهر المده به رویان به وزارت کشور سال ۱۳۷۳ هجری شمسی



بسمه تعالی
وزارت کشور
استانداری مازندران
فرمانداری شهرستان نور

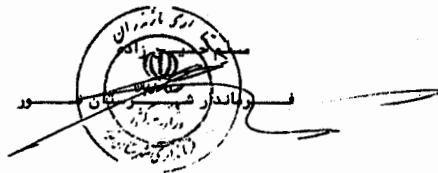
شماره ۱۱۳۳۵ تاریخ ۲۰/۱۱/۷۷ پیوست

برادر بزرگوار جناب آقای مهندس مسعود درویش

با سلام و تحیات الهی .

نظر باینکه شورای ورزشی شهر علمده با حمایت نهاد محترم ریاست جمهوری ، اداره کل تربیت بدنی استان مازندران ، فرمانداری شهرستان نور ، شهرداری علمده و مردم خیر منطبق نسبت به احداث سالن سر پوشیده که تنها نقطه امید جوانان ورزشکار علمده با چهل (۴۰) آبنای اطراف آن میباشد اقدام نموده و تاکنون عملیات فنداسیون و نصب سوله آن با پشتکار شورای ورزشی انجام گرفته و پوشش آن نیز در دست اقدام میباشد و از آنجائیکه شورای ورزشی جنابعالی را بمنوان فردی خیر و طالب ورزش از منطقه کجور معرفی کرده اند و به این امر نیز می‌بالند چا دارد در این راستا در تسریع ساخت آن (دیوار چینی - نصب سکوها و ...) به طریق مقتضی شورای ورزشی را حمایت نموده . شایان ذکر است شورای ورزشی دارای شماره حساب بانکی بشماره ۸۰۰ نزد بانک ملت شعبه علمده میباشد که زیر نظر اداره تربیت بدنی و فرمانداری نور عمل می‌نماید خداوند به همه انسانهای خیر خصوصا " حضرتعالی اجرومزد اخروی عطا فرماید .

قبلا" از همکاری شما متشکر میشد /۰ ی



تصویر شماره ۱۷: مرقومه ای که قرار شد از طرف حاج الیاس محمودی به مهندس مسعود درویش جهت دریافت کمک به احداث سالن ورزشی داده شود در زمان بردن نامه تغییر نام از استانداری به وزارت کشور این نامه به آقای محمودی با حضور اینجانبان حمزه علی بازیار - احمد ابراهیمی کامران قائمی تحویل داده شده است

تهران ۲۳/۱۱/۱۰
مرکز دادرسی دولتی جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران

رئیس‌جمهور

تصویب هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۸ قانون‌نمای

ت/۱۳۹۳/۱

۲۸۸۴

شماره
تاریخ ۱۳۸۶/۴/۲۶

بسمه تعالی

وزارت کشور

اکثریت وزرای عضو کمیسیون سیاسی - دفاعی هیأت دولت در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۲/۳۰
 بسا توجه به اختیار تفویضی هیأت وزیران (موضوع تصویبنامه شماره ۹۳۸۰۸/ت/۹۰۷
 مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۲) بنابه پیشنهاد شماره ۱۸/۲۲/۱۲ مورخ ۱۳۷۲/۱/۱۲ وزارت کشور و به استناد
 ماده (۱۳) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری - مصوب ۱۳۶۲ - تصویب نمودند:

- ۱- نام روستای باسکله جانی تابع دهستان آسان‌آباد بخش مرکزی شهرستان شیروان و چرداول در تابعیت استان ایلام به روستای قاطمیه تغییر یابد.
- ۲- نام شهر علمده تابع بخش مرکزی شهرستان نور در تابعیت استان مازندران به شهر رویان تغییر یابد.
- ۳- نام بخش شوراب تابع شهرستان فارس در تابعیت استان چهارمحال و بختیاری به بخش کوه‌رنگ تغییر یابد.

این تصویبنامه در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۰ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

بسمه تعالی

حاج حسین حبیبی
 معاون اول رئیس‌جمهور
 ۱۳۷۵ / ۲ / ۲

بسمه تعالی
 آقای دکتر...
 آقای...
 آقای...

رونوشت به دفتر مقام معظم رهبری، دفتر رئیس‌جمهور، دفتر رییس قوه قضائیه، دفتر معاون اول
 رئیس‌جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری، سازمان امور اداری و استخدامی
 کشور، دیوان محاسبات، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، اداره کل حقوقی، اداره کل قوانین و
 مقررات کشور، دفتر امور مناطق محروم کشور - ریاست جمهوری، دفتر هیأت دولت و روزنامه رسمی
 جمهوری اسلامی ایران ابلاغ می‌شود.

نظر هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۸ تصویب هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۸

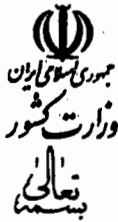
وزارت کشور
 پانزدهمین معاونت سیاسی و اجتماعی
 ۴۱۳۴۵
 ۳۰۷ - ۵۶

۲۵۴
 ۲۰۱۳
 ۲۰۱۳

۱/۴

تصویر شماره ۱۸: مصوبه هیئت وزیران در رابطه با تغییر نام علمده به رویان

دستوریز



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

بسم الله تعالی

تاریخ: ۲۸ - ۴ - ۷۵

استانداری محترم مازندران

سلام علیکم

تصویر مصوبه شماره ۲۸۸۴/ت/۱۴۹۲۳ک مورخ ۷۵/۳/۲۶ هیئت محترم دولت مبنی بر تغییر نام شهر علمده تابع بخش مرکزی شهرستان نور از توابع آن استان به شهر رویان و ... پیوست ارسال میشود. مقتضی است دستور فرمائید اقدامات لازم معمول نمایند. /ش/.

علی محمد بشارتی
۷۵/۴/۲۸

وزیر کشور

- بانتظام تصویر مصوبه
- گيرندگان - فرهنگت
 - حوزه معاونت اداری و مالی
 - حوزه معاونت سیاسی اجتماعی
 - حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس
 - حوزه معاونت هماهنگی امور عمرانی
 - حوزه معاونت طرح و برنامه
 - حوزه معاونت امنیتی انتظامی
 - سازمان ثبت احوال کشور
 - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - دفتر وزارتی
 - دفتر تشکیلات و بهبود روشها
 - دفتر انتخابات
 - اداره کل امور اداری
 - اداره کل امور سیاسی
 - دفتر اطلاعات، انتشارات و روابط عمومی
 - دفتر تقسیمات کشوری

ورود به قرار استانداری نور
تاریخ: ۷۵/۴/۲۸
شماره: ۱۵۰۴۱۴

۱۵۰۴۱۴
صاحب اسامی
تاریخ: ۷۵/۴/۲۸
وزیر کشور

تصویر شماره ۱۹: ارسال مصوبه دولت به استانداری مازندران جهت تغییر نام



جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

استاندارداری مازندران

شماره ع / ۵۰۴ / ۱ / ۳ / ۱۳۷۵/۱۲

بسمه تعالی

فرمانداری محترم شهرستان نور

موضوع : تغییر نام

سلام علیکم

تبرستان
www.tabarestan.info

تصویر نامه شماره ۱/۲/۲۲/۲۵۲۵ مورخه ۷۵/۴/۲۴
وزیر محترم کشور به ضمیمه محوبه شماره ۲۸۸۴/ت/۱۴۹۲۳
مورخه ۷۵/۳/۲۶ هیات محترم وزیران درخصوص تغییر نام
شهر علمده به شهر رویان ارسال میگردد. مقتضی است جهت
اجرای محوبه مراتب به کلیه دستگاههای اداری و نهادهای
انقلاب اسلامی و انتظامی و نظامی استان و آن شهرستان ارسال
و نتیجه اقدامات را به استانداری اعلام دارند. ۶۶۴۲/۵/۳/ل/۰

عبدالرحیم باقرزاده

معاون سیاسی و امنیتی

د ا ن

رونوشت :

* به انضمام فتوکپی محوبه جهت استحضار مکاتوبین محترم
استانداری

* به انضمام فتوکپی محوبه جهت استحضار جناب حاج
احمد آقای ناطقنوری نماینده محترم مردم نور و محمودآباد
در مجلس شورای اسلامی .

تصویر شماره ۱-۲۰ و ۲-۲۰: ارسال نامه وزیر کشور از سوی استانداری به فرمانداری نور
در رابطه با تغییر نام علمده به رویان

بسمه - الی
وزارت کشور
استانداری مازندران
فرمانداری شهرستان نور

شماره ۳۲۵۸ تاریخ ۱۵/۴/۷۵
شماره ۷۵/۵/۳

شهرداری محترم شهرویان

سلام علیکم

احسب استزاما^۱ بدینوسیله تصویر نامه شماره ۱۵۰۴۱/۲ - ۷۵/۵/۳

معاونت سیاسی و امنیتی استانداری مازندران منقسم به تصویر نامه

شماره ۲/۲۲/۲۵۲۵ - ۷۵/۲/۲۴ وزارت کشور و تصویر مصوبه شماره

۲۸۸۲/ت - ۱۲۹۲۳ ک مورخ ۷۵/۳/۲۶ هجرت محترم دولت مبنی بر

تفسیر نام شهسرویان جهت اطلاع و اقدام لازم ارسال میگردد

مسلم حسین زاده

فرماندار شهرستان نور

رونوشت جهت اطلاع و اقدام به

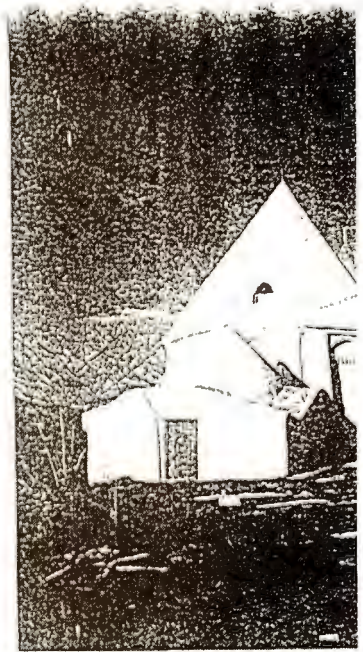
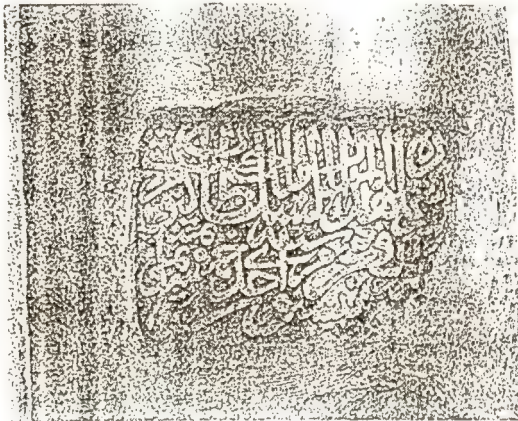
اداره ارسال میگردد



تصویر ۲۱: نمونه تقدیر مردم از تلاشگران در تغییر نام شهر رویان



www.tabarestan.info



تصویر ۲۲: سردر شهرداری رویان و بقعه باستانی جمشید کیا سلطان

❑ نافعیه رویان در قبل و بعد از اسلام

در کتاب جغرافیای موسی خورنی بنام ایرانشهر که مازکورات آن را تفسیر و شرح نموده است آمده: «ژوزیه که صحیح تر آن «ژوزین» است. به فارسی «رویان» و عربی «الرویان» نوشته می شود. در اصل ناحیه منحصراً بخرویه بود که در دوران قدیم جزء سلطان نشین دیلم بوده است. این شهر در زمان «سعید بن العاص» در سال ۳۰۰ هـ و نیز «سزید بن مهلب» در سال ۹۸ هـ مانند و سبزوید (دمارنا) قلعه و مستقل بوده است که «عمر بن العلاء» آن را ضمیمه طبرستان کرد.

از آنچه که درباره حدود رویان یاد کردیم می توانیم به این نتیجه برسیم که کوره (شهر) رویان حاکی است شامل کوره و دشت در مغرب خاک طبرستان، طول آن از جزایر خالدات ۷۶ درجه و ۳۵ دقیقه و عرض آن از خط استوا ۲۷ درجه و ۱۰ دقیقه می باشد.

❑ حکومتهای محلی در رویان

به علت وضع جغرافیایی و قرار داشتن رویان در پس جبال البرز و وجود جنگلهای انبوه تا زمان ساسانیان حکومتی مستقل در رویان وجود نداشت تا اینکه اولین حکومت در کل رویان و طبرستان در زمان قباد ساسانی به نام

طبرستان حکومت آنها به پایان رسید.

❑ الف: پادوسپانان در رویان

پیرز ساسانی را سه پسر بود: قباد، بلاش و جاماسب. پس از مرگ پیروز، بلاش به کمک جاماسب به حکومت رسید و قباد ناراضی با کمک هیتالیان «خاقان» حکومت را از خود کرده تا اینکه بلاش سرود و جاماسب به ارستانان فراز کرد. در آنجا قدرتی بهم زد. جاماسب را در پسر بود نرسی و به واسطه نرسی را قیروز و قیروز را گیلان شاه و وی را گیل گیلان شاه پسر آمد و منجمان اتفاق کردند بر رویان و طبرستان فرمانروا خواهد شد. این دعوی در دماغ او جای گرفت. به آیین آوازگان بار و به برداشت و با چند گاو گیلی به رویان و طبرستان آمد. در جنگها آذرو لاش حاکم طبرستان را کمک کرد. بعد ما آذر و لاش حکومت طبرستان و رویان را در اختیار او گذاشت « زیرا که دریافته بود وی از تورگان جاماسب ساسانی است » او را دویس برود: «دایوبه و پادوسپان» دایوبه که سلوکی نامها را داشت حاکم گیلان شد.

پادوسپان که مردی خوش خلق و خوی بود حاکم رویان گردید فرزندان وی به نام پادوسپانان تحت عناوین اسپهبدان، استبدان و ملکان در رویان فرمانروایی داشتند. (۲۵ تا ۱۰۰۶ هـ. ق)

❑ ب: علویان در رویان

حکومت پادوسپانان در رویان تا سال ۲۵۰ هـ. ق ادامه داشت تا اینکه در زمان طاهر بن محمد بن اوس بلخی پیشکار سلیمان از دودمان طاهریان هر سال سه بار از مردم رویان و دیلمان مالیات می گرفت که فلشش به غایت رسیده بود. اهالی رویان و دیلمان به یکی از سادات علوی که به رویان پناه آورده بود به نام سعید، محقق گیا که پسر صالحی که به زهد و تقوی و سیرت مسلمانی آراسته بود روی آوردند. (اکنون بقعه وی در صالحان کجور است). وی فرمود: «مرا اعلیّت این کاریست اما دامادی دارم در وی که خواهم در حیاله نکاح آرست مردی شجاع و کانی، حربهها دیده و وثایع بسیار پس پشت انداخته است. کس بفرستم تا او بیاید» شورشیان به ریاست سعید، این زندانیان را که یکی از حکمرانان پادوسپان در منطقه رویان (۲۰۷) - ۲۵۰ هـ. ق. بود به وی رفتند. و حسن بن زید که از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) بوده در رویان دعوت کردند. در روز پنجشنبه ۲۷ رمضان سال ۲۵۰ هـ به کجور رسید در روز نیک نظر به مصلی رفت و نماز گزارد و پس مشیر شد و خطبه بلوغ با فصاحت علویانه خواند. بدین ترتیب پایه های اولین حکومت شیعی منذهب (زیدی) که به قیام علویان در تاریخ کشور سان معروف است و سادات علویان در رویان و طبرستان را هدایت

سال ۳۱۶ هـ. ق. به طویل انجامید (حسن بن زید در تاریخ مطلق به داعی کبیر شد) یکی از بزرگان علویان از فرزندان امام زین العابدین «ع» به اسم حسن بن علی مطلق به ناصر کبیر است که سینه‌دوشی تدوین کننده نهج البلاغه حضرت علی «ع» از جانب مادر به ناصر کبیر می‌رسد. مادر سید رضی از نوادگان ناصر کبیر می‌باشد که چهار واسطه به حضرت امام زین العابدین «ع» می‌رسد.

□ تشیع در روایان

پادشاهان همدان با دیگر حکومت‌های ایران (آل زیار آل بویه، سامانیان... و تیموریان) حکومتی مستقل و نیمه مستقل در روایان داشتند. از آنجاییکه آغاز گرایش مردم روایان به اسلام به عهد «عباس» بن زندامید (۲۰۷ - ۲۵۰ هـ. ق.) از حکمرانان پادشاهی سر می‌گردد. ابتداء مردم روایان به مذهب اهل سنت و جماعت بودند (همانطور که گفته شد قیام شیعی علویان در زمان حکومت او و به سرداری وی در شهرها بوده است) سی و ششمین پادشاهان ملک کیومرث بن ملک بیستون (۸۰۷ - ۸۵۷ هـ) پس از لشکر کشی امیر تیمور گورکانی بدینال اتقانی در شیراز در بند بود. با خود عهد کرده بود که اگر مجدداً به حکومت روایان برسد در رواج مذهب

ششمه اتمه وقت حش ۱۷۷۱ هـ. ق. در شیراز

حکمرانی، اهالی روایان را که تا آن وقت پیشی بودند به مذهب حق دعوت نمود و از آن زمان تشیع در روایان رسمیت یافت (بنا بر این مدتها قبل از آنکه صفویان تشیع را به عنوان مذهب رسمی در ایران اعلام کنند به گواه تاریخ ملک کیومرث پادشاه تشیع را در روایان به عنوان مذهب رسمی اعلام کرد.) حکمرانی ملک کیومرث با فتوحات قلعه طبرک، جسطام، سمنان، تسخیر دزلیورت، جنگ چیلک شار (چنگ کنونی) و رفتن به هرات نزد شاهرخ میرزا و تجدید قرار کردن و استرداد قلعه فایس قرین و طالقان و لشکر کشی به ری و دماوند تمام بود. گویند که ۱۲ سال باقیاننده از عمر ملک سزبور بدون حادثه گذشت. روایان که در زمان وی دستگیر و بنامید می‌شد آباد شد. فلاح بسیار که در کسبکشها و محاربات آسیب دیده با درمان شده بود ترمیم یافت و در سر راهها در هر موضع که از آبادانی دور بود بفرمود تا ریاضی ساختند و امور روایان بر وفق شهاد و برام بود. تا اینکه این فرمانروای متهور و شجاع و مدتی در ماه رجب ساستان سال (۸۵۷ هـ) در سر راه یسارود (یکی از روستاهای بخش بلده نوبر) پس از یک زندگی پر تشیب و فراز درگذشت. او را به روستای هزار خصال که سزار روستاهای بخش بلده نوبر) در سر راه یسارود (یکی از

ساخته بود (که اکنون در هزار خال کجور موجود است)

رسمیت کرده که او را در قدم آن دو سید دفن کنند و قبر او را در قنبر (زوشن) از قنبر آن سادات، پست تر آوردند و همچنان کردند. واقعاً ملک مرحوم در ایام حکومت خود بسیار از این خیرات کرده هر چه که در ولایت روایان نشان هزار بزرگی از بزرگان دین داده بودند دستور داد تا به بالای آن عمارت مرغوب بسازند. نمونه آنها: ۱- قلعه ۱۳۱ شاه باقر زاهد (مهاجر) و هم عصر شیخ خلیفه مازندرانی و شیخ حسن جویری از علماء و زهاد زمان سربداران) در آخر دشت چستان نوبر (۸۶۰ هـ. ق.) ۲- صندوق جویری نفیس برای شیره سلطان معطر در حانیة بوهمین که یکی از نفیس ترین صندوقهای باقیاننده از قرن نهم هجری است (۸۶۷ هـ. ق.) ۳- قلعه امیر درویش در ناسنگ لاشک کجور. ۴- قلعه متبرکه امام زاده سید علی کیا در خیر رود نزهت. ۵- قلعه خالداکیا سلطان در منوچهر کلای عسبه (روایان نقلی) ۶- قلعه رضایا سلطان در دعبکه، نائل سوز و ۷- قلعه امام زاده جمشید کیا سلطان (اناکیا سلطان بن عور بن امام موسی کاظم) در حره قلعه قریستان و مسجد جامع شهر روایان (عسبه) بر فراز تپه ای به طرز باشکوهی ساخته که قدمت تاریخی شهر را با یکی می‌کند سنگ کتیبه موجود در ضلع شمال شرقی همین قلعه که از آسیب زمان و طبع انسانهای بد اندیش مصون مانده و عبارت ذیل با خط شکسته عربی بر آن نقش بسته.

«نام عماره هداللمرام السلطان ملكن كعبه مرت بن ملك بيسطون قص محرم سنه ادهي خمسين ثمانيه».



یعنی «عمارت این مزار به امر سلطان ملک کعبه مرت پسر ملک بیستون در ماه محرم سال (۸۵۱ هـ. ق) ساخته شد.»
 دکتر ستوده در کتاب باارزش خود به نام از «استازان ما استادان» ج ۳ - «الهدیه امر مرکز قشلاقی کجور می داند و اشاره خاصی به بنام امام زاده حجتیه کیا سلطان و سنگ نبشته آن با شکس کتیبه و بنامه نموده است.
 بنای اصلی بنامه منت ترک و نام آن کلاه دوروش است (عکس روی جلد، درزای هر صلح آن از داخل ۱۸۰ سانتیمتر و در حداد هر صلح طاق سایی ۶ بلندی ۱۹۰ سانتیمتر و بهای یک متر تمام است. بالای طاق نهادار به ماسدی است و بالای رها پیش آنگهیها منت سنگ است که طاق فرمایش داخل بر آنها سنگی است و در ورودی بنامه شرف و بندی آن ۱۵۰ و بهای آن ۹۰ سانتیمتر است. در حداد صلح صلح محرم ۱۰۰۰ در کعبه یکی در بالا و دیگری پائین آن است. صدوق است.

۲۴/۲

پوشانده است و درای آن ۲۰۰ و بهایش ۱۰۵ و بلندی آن ۱۲۰ سانتیمتر است. کفش کن بنامه شامل یک اتاق یک طاق مشرفی است. ایام آن در حدوره چهار متر است. در بنامه طاق مشرفی و شمالی این کفش کن دو طاقچه است. طاقچه شمالی که طاق آن افق است به ایام ۷۵ سانتیمتر است. طاقچه جنوبی که طاق آن ملام است، بلندی آن ۱۰۰ و سطح ملام ۸۵ و بهای آن ۶۵ سانتیمتر است. در طرف درزای کفش کن در بنامه دوید که بهای هر یک ۵۰ سانتیمتر است. مصالح با آجر و ملاط گل آهک و روغنهای بنامه از کج و فرش (مات نرم) و آهک در این بنا دیده می شود. و دکتر مشکور در کتاب «

خبرنای تاریخی ایران باستان» ص ۳۲۹ در قسمت شاهزادهای طبرستان می نویسد: «از آمل روه به شمال به بندر تاریخی الهیم که «در روزان قرار داشت و امروز آن را «اهلده» - «الده» - بندر گویند.
 مسعودی گویند: بین آن و آمل یک ساعت است و اصطخری بین آن و آمل را ۲ ساعت نوشته که درست تر است.
 مطالب فوقی گویای آن است که شهر روزان (اهلده) در ازمنه قدیم از یک مرکزیت خاصی برخوردار بوده است.
 از اوایل قرن هفتم هجری بود که لغت قدیمی روزان روه به فراموشی رفت و لغت مستند از کلمات منقرض شده است و استناد را

تلمیح فرمانروایان پادشاهان بود و جایگزین آن شد.
دلایل انتخاب نام روزان
 ۱- استوار حجتیه زینالی لیسری روزان معنای روزان و روزین در پیش

۳- بنیاد حرکتهای مهم مذهبی در روزان (قیام طلبان و روح مذهب تشیع اثنی عشر)

۴- حفظ میراث فرهنگ (احیای نام روزان)
 ۵- گسترش منطقه شهری و حداثیتهای نورسین و ساحلی. بنابراین از آنجاییکه شهر روزان (اهلده) بنا قلده مهم تاریخی چند صد ساله و بنام شهری که ذکر گردید جزئی از خاک پنهان روزان و مرکز قشلاقی آن تالی می گردیده است. چنانچه که از نام روزان بار دیگر استفاده گردد تا دلاوریها و قیامهای مذهبی آن در اذهان مردم مسلمان منطقه زنده شود. این خواسته شهروندان در تاریخ ۱۳۰۲/۱۰/۷۳ به تصویب شورای نام گذاری شهرستان نور مرکز از آقایان:

- ۱- عباس شیر گل وقت ارشد و نماینده استادی مازندران
- ۲- احمدی مشاوران ارکان امور اجتماعات و انتخابات مازندران
- ۳- مسلم حسین زاده فرماندار شهرستان نور
- ۴- حاجت الاسلام و المسلمین اعلی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی نور
- ۵- سید عالم حسینی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نور
- ۶- غلام الدین سبانی استاد تاریخ و فلسفه
- ۷- سید انجم الله و مدیر چهارم
- ۸- حمزه علی بابا زاده مدیر ادبیات

رسید که پس از پیگیریهای عدیده و موافقت استانداری محترم سازمان دران و وزارت محترم کشور و اداره کل تقسیمات کشوری در تاریخ ۷۵/۲/۲۰ به تصویب هیأت محترم وزیران و در تاریخ ۷۵/۳/۲۰ به تأیید مقام

و برای اجراء ابلاغ شد.

در تنظیم مطالب مربوط به روایان در مجلد و زمان از منابع ذیل استفاده گردید.

□ «منابع تاریخ روایان»

- ۱- ایرانشهر - جغرافیای موسی خورنی - اویل قرن پنجم میلادی
- ۲- مسالک و مساک این خرداویه ۲۳۲ - ۲۷۲ هـ. ق.
- ۳- البلدان ابن نفیسه همدانی. ۲۹۰ هـ. ق.
- ۴- مسالک و مسالک اصطخری ۳۱۸ - ۳۲۲ هـ. ق.
- ۵- حدود العالم من المشرق الی المغرب ۳۷۲ هـ. ق.
- ۶- معجم البلدان یاقوت حموی ۶۲۲ هـ. ق.
- ۷- اعلای القیسه ابن رسته ۲۹۰ - ۳۰۰ هـ. ق.
- ۸- تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ۶۱۳ هـ. ق.
- ۹- نخبه الدهر دمشقی ۷۲۷ - ۶۵۴ هـ. ق.
- ۱۰- تاریخ روایان اولیاء... آملی ۷۶۴ هـ. ق.
- ۱۱- تاریخ طبرستان روایان و مازندران - مرعشی ۸۸۱ هـ. ق.
- ۱۲- تعزیم البلدان ایرافنداء تألیف سال ۷۰۰ هـ. ق.
- ۱۳- تاریخ جهان آراء قاضی احمد غفاری ۹۱۴ هـ. ق.
- ۱۴- سرزمینهای خلافت شرقی - لسترنج ۱۳۳۷ هـ. ق.
- ۱۵- مازندران و استراباد - رابینو ۱۳۴۳ هـ. ق.
- ۱۶- از آستان تا آستانباراد - دکتر ستوده ۱۳۴۹ هـ. ق.
- ۱۷- جغرافیای تاریخی ایران باستان - دکتر مشکور ۱۳۵۴ هـ. ق.
- ۱۸- گاروگران یاه و سبانی - چراغعلی سنگسری ۱۳۵۳ هـ. ق.
- ۱۹- مفاخر اسلام علی دولتی ۱۳۶۲ هـ. ق.
- ۲۰- دفتر فنی استانداری مازندران - شرح مادی شهر.

□ سپاسگزاری

اعالی شهر روایان با شوق و شمع بسیار در پی تغییر نام شهرتان مراتب سپاسگزاری خود را از:

- ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران و هیأت محترم

وزیران

- جناب آقای احمد ناظم نوری نماینده نور

- وزارت محترم کشور و بویژه جناب آقای جنش مدیر کل

محترم تقسیمات کشوری

- استانداری محترم مازندران

- جناب آقای تیمسار رویانیا فرماندهی محترم نیروی

انتظامی مازندران

- فرمانداری و یخشنداری محترم نور

- شهرداری سامگداری شهرستان نور که در تاریخ

۷۳/۸/۱۲ تکمیل جلسه دادند

- جناب آقای بنیامین استاد تاریخ دانشگاه

- شهرداری روایان

و کلیه عزیزانی که برای این امر مهم مساعدتهای قدسی و

قدسی نموده اند اعلام می داریم.

مرداد ۱۳۷۵

تصویر ۲۴: نمونه به تصویر کشاندن روایان پس از تغییر نام از سوی مطبوعات

منوچهر بدکشت و روزان بهاند جهان بهاند آلا جهانیان سندان اگر تیرستان قدیم را با کشیدان خطی از کارهای دریا تا حدود دریا در حوالی درود هراز به در بخش قسمت کیمیا بخش غربی آن خاک درویانه است.

در افسانه‌های ایرانی آمده است: پس از آنکه و منوچهر به ترغیب جندش و فریادونه به خرنواهی ابرج به پادشاه و مسلمه و دسروره را کشت و پازراسپاس با لشگری گران به ایران حمله آورد سپاهیان منوچهر به منطقه درویانه فرود آمدند و خندقی حفر کردند و به مدت ۱۲ سال آنجا پناه گرفتند.



آقای مهندس رما شعبانی شهردار درویانه در حال سخنرانی به میزبانان ویژه و بیگ خوز

نیود بازار روز از مشکلات و گرفتاری‌های روز مردم این شهر است که آنان را مجبور به تهیه مایحتاج خود در شهر نور می‌کند و این امر خود مشکلات می‌شکلان را در بر دارد. نیود لوله کشی آب در شمال بازار درویان و پوسیدگی لوله‌های آب در خیابان شهیدا و پشت آب در سطح خیابان هر چند وقت یکبار مشکلات فراوانی را برای ساکنان این محلات ایجاد می‌کند. مشکل دیگر نیود سالن ورزش در این شهر بود که با پیگیری‌های نماینده محترم نور در حال رفع شدن است.

ایجاد بازار روز
بیگ خوز: به نیود بازار روز در

شهر درویانه به تصویربرداری وزارت محترم کشور رسیده و ابلاغ شده است. به این ترتیب از تاریخ ۷۵/۲/۲۵ مسئولی به عمق ۱۱ کیلومتر از درویانه تا پل مصلح الدین کلاه و از حروب تا کانسگر محله جزو حرم شهر درویانه قرار گرفته است. بر اساس ماده ۹۹ قانون شهرداریها کلیه عملیات ساختمانی و خدماتی و صدور جواز کسب در این محدوده باید با نظارت شهرداری درویان صورت گیرد. در اینجا آمادگی شهرداری درویان را به منظور همکاری با افرادی که قصد سرمایه‌گذاری در این منطقه را

شهر «رویان»، پیشینه‌ای کهن، آینده‌ای پر امید

طسی این مدت منوچهر عسارت روایان را پدید آورد.

تنگناهایش، گزارشگر ویژه بیگ خوز، با آقای مهندس رما

بازگ و فضای سبز، حفر کانال به منظور هدایت آبهای

زیسته می‌توان به ایجاد پارکها و فضاهای تفریحی، سنگفرش

شهرداری اقدامی برای رفع این

دارند اعلام می‌دام.



دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۷۵
 تهران، خوابگاه فرهنگیان
 چهارراه و عمریه جنب بازار در کوی ضیاء ارازی
 خیابان رابع شماره ۱۵۵ آدرس ۱۱۴۴۷ صندوق پستی ۲۴۴۱-۱۴۱۵۵
 شماره تلفن ۱۱۳۶۵-۵۱۴

از: فرهنگیان تهران
 به: هیأت محترم وزیران
 موضوع: تغییر نام
 سلام علیکم

نظر به نامه پورسرهنگ تهران ۱۲۸۸۴، ۱۴۹۲۳ و ۷۵، ۳، ۲۶

هیأت محترم وزیران به استحضار می‌رساند که در تاریخ ۱۳۷۵/۰۳/۲۶

بروز در جلسه هیأت وزیران در خصوص تغییر نام فرهنگیان تهران

رویان تغییر نام به فرهنگیان خواهشمند است به تشریح حالت آن

در ستاد محترم جهت تذکره افکار عمومی آنجا که بنام فرهنگیان تهران

رویان تغییر دهد. متذکره می‌باشم در صورت امکان اقدام به اصلاح آن

مسلم صبر زنگ

(حسن روحانی)

۲۳ محرم ۱۴۱۷
 Monday 10 June 1006

۷۸۲/۸۲



یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم
از شهردار روین

تبرستان

www.tabarestan.info

با احترام و محبت الهی به تمامی کسرها و همکاران محترم
نصفه هفت آماه هیات پیشین تاریخی روین بسید لقدار
۱۵۰ نسبه پرورش (مکتب غورا روین در لندون) تقدیم میگرداند
فراوانه است نسبت به توزیع آن در بین واداران نسبه آماه آماه
شماره ۲۴-۲۹

۲۱۸۸۰
۷۵,۷۱۰ ۲۷۷/۸۹

۲۹ محرم

باسمه تعالی

این کتاب و دهها جلد دیگر از محل اعتبارات فرهنگی شهرداری رویان در زمان نصدی آقای جوادی
در سال ۱۳۷۷ جهت مطالعه دانش پژوهان دولتی و غیره ای تاریخ و جغرافیای تاریخی رویان و شهرستان با تلالس
و بی گیری آقایان حمزه علی بازاریار و سهراب درویش تهیه و بد کتابخانه عمومی رویان اهداء گردید.

شهرداری رویان

تصویر شماره ۲۵: آرم کتابهای خریداری شده از محل اعتبارات فرهنگی شهرداری
رویان جهت مطالعه دانشجویان و پژوهشگران و مردم فهیم رویان اهدایی
به کتابخانه عمومی شهر ۷۷ و ۷۸

فهرستی از کتب و رسائل که در این کتابخانه عمومی موجود است
 شماره کتاب: ۱۳۷۲
 سال: ۱۳۷۸

ردیف	نام کتاب	زیرنویس	ردیف	نام کتاب	ردیف
۱	آفتاب نامه	۲۲	ساقی الملک	۲۷	سفرنامه ابن فضل
۲	تاریخ ایران	۲۳	روزنامه خوارزم	۲۸	ایران و خوارزم
۳	تاریخ ایران	۲۴	تاریخ طبرستان	۲۹	سفرنامه ابن فضل
۴	التاریخ فی الخوارزم	۲۵	سفرنامه ابن فضل	۳۰	سفرنامه ابن فضل
۵	تاریخ ایران	۲۶	سفرنامه ابن فضل	۳۱	سفرنامه ابن فضل
۶	سفرنامه ابن فضل	۲۷	سفرنامه ابن فضل	۳۲	سفرنامه ابن فضل
۷	سفرنامه ابن فضل	۲۸	سفرنامه ابن فضل	۳۳	سفرنامه ابن فضل
۸	سفرنامه ابن فضل	۲۹	سفرنامه ابن فضل	۳۴	سفرنامه ابن فضل
۹	سفرنامه ابن فضل	۳۰	سفرنامه ابن فضل	۳۵	سفرنامه ابن فضل
۱۰	سفرنامه ابن فضل	۳۱	سفرنامه ابن فضل	۳۶	سفرنامه ابن فضل
۱۱	سفرنامه ابن فضل	۳۲	سفرنامه ابن فضل		
۱۲	سفرنامه ابن فضل	۳۳	سفرنامه ابن فضل		
۱۳	سفرنامه ابن فضل	۳۴	سفرنامه ابن فضل		
۱۴	سفرنامه ابن فضل	۳۵	سفرنامه ابن فضل		
۱۵	سفرنامه ابن فضل	۳۶	سفرنامه ابن فضل		
۱۶	سفرنامه ابن فضل				
۱۷	سفرنامه ابن فضل				
۱۸	سفرنامه ابن فضل				
۱۹	سفرنامه ابن فضل				
۲۰	سفرنامه ابن فضل				
۲۱	سفرنامه ابن فضل				

تصویر شماره ۲۶: کتابهای اهدایی شهرداری ریان
 به کتابخانه عمومی شهر جهت مطالعه علاقمندان به تاریخ و جغرافیا

شماره ۷۵

وزارت کشور - طبعه ۱۳ - اداره منقسمات کشور

سرور معظم جناب حاج آقا عباس نجفی مدیر کل تقسیمات کشور وزارت کشور

با اهدای هفتاد و نهمین خدمت آن در روزگار

مدیریت عالی آستان و شکر خود را از زنده ماندن و مدیریت صحیح و

کلید بر این تقسیمات کشور و حفظ نام این سرزمین

سرور و سلام عرض می‌کنم برای شما و همکاران

سعادت و سربلندی آرزو مند

نازندین - سرورین

حاج آقا عباس نجفی - مدیر کل تقسیمات کشور - کامران نجفی

به شکست روی قلم مدیا قدم بگذرد

«رویان زمین»

آسره ما زندان رویان زمین	سلس چشمان جهان رویان زمین
جای جایت گیتی رویان زمین	بیش زار و جنگل درشت رویان
جویبارت روان رویان زمین	چشم پریشان در رویان زمین
باشم فراز گلستان رویان زمین	مهد بین درانش و فراز انگش
هموار قدیان رویان زمین	خود از خود تو فدایی شده
پاکدامن خورشید رویان زمین	پاکدامن مادانت پرورند
ز جویان شیر تر رویان زمین	پر پرورش همه دنیا دهند
دست داد و ستد رویان زمین	هر چه آباری که در اطرافت است
نوکین اند میان رویان زمین	شکر کانت غلظت زیبای در
از نو سبزه نشانی رویان زمین	هر که بخواهد بیاید در شوال
شکر رویان زمین	آفرین بر آن که نام تو بخورد
سینه پادشاهان رویان زمین	سنت حد و امانت تو بیخ کانت
مدفن اسپید رویان زمین	بگورانت همه رویان تنند
په نظیری بی گمان رویان زمین	قد کجده و کوهستانی روند
شخصه در هر مدد رویان زمین	سودت محراب و دنده دل
میدم بر مرده جان رویان زمین	آب پرست آتش روی تو زبیر
سرسخت ناگشت رویان زمین	مردودت کالج و ابریز که
گنج ها دارد کفایت رویان زمین	پشت سر نهایی زیبای چشمت
زادگاه شام رویان زمین	ش عروقت چشمت کوی تو
زره حایت درشت رویان زمین	بند بندم زره زره کانت
هر زمان و هر مکان رویان زمین	سفره است گسترده زمین و پر
زنده اند و جان رویان زمین	سوره فدای شکر است تا ابد

مکاشش حکوید شاعری شیوا تراز
گفته سالاریمان رویان زمین

Handwritten signature and notes in the bottom left corner.

ردیف	نام قدیم	جدید	نام	شماره	نام جدید
۱	ویرقان	عین الله	محمد	۲۱	عین الله
۲	سید کاظم	حاج علی	سید کاظم	۲۲	حاج علی
۳	سیدی	عبدالله	سید باقر	۲۳	عبدالله
۴	برزابابا	برزک	علی ابراهیم	۲۴	برزک
۵	مهدی	یدالله خانی	علی ابراهیم	۲۵	یدالله خانی
۶	حسن انصاری	عین الله	رفیق	۲۶	عین الله
۷	میرزا حسن	حسن رضا	رفیق	۲۷	حسن رضا
۸	شیراز	جواد رضا	رفیق	۲۸	جواد رضا
۹	کدرا	سید رضا	رفیق	۲۹	سید رضا
۱۰	علی افسان	سید علی	رفیق	۳۰	سید علی
۱۱	امان الله	سید محمد	رفیق	۳۱	سید محمد
۱۲	علی الله	سید محمد	رفیق	۳۲	سید محمد
۱۳	امه الله	سید محمد	رفیق	۳۳	سید محمد
۱۴	سید علی	امان الله	رفیق	۳۴	امان الله
۱۵	سید محمد	سید علی	رفیق	۳۵	سید علی
۱۶	سید رضا	سید علی	رفیق	۳۶	سید علی
۱۷	سید علی	سید علی	رفیق	۳۷	سید علی
۱۸	سید علی	سید علی	رفیق	۳۸	سید علی
۱۹	سید علی	سید علی	رفیق	۳۹	سید علی
۲۰	سید علی	سید علی	رفیق	۴۰	سید علی

تصویر شماره ۲۹: نام قدیم و جدید مردم بومی شهر رویان که توسط آقای حسین مشایخی معروف به شیخ حسین به تصویر کشیده شده است

غریب شایسته کاظم
حسن

ابراہیم علیہ السلام
شعاع
ابراہیم علیہ السلام
شعبان

غریب شایسته کاظم
غریب شایسته کاظم
غریب شایسته کاظم
غریب شایسته کاظم

۵۲ اگر بخواهید این شعر را در صورت
اگر صلی علی ابیاد کبابا شد من خط
خود مرا خوب بخوانم ایجا اینها را بنویس
یرا از خاطر ات بماند
قرابت حسن شایسته

علی بن
مذہب

کتاب
آب
خیاں

جعفر علی
کاظم علی
رضا علی
محمد علی

دفع علی
سید عبدال
خالد
حاجا قربان
عزیزه بازبان
سوز
قربان
عبد جان
عبد عباس
محمد رضا

۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸

همایش‌های

کوتاه، از سراسر کشور

افتتاح پلی کلینیک تخصصی فرهنگیان در اصفهان

سرپرست شهرداری اصفهان پلی کلینیک تخصصی فرهنگیان اصفهان روز گذشته با حضور وزیر آموزش و پرورش و پرورش گشایش یافت. این مرکز بهداشتی درمانی فیزیکی به مساحت یک هزار متر مربع و زیربنای ۶۰۰ مترمربع در دو طبقه ساخته شده است. پلی کلینیک یاد شده دارای بخشهای چشم پزشکی، فیزیوتراپی، قلب، زنان و زایمان، آزمایشگاه، اتاق عمل و داروخانه می باشد و برای خرید تجهیزات پزشکی آن به ۳۰ میلیون ریال از محل اعتبارات تجاری آموزش هزینه شده است.

مساحت تدبیس نهفت نیروها را می بیند



سرپرست شهرداری اصفهان به منظور زنده نگه داشتن یاد و خاطره نهفت سرداران و مساحت جغرافیای شامل هفت تدبیس به هنر آفرینان از این همام در سبزوار از سوری شهرداری این شهر آغاز شد. حسین مانتیاس طراح مساحت تدبیس نهفت سرداران گفت: این مجموعه با الهام از شکل گیری نخستین نهفت کوه تنگ هفت سبزه (۶ متر و یک زن) و حوضه ابتکاری، معلومت، انباشته و تزئینات برای به قرآن در ولایت علی (ع) طریقی شده است. تدبیس مذکور به ارتفاع ۲/۵ و به قطر ۱۲ متر پس از اتمام مراحل ساخت، در میدان سرداران سبزوار در ورودی این شهر نصب خواهد شد.

برقراری پروازهای مستقیم شهر مسیز اردبیل - مشهد

اردبیل خبرنگار هم شهری پروازهای مستقیم شرکت هواپیمایی ایران ایرتور در مسیر اردبیل به مشهد از دیروز برقرار شد. این شرکت روزهای شنبه و چهارشنبه پروازهای مستقیم از مشهد به سبزوار خواهد داشت.

برای نمایشگاه بزرگ صنعتی اقتصادی در قزوین

قزوین - خبرنگار هم شهری: سرپرست نمایشگاه بزرگ صنعتی، اقتصادی و صادراتی قزوین طی هفته دولت برپا می شود. در این نمایشگاه که از ششم شهریور به ماه آینده مدت ۳۰ روز در مجتمع فرهنگی ورزشی هلال احمر قزوین پاییز خواهد شد. واحدهای مهم صنعتی از سراسر کشور به شرکت می کنند. مسعود خلیج جوادی مسئول ستاد برگزاری نمایشگاه افزود: این نمایشگاه علاوه بر سه هدف کلیدی نمایش توانمندیهای صنعتی، ارائه کالاهای واسطه‌ای و تمام شده و طرح تازمندیهای صنعتی، سعی می کند زمینه‌های آشنایی شرکتها و واحدهای تولیدی با صنعتگران داخلی و ایجاد ارتباط با آنها و نمایش ابداعات و اختراعات خلاقان سراسر کشور را فراهم سازد.

شهر تولید به رویان تغییر نام یافت

سرپرست شهرستانها با تصویب هیأت دولت نام شهر غلستان به رویان تغییر یافت. جمعیت شهر رویان که هزار نفر است که نامشهرستان تا به این افزایش می یابد.

۲۰۲۵
۲۰۲۴



آستان قدس رضوی
تبرستان

www.tabarestan.info

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب کنزالانساب - فارسی

مصنف آقا محمد مرتضی علم الهدی (علیه السلام)

مؤلف

مخطی سنکی نستعلیق طبع بمبئی

جایی

سال طبع یا تحریر ۲۰۲۰ ق. عدد اوراق

جزء کتب ~~خمس~~ ^{عالم} شماره ۴۴۳

شماره عمومی ۱۲۵۲ شماره قبض

واقف حاج محمد محمد تاریخ وقف ۱۳۰۹ ق

طول عرض قفسه

شماره ۳۱۸ ضمیمه

تبرستان

تصویر شماره ۳۱: نمونه سربرگ کتاب کنزالانساب که از کتابخانه آستان قدس رضوی تهیه شده است

هوا بیان

شجره طیبہ امام زاده جمشید کیا سلطان شہر رویان

لوطن بن ابی مخنف بن یحییٰ خزاعی صاحب کتاب ستطاب کترا الحاناب سورف

یہ جبر الحاناب کہ سید مرتضیٰ علم الدی آن را بہ فارسی بر رواند در تحقیق حسب و نسب امامان و امام زادگان واجب التعظیم و بیان فضل علی بن ابی طالب (ع) و حضرت امام موسی کاظم (ع) امام ہفتم شیعیان را چندین فرزند پسر بودہ است از جہد حضرت علی بن امام موسی کاظم (ع) ، احمد بن امام موسی کاظم (ع) (شاہ چراغ نوح ، عمران ، ادنان ، صالح و عون ...

عون بن امام موسی کاظم (ع) را شش فرزند پسر بود بدین اسامی : بدل ضاکب ، خالد کیا ، علی کیا ، موسی کیا و جمشید کیا .

بدل بن عون بن امام موسی کاظم (ع) ، چنانکہ عون بن امام موسی کاظم را یہ موضع نام شہید کردند . خالد بن عون بن امام موسی کاظم (ع) را بہ موضع شہید کردند . علی بن عون بن امام موسی کاظم (ع) را در حین روزگاری شہید و روزگاری امام بنام موسی بن امام بن ابی عمیر ، را در دارالفرز بنامدار در ری شہید کردند .

جمشید کیا بن عون بن امام موسی کاظم (ع) ، را در ہین مکان (شہر رویان)

شہید کردند و در ہین مکان مقدس بہ خاک سپردند .

بہ اسرار کتبہ موجود ہنوع مال شہر این ہے . بہین بنا در سال ۸۵۱ ہجری قمری بہ امر ملک گیرش بن ملک بیستون از ہرات و ہوسا بن کہ شہر را در ہا نامہ ۱۰۰۰ بہت مکان کھنڈہ ... تصویر شماره ۲۲: شجرہ طیبہ امام زاده جمشید کیا سلطان شہر رویان



تصویر شماره ۳۳: عکس یادگاری با جناب دکتر منوچهر ستوده در کلارآباد تنکابن

نیام خداداد جان و خرد

پژوهش محترم جناب آقای نصر الله هومنند

پس از سدا که بر تفریح حاصل شده تا تألیف بر اسلای شما نیام ماهستانی باشد
مردمانند و سدا را بر اوامر جناب پس از سدا شده زنده کردن و خرد کردن
تبری زبان و خرد لازم است به اصطلاح آن است و فرزانگی است

روای سوزن باستان ما که در کتابهای پیشین و امروزی به سدا از آن یاد
شدن و همچنین در اثر پیرایش مره ۷۵ یاد از آن گرفته اند از قول خدمت گزاران
نویسند فراموش میگردانند جهت زنده کردن این نیام اندک ایام از مردم
بر وجود آوردم تا در صفحه (الده) که فرسی از خاک رویان قدیم بوده بتدریج

تجزیه و تحلیل شود. تقاضای برزگت تغییر نام با شتفا درستان در تاریخ ۷۵۳۲
به تقریب جان است که در اثر سدا به اثر رویان تغییر نام یافت. مطالعه
مردم بر روی سدا رویان در گذشته که به هم می آمدند و سدا خرد آن که سدا

در ویس نام کرده است که سدا قدیم سدا در صورت امکان با ارائه سدا
بهم رفته است تا به سدا به سدا آن از سدا است و ارائه سدا گرفته شود

نزد از سدا - رویان - سدا - سدا
۷۵۳۲

نزد از سدا - رویان - سدا - سدا
نفسه سدا ۴۱۴۱ - ۱۹۷۱
سدا ۲۰۰۲

هوالبصر

لرحمده جناب خزه علی باریار

با درود و آرزوی توفیق برای جناب

نامه شما، در شامگاه روز سه شنبه ۱۵، ۸، ۱۳۷۵ شمسی مجری بدستم رسیده. نامه و پیغمیت (بروشور، مخطا است) را خواندم. از مردمانی شما درباره نیده بسیار سزاوار هستم. آنچه در پی نوشته می شود برای آگاهی شماست که اغلب دگتئی نیست امید دارم اصل بعیرت و دقت باشد.

اگر شما و اهالی شما تا کنون معنی و مفهوم اهلتم و پرویان را به زبان نبرای ماه بودید شتابزده عمل نمی کردید. بیدان پیشینیان (نیامان شما) در پرداخت زبان و نامگذاران نسبت به شما که در این زمان چند سالی در تلاش و جنبش هستید لذت بیشتری برخوردار بودند. در واقع پندارشان نیک بود.

لرحمده! در گفته در لایه اغلب تاریخ، نژاد و نخبه ایرانی به دورتر و پاندار مانده است؛ غیرت ملی، غیرت دینی، در حد اعدال و پیرسته و نسیم.

هرگاه این دو عامل و عنصر را زنده در حیات اجتماعی ایرانیان به تفریط و یا افراط

کشته شده حیات سیاسی ایران باستان است و به فساد کشیده شده است.

نام های جغرافیایی باستانی بر دلیل پدید نیامده است تا بتوان بنا به
دلائل کج فهمی از ریشه و واژه باستانی، و یا احیاناً بنا به دلائل سیاسی، برای چند
زمان نام یک جا را تغییر داده و به خاطر آن شده است یک واژه گزینش نه
کرد. کاربرد نام جغرافیایی فراتر دگسته تر از کاربرد نام خانوادگی است. قندبر
پس از پیروزی سید محمد انقلاب اسلامی به رهبر قائم مقام عظیم الشان امام خمینی (ره)

نام کرمانشاه (کرمانشاه) را با احترام تغییر دادند و نیز نام شاهرود را
به امام مهر بدل کردند. و در وی به جهت مشکلات عدیده ای که پیش آمد این دو
نام جدید پس گرفته شد. چنانچه تاریخ شاهی که یاد می شود، چنانکه بنیان و پایه
دانش کار نادرست و ناانجیده و از روی احساسات و ناانجیدی بود

تأسیسات، عده ای افراد غیر مستوک و بی دانش و ناآگاه، در پیش از انقلاب
نام بسیار پر معنی و زیبای اِهْلَمَ lah lam را تغییر داده و بیسی که در آن
و کتابت اهلین علمه (الله) مله اد کردند. و هزار افسوس فرزندان خوب
اهلیم بجای تعویج، نام غیر واقع، بر یک جای جغرافیایی نهاده اند که در کل آن

نام مربوط به سماوات جغرافیایی که هستی است. انبیا و مردمان شریف و نورین و

مسلمان و زحمکش، اهل علم، معین و مومنین، اهل علم و پروردگار را می دانستند.

بر اهل بصیرت آن سماوات لازم است وقت کنند در آنچه را که مشاهده

و اجاره کرده اند. دانش دانش حقیقی، غیر از سواد مدرسه ای است. تأسیسات

عموم دانش یافتگان امروزین، از دانش و فضیلت دانش و گاهی با سینه، کاغذ

یا راه ای را با معدن دکتر، فوق لیسانس و لیسانس بدک می کنند. افراد آگاه و

مؤلفه که بر آن در کتب دانش و فضیلت علمی بزرگ کشیده و سستی ها بر خود حمل

کرده باشند بسیار اندک هستند.

لرجه ۱! - فرق است میان جغرافیای سیاسی و جغرافیای تاریخی.

۲- فرق است میان جغرافیای تاریخی و جغرافیای باستانی.

وجود و حیات هر یک در ادوار تاریخی سرسبز به تفاهیم حقیقی مورد فوق

بشتر دارد. عدم تدک صحیح از منابع و مآخذ تاریخی و برداشت نادرست و غیر

علمی از داده های تاریخی، محمل و مایه خردمندانه ای بسیار می رود.

بیشتر کتب تاریخی که در این زمان بصورت تصحیح و تحشیه بازسازی و به طبع

رسانیده است بازمانده مارکاتبان که حوصله و ناگاهان است که بجام را ختم

می نوشتند. و هر دوازده و چهارم را که در این کتاب استند بخوانند و یا بفرستند به زعم و
 خوش تحریف می نمودند. تحریف و تحزیب در تاریخ و زمان و فرهنگ ایرانی
 خارج از شمار است. نب بر این شیوه هتک چهره دست با استفاده از
 دانش‌های گوناگون و تطبیق منابع و مسامحه بر ستم و کفر اوضاع موضوع می پردازند.
 آنچه در متن بی‌فایده آورده شده است با توجه به جمع منابعی که
 اس می آن از گردید از نظر ماه تاریخی فایده ارزش علمی است و دریا
 زود نتیجه زبان بار آن مشهور خواهد شد. فاشانه‌ها تاریخی و جغرافیای را نمی توان قلب کرد
 تن بی‌فایده گذشته از آنکه نیز نمند به پاسخ صریح علمی و تاریخی است (کند
 های خود باید به آگاهی مسئولان عالی رتبه و عالی شأن سیاسی جمهوری اسلامی ایران برسد)؛
 در این جا به اطلاع می رساند؛ غیر از اطلاعات اعلیای و دستور در متن، کتابخانه به
 وضوح در قید ذکر داده تاریخی اشتباه دیده می شود از جمله ۱ در صفحه ۶ آورده
 شد؛ روز پنجشنبه ۲۷ رمضان سال ۵۲۵۰ - عبارت فوق از لفظ زمان شماری
 قمری جوی که اس من تاریخ اسلامی آن است غلط است. درست آن عبارت است از:
 روز پنجشنبه ۲۷ رمضان سال ۱۲۵۵ قمری هجری .
 بیجا اشتباه در رد فوق از جمله اشتباهات کتابان کتب تاریخی است

تذکره: ارسال ۲۵۰ قمری هجری (۱۳۰۱ شمسی است) و روز ۲۷ رمضان پنجشنبه نبود.

و این اشتباه و لغزش های انبوه دیگر، در این روزگار به جهت عدم آگاهی و
 وقت نگذاری شود. بنابراین بدون تسلط و چیره دستی و آگاهی همه جانبه و
 اطلاعات واسع نمی توان از هر منبع استفاده نمود. و لذا آنکه نویسنده کتاب
 عالم و دانشمندی نهی و معنی آن دکتر و استاد دانشگاه باشد. باید وقت لازم
 را بکار برد. نویسنده و پژوهشگر، تا نسبت به جامعه، حدیث و دین و کشور
 خود متعهد و مسئولیت پذیر نباشد نمی تواند از خود اثری بایسته و ارزنده بیادگار
 بگذارد. در واقع باید برخوردار از غیرت ملی و غیرت دینی بگذرد بایسته باشد.
 در چند جنبه جزه علمی بازاری آنچه نوشته شد جهت اطلاع شما به پاس
 نامه ای که مرقوم فرموده ای است.

— اگر کار پژوهشی و تیره ای در دست دارید که نیازمند به همکاری باشد تا
 آنجا که فرصت تقدر باشد شما را یاری خواهیم کرد از درگاه خداوند تمنا داریم که
 فرزندان مسلمانی ایران را در پناه نظام جمهوری اسلامی به جایگاه حقیقی دینی، علمی و
 تاریخی خویش برساند. شما را به خدای بیارم. شاد و سربلند باشید

پایان
 ۱۳۷۵، ۸، ۱۶
 ۸ / ۴ / ۱۷

واژه اهلیم در ای طفت یعنی بیاد گسترده است.
 " رویان در ای و بیج یعنی " " " " " " "
 که در جای خود هر یک از این دو واژه بصورت ریشه شناسی
 تشریحی (مانند زان) مطرح خواهد شد.

د ستا دوزانه جناب آقای هومون

عرض سلام و ارادت

تا مه رسانی شماره تاریخ ۲۷، ۸، ۷۵ روزنامه رفته ایم. از اینکه حوصله نموده و ملاحظه فرمایید از
جناب اشعارت و سفارت و انداز برقوم فرمودید بسیار سپاسگزاریم.

و اما چینه نکته:

۱- نامه ما چیت کتیک نام تاریخی «فرانس» را که فقط بقدر آن انگشت - شمار از افراد
مختص رسیده جامعه به سامان جزایایی آن آگاه هستند و از طرف هفتم به بعد به بینه
فراموشی سپرده شده بود اچیا کریم زیر اهل نظر که در آن جزوه اشعارت است
مترما در جزئی از خاک پناه در رویان « بوده است و ما مدعی نغذه و منبتیم که
مترما در جهان رویان « قدیم است که ما را ترسانده بود و ما به روش ما است
و بلاه نظام جمهوری اسلامی « که با فرهنگت است که گوییم که تغییر نام را در این
جزوه مطالعه فرمایید. کتیک های فنی بسیاری (اعم از فرماندهی، اسنادی، وزارت کتیک
(الله محسنی کتیک وزارت کشور) و وزاری محسن کتیک سیاسی - دفا نرهاست محم اورد
وزارت تربیت محم جمهوری اسلامی ایران بر آن نظارت و مساله رفته اند
که نامه متر و ندان ما آگاهانه یا توهم به پیوسته تاریخی، مهران جزای تغییر نام
مترما بوده اند و به این نظام محسن جمهوری اسلامی ایران خواسته متر و ندان مترما
پس از چندین سال به تقوی رسید. تا بر این حد است نسبت که این
اقدام را مستانزه تلقی نمائید. تغییر نامهای بسیاری که تا آورده اند عرصت ندانست
و ندانند که گوییم بسیاری از تغییر نامهای کتیک مترها، استقبال متر و ندان آن سامان
روبرو گرفته است. نمونه آن، سمعت سر به رامیر - خه نوبه نونتر -

مسوله به نور - بار فروش به بابل، ساطینده به آزار متر شده سر به بابل -
مناهی به قائم متر و

لذا چگونه بر دلایل عزمان و تغییر نام که در جزوه ذکر آن وقت لیسوند ده برای
متری تا سابقه ۳۳ ساله متر و ندان و روگانه اصل و آن (الله محسن) که اولی
ده حد بلایه زمین اعتبار می کند و رویی که هیچکس دلایلی بر اثبات و جابجایی

آن به های المده نمی رفت. نور و بیان را بدین از پیش لذت بردن لذت برد
 بر خواسته های خود را عیب می کرد. تا آنکه در لذت بردن عارضه عینان رو در رو
 جلودار ما، بر سر لود به نور تغییر یافته بود. آیات نظر شما سوله زید است
 یا نور؟

۲- اگر برای اهلم و رویان صدها منی لیا و ستره و جود داشته باشد
 چه ناید که فقط در نزد ارباب لذت - آن هم ارباب لذت تری -
 در صندرتی ذهن مجوس مانده و هیچگاه فرصت کافی است که از فرصت
 به عینت و آید و احیاء شود. آیا هنوز هم برای ماورایه اعیان نام
 تا بجز فراموش شده نوعی کج فنی است؟

۳- ما در چه هیچ ارضای ندلیم و لذت ای راه شکاری هستیم که شمع و جود زهنتان
 چون شام و رهنمای ما خواهند بود. اما به سهم خوس بر هر تیر و عنوانی که در آن
 جزوه انتخاب کرده ایم مدکت کافی و وافر نیست. دده ایم و از محفوظات
 و ذهانتها استفاده نکرده ایم و چون آن جزوه برای آماص «عمم» بوده
 و در منابع بر اساس روش ریت عملی ارجاع به صغیر و عنزان و سال انتشار منابع
 از حوصله «عمم» خارج بوده است. منابع بصیرت و عملی «عنزان» شده اند.
 که گویا ایجاد شبهه کردن است که لا فایده ازین عملی است.

۴- اگر من منابع در دسترس که به بیست سال ۲۵۰ هجری (قبل مساق) به
 رادکر کرده اند و ما در «تنظیم و گردآوری» از آن منابع متن قول کرده ایم
 جرم ما جیت که اصل بر ابر برائت نداشته و از دوباره ما همی کرده ایم
 آیا اجماع مخرجین و مصنفین در دستاها اند و اثر فصدی بوده است آن
 طور که بیان نموده اید - الکتونه علی الراوی

۵- در هیچ سند معتبری - بطریق عام - سینه مدارس تابع سنی و فقهی بر سینه
مفسر فقهی که شما یاد آور می فرمایید دیده نمی شود. آری آنچه در سند مذکور که خارج
مادت عمل می کردیم؟ بجز آن عنوان منابع سنی های ۱۹ و ۹۹ و نیزهای
۸، ۹ و ۲۰ صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲ کتاب کاظمی است.

۶- ایند منصفه فراموش کردیم راجع به آن که در این روز از ذهن است
کتاب فقهی است که تعدادی از کتابهای وی را شما در عنوان منابع کاظمی ذکر فرمود
در سند می گویید تاریخ روحان مولانا اولیاء آملی نوشته اند پس از بررسی منابع جدید
در همین رویان در ۱۲ یاد آور می شوند که کوره رویان کاظمی است شامل که
دست در مغز خاک طبرستان شامل مغزهای نائل، جالوس، ...
که در اینم از مناط و رشت و طایفه ای است و منتهی در ۱۳ منتهی جغرافیای
رویان با بر سرده اند که بار اولی بیشتر می توانست کتاب "پرورش مغز و
نماها عبارت از ما زودان" نوشته دکتر سعید حسن مجازی که در صفحات ۹۱ تا ۹۲
بر ابرام می آید.

۷- آنچه در کتاب تاریخی و سفرنامه ها در خصوص حدود اقلیم آمده است در سند
و استخراج شده آن به بیست و یک باب است و باب هفتم خواهد بود جغرافیای اقلیم
حاج (المدین - بکره) باشد. لافاً در اقلیم حاج (المدین - بکره) است
که منبع بیشتر بارگردد موجب اعتقاد خواهد بود چشم بر ابرام.

۸- لازم است جزو که در سند ذکر کردیم قبل از جواب به روی سند
در این صورت در اولی صورت ذکر می شود.

در بیان مراتب فرزندان و فرزندگی شما بر ما معلوم و خود را همچنان در این روز آرزوی مسو
و شادمانی های امیدوارانه، بشاگردی راهلت و آثارهای هدایت کننده می دانید
و امید داریم ترفیق سعادت حضرتی بر این فرزندان افروز است (هدیه سرگذشت و توفیق
همی آن است و فرزندان را از خداوند عز و جل به تقاضای عمل پس خواهانیم. بی هیچ مانعی
روز جمعه روز ۱۶، ۸، ۷۵ منتهی

محل دوخت

پرست

در خصوص این هم همین نام در ایام روز بیخه ۱۷ رمضان سال ۱۵۸۰ هـ. قریان را
بر سن تالیف مختلف تاریخ و لغت نام صاحب می گویند.

①- تاریخ طبری از تالیف ابوالقاسم محمد بن حسن بغدادی کتاب به تصحیح مسلمان
ص ۱۲۸ - روز فروردین حسن بن زینب و ص ۱۲۹
سفر ۱ - روز سی و نهم رمضان سنه هجرت و ماسن بر اوست کنند
سفر ۱۱ - روز پنجاهم است و ختم رمضان به کجور رسیده

ص ۱۴۹ سفر ۱۵ - حرکت و ۱۰ سال - روز بیستم سیم سنه هجرت و ماسن
حجیه قریان یافت ...

②- تاریخ مروی از تالیف ابوالقاسم محمد بن حسن بغدادی به تصحیح مسلمان

ص ۶۰ - ذکر فروردین در علم کبر

سفر ۱۴ و ۱۵ - روز سی و نهم است و پنجم رمضان سنه هجرت و ماسن بر اوست آید

ص ۶۶

سفر ۳ - روز پنجاهم است و ختم رمضان به کجور فرورد آید
③- تاریخ طبری از تالیف ابوالقاسم محمد بن حسن بغدادی به تصحیح مسلمان

ص ۱۳۰ سفر ۱۱ - روز سی و نهم است و پنجم رمضان سنه هجرت و ماسن بر اوست آید
سفر ۱۷ - روز پنجاهم است و کجور فرورد آید و ختم رمضان به کجور فرورد رسیده

④- تاریخ طبری از تالیف ابوالقاسم محمد بن حسن بغدادی به تصحیح مسلمان

سفر ۱۱ - روز سی و نهم است و پنجم رمضان سنه هجرت و ماسن بر اوست آید
سفر ۱۹ - روز سی و نهم است و پنجم رمضان سنه هجرت و ماسن بر اوست آید

محل دوخت

۳- صدوت حفرانی طبعی و کاشی ایران، تالیف اثر غزالی، بیست و هفت نسخه، ۳۴۷
ص ۲۹۶ سطر ۱... رس آل حسن بن زید علوی (۲۵۰ - ۲۱۷ هـ ق) مکتب بکر کبیر

۴- تاریخ ایران در قرن نخستین هجری، عبدالول میرزا لایق کبیر ص ۲۱۰
... و چند در واقع رونق میزند (در سال ۸۹۲ هجری قمری) و در زمان ناصر
الدین شاه میزند.

۵- مدون هجرتان نوشته دکتر ابراهیم حکیم، چاپ دوم، بیست و هفت نسخه، ۷۴
ص ۸۹ سطر ۸۹... مکتب مستقیم عالیته در سال ۲۵۰ هجری قمری در تبریز چاپ شده است.

۶- تاریخ ایران از آغاز تا انقلاب، چاپ بیست و هفتم، ۱۱۵ و ۱۱۰
ص ۱۱۵ سطر ۵... حسن بن زید در ۲۵۰ هجری قمری، بقعه صدر از آثار بکر
کبیر است.

۷- مکتب برینت، چاپ بیست و هفتم، نوشته دکتر سید کاظم روحانی، بیست و هفت
ص ۶۱ سطر ۱۱... در تبریز در سال ۲۵۰ هجری
قمری چاپ شده است.

۸- تاریخ ایران از فردوسی تا سلیمان، چاپ بیست و هفتم، بیست و هفت نسخه، ۱۷۹
ص ۱۷۹ سطر ۱... در تبریز در سال ۱۸۰ هجری قمری
چاپ شده است.

۹- تاریخ مردم ایران از پایان سلیمان تا پایان آل دیلم، اثر عبدالحسن بن زید کبیر
ص ۱۲۹ سطر ۱۲... در تبریز در سال ۱۸۰ هجری قمری
چاپ شده است.

۱۰- تاریخ مردم ایران از پایان آل دیلم تا پایان آل سلجوقی، اثر عبدالحسن بن زید کبیر
ص ۱۲۹ سطر ۱۲... در تبریز در سال ۱۸۰ هجری قمری
چاپ شده است.

۱۱- تاریخ مردم ایران از پایان آل سلجوقی تا پایان آل ایلخانی، اثر عبدالحسن بن زید کبیر
ص ۱۲۹ سطر ۱۲... در تبریز در سال ۱۸۰ هجری قمری
چاپ شده است.

۱۲- تاریخ مردم ایران از پایان آل ایلخانی تا پایان آل صفوی، اثر عبدالحسن بن زید کبیر
ص ۱۲۹ سطر ۱۲... در تبریز در سال ۱۸۰ هجری قمری
چاپ شده است.

مثل دوخت

بعضی سینه ۷ هین نامی در بطریقه حد و احکم و ساد و غیر اینها می آید که در کتاب

احکم را همان (عمده - المده) نورا دانستید به مستندات زیر از کتاب گفته
کارکن و سفر نامها توجه نماید

۱۱) روزنامه در تهران ۱۰۰ ل بر اینر چاپ شرکت استارت همی فاضل

۱۷ سطر ۱۰

تبرستان
www.tabarestan.info

آمل الف بلد و احکم ، آهن عمده

۷۵ سطر ۸

نصیحه آمل بهشت بکبک زیر قیاس می نشود (۱) طب (۲) احکم و آفاق (۳)

۲۹ سطر ۷ و ۶

۱۲) فیروز (خند در زنگنه) کبک در کبک (سپاس) رود عمود (عمده) شله (کرم رود) (نور)

حاشی رود - عزیزان از زده ضریح - المیرود یا احکم رود (احکم) - هر هنر (هر از) -
۱۷ سطر ۱۱ و ۱۲ - شهر آمل - در خانه حراز در آغابری غرز و در هر دو قسمه کتب من المام بوده بود احکم

۱۳) روزنامه سفر از نند (زنته) ناصر الدین شاه با حار چاپخانه حمیدی

۱۰۶ سطر ۷ و ۶

دو شنبه بیست و هجدهم باید به محمد آقا در تلبه سر که جزو احکم سابق است برود

۱۰۸ سطر ۲

می کند برود خانه احکم رود کسبیم آب زیاد می

۱۰۹ سطر ۵

۱۴) رودخانه احکم از فرخاب نذر و سر حد سایر بلوکات ما زنده است

۹۸ سطر ۷

۱۵) از ده حسن آباد کوه سیه رود و احکم ده که از فرخاب قدیم که کجرا که گفته وارد سوله

که اول جانش قدیمی نور است نیم

(۱) به بیاید جانش که در زمان شاهیه هم بین (المده عمده) و احکم منقطع آمل فرقا بود

۱۶) تاریخ طبرستان در زمین و ما زنده است کتب میرسد غیر اینها بن سید فیروز الدین بر عین کورس هنر کسب بود

۲۴ سطر ۱۱

نستگاه اوده احکم کبری

مر ۱۱ سطر ۱ - وندار جز نبه عولاره اهلیم بالوست سواد
 مر ۱۲ سطر ۱ - درک سفینه کون بدانت و کوزم اهلیم وقت
 چون کازم اهلیم بدانت کتشفه رافع از اهلیم بدانت
 مر ۲۷ سطر آخر - و اولاد و اولاد اول اندوگ ساروت اهلیم بنیرله وی اند و مقبره
 اسکان در آمل است

۴ - سنج خربزه - کلف - بواب اللان محمد بن حسن بن اصفهانی کتشفه بکشفه عیب اقبل

مر ۷ سطر ۱۳ - آرام - ترهجه - مبله - مهرور - اهلیم

مر ۲۵ سطر ۱۲ و ۱۸ - کوچی کر با اهلیم شده

--- رافع از اهلیم بدانت خواجه ---

۵ - حضرت فاطمه بنتی سمرقندی جلدت مسوق کلف لسیخ ترهجه محمد مرزا

۳۹۵ سطر ۱ - و ستره آمل در نصب در وقت آمل بدی همز قرار داشت و در آمل
 در صحنه کور در کمال عین اهلیم کتشفه کتشفه اهلیم صحنه کتشفه کتشفه کتشفه

۶ - سفره آمل در کمال عین اهلیم کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه

مر ۱۲۹ سطر - قوه لند و لند کتشفه آمل کتشفه کتشفه اهلیم رود هزاره کتشفه کتشفه

مر ۱۶۳ سطر - قوه لند کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه

مر ۱۷۳ سطر - کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه

مر ۱۶۶ سطر - کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه

مر ۱۶۴ سطر ۱۰ - اهلیم (آمل کتشفه کتشفه)

مر ۱۶۴ سطر ۱۰ - کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه

مر ۱۴۳ سطر ۸ [والت آمل] سطر ۱۰ - اهلیم کتشفه کتشفه کتشفه

(در این کتاب از المده عده نام نبرد فقط کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه
 کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه
 کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه کتشفه)

۷) الله تعالیٰ اعمال صالحه و شرف دنیا و آخرت را بر ما ارزاند و زنده کند و در سلطنت

مر ۸۰ مط ۲ - اعلم بربانی از دست آمل در کن رازش رود واقع است و از این بود که در این
ما زندگی و شرفی است که با دست (بسیار از زمین و غیره) می‌دهد (از این)

مر ۱۸۳ مط ۲۲ از حوا اعلم با دست

مر ۵ مط ۴ - اعلم بربانی که از دهگان های کتب بزرگه و شرف آمل در زمان باختری
آمل می‌دهد تا شرفی را به نفع دنیا و دین بین می‌دهد واقع است

مر ۱۹۱ مط ۱۳ (همین دستینه شریف را از جمله با دست کند که - بیت از دهگان
بین می‌دهد و در جمله در ۳۶ و ۲۷ (تقریباً) در ۵۱ و ۵۰ که گفته طول حوائج

۸) دست ۴م دهگان ب جدید مر ۲۷۹۵

المده: بجهت دویهای کبر - المده و قبه کبر است - کبر و شرف دینی و دین کبر و شرف دینی

۹) لذات آن است و در کتب شرفی است و در ۳

مر ۱۱۱ مط ۱۴ - از اعلم به ده طابع
مر ۲۱۶ مط ۲ - کشت از این تفسیر است که در از شرف با اعلم بربانی و دین بین

مر ۳۲۹ مط ۴ - اعلم در میان خود و آمل

مر ۳۳ (از المود با دست کند مط ۴) و مط ۳ از اعلم بود

مر ۷۲ و ۱۱۷ و ۱۴۹ المده از دست کبر و شرف دینی کبر و قیده می‌سرد

(به حال آمدن دهگان بین اعلم که در دست است - سر و آزارون داریم که در شرف است
از این آمل می‌دهد و در دهگان شرفی است)

www.fab.acs.tmu.info

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

اولین دوره مسابقات رسمی
کشتی لوچو
 (بازو نبردلا)
 زمان: ۱۲ الی ۱۶ بهمن ۷۷ - ۳ الی ۸ عصر
 مکان: رویان - سالن ورزشی شهدا
 ستاد برگزاری مسابقات کشتی بومی محلی لوچو - مازندران - رویان

تصویر شماره ۳۹: برگزاری اولین دوره رسمی کشتی لوچو پس از تغییر نام در رویان



تصویر شماره ۴۰: عکس یادگاری به همراه گروه تاریخ آموزش و پرورش نور
آستان مبارک رضا کیا سلطان و جمشید کیا سلطان شهر رویان

به نامش که نامش بلند اختر است
شکوهِش ز جهان و جهانگذراست

ز ما فرزند تو را (برای) زمین بیامد ^{همی} ز شاکت آنکس ناگسین

بر آنکس شد مکر شاه تورانیان که رویا ^{تورستان} بگویی ز ایرانیان

دلیران ز هر سو هم خواستی سپاهم فرار ^{www.tabarestan.info} بجای راستی

به عهد تو سر و زنا و با ساز و برب ^{یلا} را بخواند بر میدان مرگ

ز تو را به قدم بیامد سپاه که سر برود پید او قد ناگسین

پس گنگه بر ایران یکریف تیسز روان ^{کروی} آنکس شاه روشن گریز

بلرود پیش بر ایران ^{چو} روان که پیمان ستاند ز ایرانیان

بخواند که رویا که به تو را ^و همیس و یاقن بر تن ^{چو} جگر جان و همیس

ز بس ستاره اش ^{چو} بر خاک نشدش هدایت به نزد بزرگان ^{کس} شدش

بگفتا منم پیک ^{تو} روانیان سخن ^و دادم از ^{چو} ایرانیان

روان گشت در بام رویا رسید پس از یاد یزدان (فانک) بر کشید
 ز غیرت چنان قوت آهده بر کرد ز عدل ز کافش بیامد به سر
 سپس آن گمانگیر پرافتخار روان را سست و بر پروردگار
 یک ساق گروم و در بامیان ز غیرت به مردم گرفتار نشاند
 و بر پیش چشمش گویا گرو بر ساقش نشاند از آن تیغ کو
 سر از سپاه که بدید کرام به حیرت بر آهه از آن که پهلوان
 وز آن شاه توران به وخت فناء در خواب رویا بر قفس رویا
 مشکو به بدینا به حکم بر شکست بشد نا امید و به توران بگشت
 کونان گزیدم ز البرز پیر مرکان جاک فشانم بیار و به ویر
 که در شهر زهر وطن این چنین
 بشد فخر ایران و ایران زمین

حمید راسخانی گزیده‌ها (ایلام)

به فرموده شاه ششم از چینی که من عازم سوم ایران زمین

مگر آنکه این سوم البرز شیر فورتورا) مگر باید نشانگسزیر

و گویم تا زیم بر ایران زمین و ما را خبر آیدیم به جیلاک لین

ز باران شیر آبخان شیر نسیم که گوشت بر جگر نهان نسیم

چو آن دشمن بگفت که سخن یکدیگر بر خردت سید از آنکه آنجمن

بگفت لود که بر شاه توران بگو حقیرم تو در چشم ایران گرو

همه از لوز و بازوم تیر و کمان بنات دگر گفتوز ایرانیا

بلو شاه توران نشیند به بلخ در تابند و معنی تیرت علی

من آنک بر آیم در این تیغ کوه پیشگاه آفتاب که شهبه ش کوه

نشانم یگر تیر کین بر کمان بر آن سوم صیون بگیرم نشان

دکانه توران به خود آیدش و گویم ایران به سر نایدش

هر یک دشمن مدام ماستی هر آن داد گفت برده اخی



شماره ۳۵۹۹ تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۹

برادر گرامی جناب آقای مهندس گرانمای
استادار محترم مازندران
سلام تحلیکم

www.tabarestan.info
تبرستان

احتراما با استعفا میسراند

شهررویان که در چند سال اخیر به شهرستان نور الحاق شده است از لحاظ جغرافیایی و از جهت شرق در پهنای کیلومتری شهرنور از سمت غرب به فاصله ۲۶ کیلومتر شرقی شهرنور قرار گرفته است. اما سر مکن در این شهر و در استان اصفهان امیرالسلطان طراره به مدخر ریاست جمهوری محترم اصلاح ایران وزارت محترم کشور استانداری محترم مازندران و ششایند محترم شهرستانهای نور و محمودآباد در خواست ایجاد بخش آری در آن منطقه را تصویب شده در این جهت بوجه آن مقام محترم برآورد ذیل معترضه در است.

۱- ماده ۱۰ قانون امور - و ضوابط تقسیمات کشوری :

دولت موظف است با حفظ جهان سیاسی اجسام هر روز سازمان به نزدیکترین مرکز دهستان و دهستان را به نزدیکترین مرکز بخش : هر بخش را به نزدیکترین شهرستان و هر شهرستان را به نزدیکترین مرکز استان منظم نماید .

الف - بخش : در شرایط خاص مناسب روزنامه ای که بین دو شهر و دهستان و دهستان اجناس قرار گرفته اند از نظر فاصله به شهرستان نزدیکتر میباشند به همین لحاظ قسمتی از این نقاط اجبار - مستثنی و قسمتی از آن خود میباشند به شهرستان نزدیکتر و به جهت

۳/۱۰



جمهوری اسلامی ایران
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
فرمانده کل بهداشت شهرستان لور

شماره تاریخ

نمایند که این امر علاوه بر برداشتن هزینه های گزارشات و تست میکروبیولوژی و سایر
خودرو و ایاب و ذهاب را برای آنان فراهم ساخته است.

ب- اقتصادی : بعد مسافت، تحمیل مخارج اضافی، محصل ایاب و ذهاب، تسهیل بیوت
مایحتاج و ... از عمده عوامل مستند که در شرایط حاضر مرزبان این منطقه را به پیشبرد روستاییان
موقی داده و جهت تسهیل ارتقای عمومی و حتی کارکردن و تامین معاش به این شهروندی آورند.

ج- فرهنگی : همانطوریکه اشاره شد روستای علاج الدین ۳۷ کیلومتری نرسش ۱۳
کیلومتری رویان قرار گرفته است و این امر موجب گردیده است که اکثر جوانان و نوجوانان
جهت استفاده از مراکز فرهنگی و تفریحی به شهر نور مراجعه نمایند بطوریکه مراکز
تسلی ذاتی آموزشان محلی متوسطه و انجمن دانش آموزان مسقطی و انجمن علمی و تفریحی
دانش آموزان مسقطی ابتدایی که ساکن در مناطق فوق اشاره می باشند در مراکز آموزشی
شهر رویان متاول به تحصیل می باشند.

همچنین مراد ذکر کرد : وابستگی های طبیعی و طبیعی روستا که دیده نشدند تا یک بار نسبت به مسکن
تسهیلات تکمیلی شهروندی و روستاهای مجاور برقرار گردد که باین جهت احساس مرزبان
به این نکته محسوس گردید.

د- آموزشی : محله ایستادگانی منطقه ایستادگی شهروندان است که نرسش نرسش سرخس محله ایستادگی
در منطقه گرفته شده در بخش مسکن است که نرسش نرسش سرخس محله ایستادگی ۲۶ کیلومتری
نوسه روستا ایستادگی حوزه استعداتی این نرسش نرسش سرخس محله ایستادگی است.



پد ای
وزارت رفور
استاد کبار پ. زکریان
فرمانداری شهرستان لور

شماره تاریخ موضوع

آن شهرستان حضور کم رنگتری در این مناطق داشته باشد و لذا محدود و مورد ستر گزین دو
شهر رویان و نو شهر قرار گرفته است چنانچه یک منطقه بیشتر فسیل این افراد ناباب و فرستند
شناخته بود که گواه این امر تاخیر و تاخیرهای متناجر می باشد و در انجام اعمال متکراری در
این محدوده چلر ایایی می باشد .

علیهذا پیرو طر مارا رسالی از سوی اهالی شهر رویان و روستاهای اطراف و ضمن ارسال تصویر اعلام
رطابیت خوراکی اسلامی روستاهای مورد نظر بهر آه یک چند کتابچه تهیه شده در همین ارسا شد و
در اجرای مصره ۳ ماده ۷ و ماده ۱۹ و مصره ماده ۱۹ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و در
جهت اجابت در خواست محقق مردم منطقه رویان اسناد صادر در تیر تیسرا تکمالات فرمایید تا شاید در
شهر رویان به بهر همش و الفصاح بهگذار و رویان به دست با کفایت حفر سعانی باشیم . انشاء ...

شیدا ... منگ
فرمانداری شهرستان لور



بسمه تعالی

بیرادر گرامی جناب آقای مهندس کشاورز بیان

استاندار محترم مازندران

سلام علیکم

تبرستان
www.tabarestan.info

احتراما " پیرو نامه شماره ۳۵۹۹ مورخ ۷۶/۵/۲۲ با استحضار میرساند، اهالی ساکن در شهرستان نور و روستاهای اطراف آن با ارسال گزارشات متعدد به مسئولین محفوری و استانی درخواست ارتقاء شهر به بخش و استقرار بجهت اداری در منطقه را نموده اند و در همین راستا در زمان برگزاری هفتمین دوره انتخابات شورای استانی جمهوری و در سفر حضرت حاجت الاسلام والمسلمین جناب آقای عباسی رئیس جمهور محترم اسلامی ایران به شهر مذکور عنایتا درخواست مردم طرف این شهر از محضر ایشان ارتقاء شهر مذکور به بخش بود. استحضار این ارتقاء قول پیگیری موضوع را وعده فرمودند. و هم اینک کنیت اهالی ساکن در مناطق فوق الاشاره در استانی وعده داده شده با مراعات دسته جمعی و مگر ربه فرمانداری نسبت به درخواست خویش اصرار ورزیده و متذکر گردیدند چنانچه از سوی مسئولین استان و شهرستان در جهت اجابت درخواست آنان اقدام موثری صورت نپذیرد، خواسته خویش را با مراجه به نهاد ریاست جمهوری مورد پیگیری قرار خواهند داد.

همانطوریکه در نامه فوق الذکر با استحضار رسید ارتقاء شهرستان نور به بخش با در نظر گرفتن مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و در راستای اجرای بند ۳ ماده هفتم ماده نوزده و



۱۳۵۱۱۱

پسند عالی
وزارت کشور
استاندارداریمازندران
فرمانداری شهرستان نور

شماره تاریخ پورسک

ص ۲

تجدید ماده نسوزده قانون معارف و معارف و احوال تعلیمات کتوری امری اجتنابنا پذیر و از فروریات
منطقه در جهت اعمال سیاستهای عمومی دولت و از آنکه خدمات تعلیمی و تربیتی به مردم محروم آن
سامان میباید .
علیهذا با تقدیم مجدد نامه شماره مدرال شماره استند هادار دبیرستان نور اجابت درخواست محقق
مردم منطقه رویان که از دبیر بازخواستار استوار استوار بگذاری بوده اند ، امر و مقروض میباید
سراستب را بانظر مساعد به وزارت محترم کشور منعکس و مورد پیگیری قرار دهند تا
انتظارا... شاهد امتنا چهنداری رویان به دست با کفایت حضرتعالی باشیم . / ی

عبدال... ملک

فرماندار شهرستان نور

۶

Handwritten header text at the top of the page, including a date and possibly a reference number.

Main body of handwritten text, appearing to be a letter or official communication, written in Persian script.

Handwritten text in a tilted rectangular box, possibly a signature or a specific note.

Handwritten text in a rectangular box, likely a stamp or official seal.

Handwritten text in a vertical rectangular box, possibly a signature or a specific note.

Handwritten text in a rectangular box, likely a stamp or official seal.

Handwritten text in a circular stamp or seal at the bottom left.

Handwritten text in a rectangular box at the bottom right, possibly a date or reference.

«پنجاه و نهمین»

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای نوری

وزیر محترم کشور

موضوع: تأسیس بخش رویان

کتابستان
www.fararistan.info

احتراماً ضمن تقدیم یک جلد گزارش توجیهی بخش پیشنهادی رویان به استحضار میرساند با حساب به تأکید حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری در سفر به شهر رویان در زمان برگزاری هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و براساس پیگیریهای نماینده محترم مردم شهید پرور شهرستان نور در مجلس شورای اسلامی و خانواده های اینارگران و روحانیون منلقه و با توجه به بررسیهای کارسازان استانداری با بهره گیری از قانون و آئین نامه اجرایی تفسیمات کشوری، از آنجائیکه مرکز بخش پیشنهادی، شهر رویان با قدمت چندین ساله در مقایسه با بعضی از شهرهای استان به استناد ماده ۶ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین از به پیوستن دو دهستان مشتمل بر چندین روستا، مکان و مزارع از نظر جمعیت، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی واحد متناسب و همگنی را بوجود آورده است و از آنجائیکه بخش پیشنهادی در مجاورت دریای مازندران، نوار مرزی و جنگلی قرار دارد لذا در راستای تبصره ۲ ماده ۶ قانون مزبور است، ما نذر دستور فرمائید در جهت تصویب بخش پیشنهادی از مجموع دو دهستان بنامهای کالج از بخش مرکزی نونسهر و میان بند از بخش مرکزی نور به مرکزیت شهر رویان در تابعیت شهرستان نور اقدام مساعد معمول و نتیجه را امر به ابلاغ فرمائید. ۱۳۹۸/۰۷/۱۱

د. داود کشاورزیان

داود کشاورزیان

استاددار مازندران

۳۳۵۴۹۱/۲۸

۱۳۹۶/۰۹/۲۲
رونوشت

- جناب آقای ناطق نوری نماینده محترم مردم شهرستان نور و محمودآباد در مجلس شورای اسلامی
- جهت استحضار
- معاونت محترم سیاسی، امنیتی جهت استحضار
- مدیرکل محترم دفتر تفسیمات کشوری جهت استحضار
- دفتر امور اجتناسی جهت اطلاع و پیگیری
- استانداری محترم شهرستان نور نطفه شماره ۵۲۶۸ - ۷۶/۷/۲۱ جهت اطلاع و پیگیری

استان مازندران
شهرستان نور



جمهوری اسلامی ایران

تاریخ:.....
شماره:.....
پیوست:.....

شورای اسلامی شهر رویان

مدير مسئول محترم هفته نامه مورخار

با سلام و درود

نظر آن جناب را نسبت به تصحیح چاپ خبری مبنی بر افتتاح مؤسسه آموزش عالی مازیار نور در صفحه دو آن هفته نامه به تاریخ ۸۴/۱۱/۱ شماره ۶۲ به نکات ذیل جلب بنمایم:

۱- مؤسسه آموزش عالی مازیار با مجوز از وزارت آموزش عالی بنام شهر رویان صادر که حتی در سر در آن مؤسسه، مؤسسه آموزش عالی مازیار حکم شده است.

۲- در سطر ۸ همین خبر اعلام نمودید که مؤسسه فوق بعد از پلیس راه نور نرسیده به رویان در ساختمان معروف به هفت دستگاه، در بهمن ماه جاری گشایش مییابد.

قابل ذکر است گروه تاریخ و جغرافیای آن رسانه خبری کمی تا مل و اندیشه بخرج میدادند و گذری در تاریخ منطقه میزدند و محدوده قانونی شهر رویان را که از پل بره شروع میگردد بین نور و رویان نام نمی بردند جهت مزید اطلاع مرز نور و رویان به گواه تاریخ و سفرنامه ها چنین قید شده است:

۱-۳- صفحه ۹۸ روزنامه سفر مازندران نوشته ناصرالدین شاه سطر ۷... از ده حسن آباد و سیاهرود و اعلم ده (رویان فعلی) که آخر خاک قشلاقی کجور است گذشته وارد سوله ده که اول خاک قشلاقی نور است شدیم.

۲-۳- صفحه ۳۳۰ جغرافیای تاریخی ایران باستان تالیف دکتر محمد جواد مشکور سطر ۱۲... از آمل رو به شمال به بندر تاریخی الهم که در رویان قرار داشت و امروز اثر اهللمده (المده، علمده) بندر گویند...

۳-۳- صفحه ۶۲ کتاب مازندران و استر آباد، ه. ل. رابینو سطر ۱۷.. بلوک نور از المرود شروع میشود..

۴-۳- صفحه ۵۶ پایان نامه جابر پارسیبی در کارشناسی ارشد سطر ۱۷... در قرون اخیر منطقه وسیع رویان (رستمدر) به دو بلوک کجور و نور تقسیم شده بود و مرز بین این دو بلوک به احتمال زیاد رودخانه بره که اکنون مرز دوشهر رویان و نور می باشد بوده است....

نشانی: شهرداری رویان - تلفن و نمابر ۰۱۲۲-۶۲۴۳۰۵۱

E-mail: royanshora@yahoo.com

تصویر شماره ۴۲- نامه شورای اسلامی رویان در رابطه با چاپ
مطلبی در رابطه با حوزه استحفاظی شهر رویان



جمهوری اسلامی ایران

استان مازندران

شهرستان نور

تاریخ:

شماره:

پیوست:

شورای اسلامی شهر رویان

۳-۵- آبت در سال ۱۲۵۹ ق. رودخانه سوله ده (بره) را مرز بین بلوکات نور و کجور معرفی کرده است.

۳-۶- مکتزی در سال ۱۸۵۸ میلادی رودخانه رویان (المدیه) را مرز بین نور و کجور اعلام نموده است. رودخانه علمرود (رویان فعلی) که از جنوب به شمال جریان دارد واحد حکومت حبیب الله خان است و ایالت نور از انجا شروع می شود.

۳-۷- سلکونف روسی هم منطقه دشت را به بلوکات کجور و نور تقسیم کرده است: در شرق بلوک کجور رود سوله (شهر نور کنونی) قرار دارد.

۳-۸- کتاب گرانسنگ از آستارا تا استرآباد نوشته دکتر منوچهر ستوده صفحه ۲۲۷ سطر یک بلوک دشت کجور از طرف مغرب به رودخانه چالوس و از مشرق به رودخانه بره در شرق المده (رویان فعلی) و در صفحه ۲۲۸ ... حدود

سامان بلوک کالج از دهکده هندومرز تا پل رودخانه بره است که حد فاصل بین خاک کجور و نور است.

در صفحه ۳۲۶ جغرافیای تاریخی دشت نور از غرب به دشت کجور به مرکزیت المده (رویان فعلی) می باشد.

۳-۹- مرعشی، میر ظهیرالدین تاریخ شهرستان رویان مازندران به مقدمه یعقوب آژند نشر گستر صفحه ۲۹ نیز مرز نور و کجور را مشخص نموده است.

۳-۱۰- از همه مهمتر دفتر فنی استانداری مازندران در طرح هادی المده (رویان فعلی) در صفحه ۱۰۵ محدوده مصوب شهر (۵-۸) را چنین ذکر می کند:

محدوده قانونی فعلی شهر ۲۶ سال پیش در سال ۱۳۴۵ طبق ماده ۲ قانون شهرداریها تصویب گردیده است طبق محدوده مذکور از شمال به دریا، از جنوب به آستانه کشان، از غرب به هندومرز و از شرق به پل بره جدا کننده علمده و نور) محدود میگردد.

نشانی: شهرداری رویان - تلفن و نمابر ۰۱۲۲-۶۲۴۳۰۵۱

E-mail: rovanshora@yahoo.com

استان مازندران
شهرستان نور



جمهوری اسلامی ایران

شورای اسلامی شهر رویان

تاریخ:

شماره:

پیوست:

و خلاصه اینکه پس از فوت سی و ششمین پادوسپهان بنام ملک کیومرث بن ملک بیستون (۸۰۷-۸۵۷ ه ق در سال ۸۵۷ ه ق که در رستمدر (رویان) حکومت می کرد منطقه وسیع رستمدر که تا قبل از حمله مغول رویان خوانده میشد بین فرزندان وی تقسیم گردید و گاویارگان پادوسپانی خودسته شدند:

گاویارگان پادوسپانی شاخه کجور به رهبری ملک اسکندر

گاویارگان پادوسپانی شاخه نور به رهبری ملک کاروس

منطقه جلگه ای رستمدر (رویان) هم به دو بخش کجورستاق به مرکزیت المده (رویان فعلی) و ناتل رستاق به مرکزیت سولده (نور فعلی) تقسیم گردید. و مرز نور و کجور همانطور که ذکر شده دشت را رودخانه بره مشخص میکرد و می کند و هفت دستگاه و موسسه آموزش عالی مازیار رویان در محدوده قانونی شهر رویان قرار دارد و پس، نه بین نور و رویان.

امید به موفقیت روز افزون هفته نامه وزین سوردار و تصحیح خیر در همان صفحه جهت مزید اطلاع خوانندگان

تاریخ تصویب: ۱۳۸۲/۱۲/۱۴

احمد ابراهیمی
رئیس شورای اسلامی شهر رویان

نشانی: شهرداری رویان - تلفن و نمابر ۰۱۲۲-۶۲۴۳۰۵۱

E-mail: royanshora@yahoo.com

تصویر شماره ۴۳

محل دقیق محله های قدیمی رویان در نقشه ذیل با شماره مشخص گردیده است.

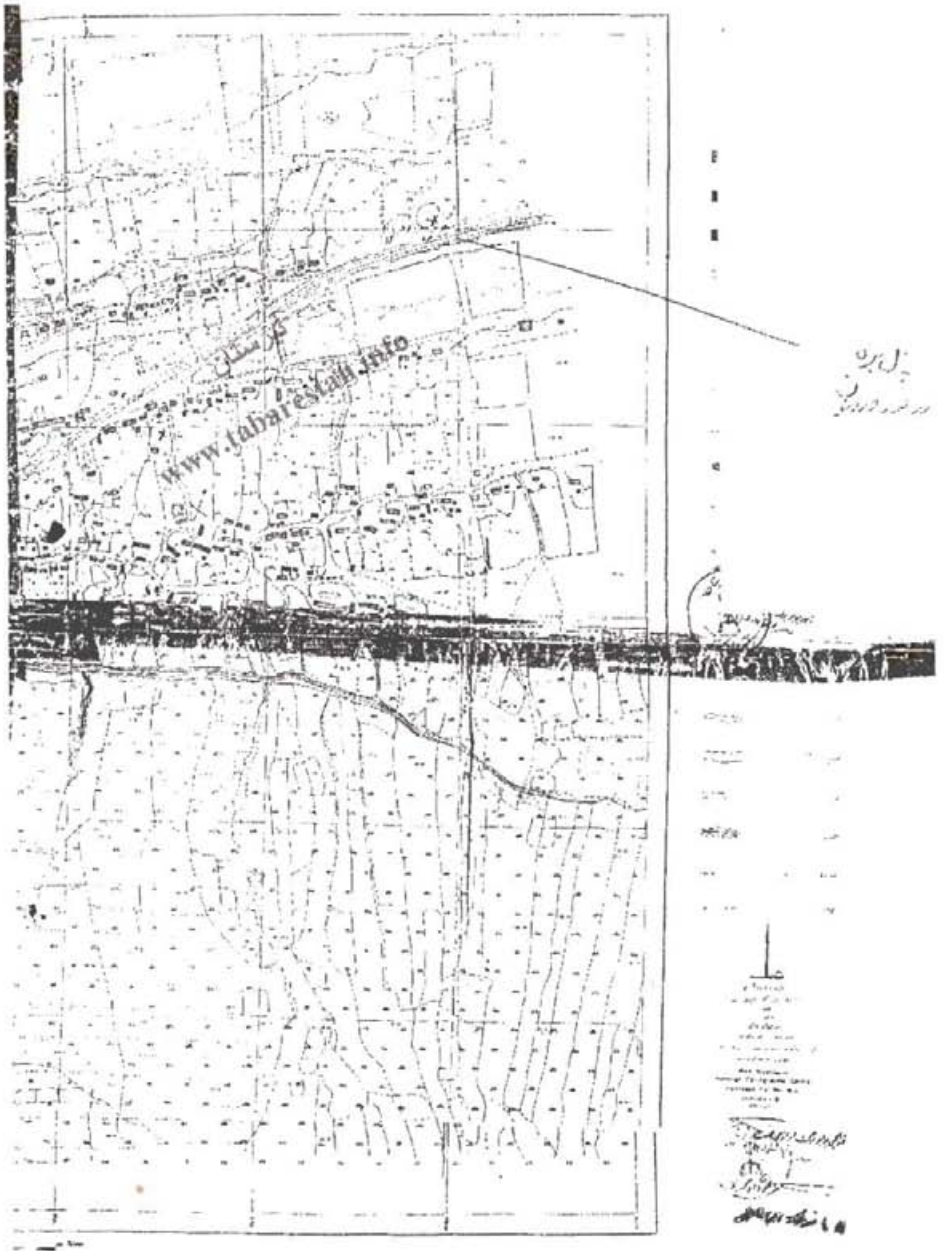
دریای خزر (مازندران)



شایبازهای رویان

شایبازهای رویان

زمین های کشاورزی عباسا



تصویر شماره ۴۴: نقشه هوایی شهر رویان در سال ۱۲۴۴ هجری شمسی



انتشارات : سیپ سرخ

شابک : ۹۶۴-۷۳۴۸-۰۹-۶

قیمت : ۲۲۰۰ تومان